



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

از آن نکات کلیدی و پاسخ به ده سؤالی ضروری برای آشنایی بهتر با دختران و زنان

بچه‌ها و نوجوانان

معماران و معلمان

چگونه
فرزندانمان
را صحیح‌تر
می‌شنویم؟

احمد نعمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه فرزندان ما با حجاب می شوند؟

نویسنده:

احمد لقمانی

ناشر چاپی:

بهشت بینش

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- چگونه فرزندان ما با حجاب می شوند؟ ۸
- مشخصات کتاب ۸
- سخن نویسنده ۸
- علت وجوب «حجاب» چیست؟ و ملاک های اصلی پوشش کدامند؟ ۱۰
- اشاره ۱۰
- ملاک های اصلی برای پوشش چیست؟ ۱۱
- علت وجوب حجاب چیست؟ ۱۱
- اشاره ۱۱
۱. پاکي روح با آرامش وجود ۱۱
۲. افزایش ارزش زن و جبران ضعف جسمانی او ۱۲
۳. تحکیم روابط خانوادگی و حفظ بنیان زندگی ۱۲
۴. رشد شخصیت، ظهور خلاقیت ۱۳
۵. نشاط جسمی و نشاط جنسی ۱۴
- آیا حجاب پنهان شدن و پنهان ماندن است؟ ۱۵
- چرا دختران و زنان باید حجاب داشته باشند و پسران نباید موهای سر خود را بپوشانند؟ ۱۶
- آیا حجاب و پوشش یک «حق شخصی» است که زن یا شوهر و پدر بتوانند از این حق صرف نظرکنند؟ یا «حق اجتماعی» است که با انصراف جامعه هر ریشه حجاب که «عفاف» نام دارد و با وجود آن علاقه قلبی و عقلی به پوشش پدید می آید، چیست؟، راه های دستیابی به «گوهر عفاف» چیست؟ ۱۷
- رهاورد عفاف در زندگی انسان چیست؟ ۱۹
- «آفات عفاف» یا راه های تضعیف پارسایی و نجابت چیست؟ ۲۰
- اشاره ۲۰
۱. نگاه حرام ۲۰
۲. موسیقی های حرام با شنیدن غنا ۲۰

۳. فکرگناه ۲۰
۴. بیکاری ۲۰
۵. دوستان ناباب ۲۰
۶. نداشتن حدود و حریم با نامحرم ۲۱
- حیاء چیست؟ آیا تاثیری در حفظ حجاب به طوو خودجوش و ارادی در فر زندان مان دارد؟ ۲۱
- راهکارهای دستیابی به حیا چیست؟ ۲۲
- آیا پیش از اسلام هم سخنی از پوشش یا وظیفه ای نسبت به حجاب بوده است؟ ۲۳
- اشاره ۲۳
۱. پوشش زن در یونان و روم باستان ۲۳
۲. پوشش زن در ایران باستان ۲۴
۳. پوشش زن در ادیان بزرگ الهی ۲۵
- حجاب در شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام ۲۵
- حجاب در آیین یهود ۲۵
- حجاب در آیین مسیحیت ۲۵
- آیا حجاب و پوشش تنها با چادر است؟ ۲۶
- آیا چادر از زمان قاجاریه در ایران بوجود آمده است و به اصطلاح «ایرانی» است نه اسلامی؟! ۲۷
- بهتر ین رنگ پوشش چیست؟ آیا پوشیدن رنگ سیاه مکر وه و ناپسند است؟ ۲۸
- اشاره ۲۹
- رنگ ها و اثر روانی آن بر شخصیت انسان ۲۹
- رنگ در اعتقادات مذهبی ۳۰
- رنگ سیاه، تأثیر روانی آن در اطرافیان ۳۰
- علت مبارزه گستر ده کشورهای غر بی با پارچه ای کوچک به نام روسری چیست؟ اگر اینان کشور خود را مهد آزادی و دموکراسی لقب ۳۲
- امروزه بهتر ین ابزار برای شناخت ردپای استعمار در بی علافگی یا بدبینی نسبت به حجاب چیست؟ ۳۴
- ماجرای کشف حجاب در ایران چه بود؟ ۳۶

- ۳۷ آیا در دانشگاه‌های جهان ضوابطی برای پوشش دختران و زنان وجود دارد؟ یا این قانون تنها در ایران است؟
- ۳۸ آیا اندیشمندان، سیاستمداران یا هنرمندان غیرمسلمان جهان نیز از پوشش و حجاب یا حیا و عفاف سخن گفته‌اند؟
- ۴۰ «شهید حجاب» کیست؟ و ماجرای قتل او در آلمان چیست؟
- ۴۰ مخاطبان ما در خانواده یا جامعه چه ویژگی‌هایی دارند؟
- ۴۰ اشاره
- ۴۱ ویژگی‌های برجسته در شخصیت نوجوانان
- ۴۲ ویژگی‌های والا در شخصیت جوانان
- ۴۳ بهترین شیوه تاثیرگذار درباره حجاب چیست؟
- ۴۴ اشاره
- ۴۷ شیوه‌ها، قالب‌ها، رسانه‌ها و ابزار
- ۴۷ گستره یادگیری
- ۴۸ اشاره
- ۴۸ الف) گستره شناختی
- ۴۸ ب) گستره عاطفی
- ۴۸ ج) گستره روانی - حرکتی
- ۴۸ آیا بینش و روش حضرت زهرا علیهما السلام نسبت به حجاب برای امر و نهی جامعه ما جوابگوست؟
- ۵۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چگونه فرزندان ما با حجاب می شوند؟

مشخصات کتاب

سرشناسه: لقمانی احمد، ۱۳۴۲ - عنوان و نام پدیدآور: چگونه فرزندان ما با حجاب می شوند؟ / احمد لقمانی. مشخصات نشر: قم: بهشت بینش ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۱۷۰ص. شابک: ۲۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۷۷-۱۴-۵ وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری یادداشت: عنوان روی جلد: ارائه نکات کلیدی و پاسخ به ده‌ها پرسش ضروری برای آشنایی پدران و مادران، معلمان و مربیان، سخنوران و مبلغان. یادداشت: کتابنامه:ص. [۱۶۸]-۱۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس. عنوان روی جلد: ارائه نکات کلیدی و پاسخ به ده‌ها پرسش ضروری برای آشنایی پدران و مادران، معلمان و مربیان، سخنوران و مبلغان. موضوع: حجاب موضوع: پوشش زنان رده بندی کنگره: ۱۷/۲۳۰/BP۷/۱۳۸۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶ شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۹۵۴۹

سخن نویسنده

«دلبستگی های دینی» مردم عزیز ما سرمایه ای ماندگار و معنوی است که رهاورد «نگاه ارزشی آنان به زندگی» است. این ویژگی والا و غیرقابل انکار، در جلوه های مختلف گفتاری و رفتاری نمود می یابد که نماد برجسته آن «پوشش و حجاب» و «حیاء و عفاف» است. سال های حضور در جلسات سخنرانی یا پرسش و پاسخ های مذهبی، نویسنده را با سؤال های متعدد و متراکمی رو به رو ساخت که: محور اصلی آن این پرسش بود: «چگونه فرزندان ما با حجاب می شوند؟» ارائه کننده این پرسش کسانی بودند که سال های بسیار در محافل مذهبی حضور داشتند و گاه خود از عناصر حوزوی و دانشگاهی بودند، اما برای ارائه اندیشه پوشش، شیوه ای نداشتند و گاه برای پرسش های مطرح در بین جوانان و نوجوانان درباره «چرایی و چیستی حجاب»، «نوع پوشش»، «رنگ پوشش» یا «پیشینه حجاب» و... پاسخی نمی یافتند. ... کتابی که در دست دارید با توجه به این نیاز ضروری نوشته شده است تا پدران و مادران، مربیان و معلمان و حتی استادان و مبلغان علاوه بر «دانش»، «روش» همزبانی و همدلی با نسل جوان را بیابند و با زبانی شیرین و ادبیاتی دلنشین با آنان به گفتگو پردازند. برای دستیابی کامل به پاسخ این پرسش کلیدی و کاربردی توجه به چندین رکن نهفته در سؤال ضروری است: الف) چگونگی رفتار و گفتار یا بازیابی شیوه ها و سلیقه ها (چگونه) ب) آشنایی بیشتر با فرزندان، نوجوانان و جوانان (فرزندان ما) ج) شناخت روشن حجاب، ریشه ها و آثار آن (باحجاب) به یقین در پرتو این سه گام معرفتی - که نیاز به همت و حرکت دقیق و عمیق دارد - رکن چهارم و مطلوب یعنی انتخاب آگاهانه و عاشقانه حجاب بدور از خشم و شتاب ما یا رنج و عذاب آنان فراهم می شود و فرزندانمان بدون اینکه ما آنها را با حجاب کنیم، خود را حجاب (می شوند). تنها راه موفقیت، تصمیم شجاعانه در کنار گذاشتن شیوه های بی ثمر گذشته، توجه جامع به آثار ماندگار این تصمیم و سرانجام یافتن عزم و جزمی چشمگیر برای ماندن تا پایان راه است. پیش از هر سخن دل سپردن به چندین نکته نورانی بسیار لازم است: سخن از حجاب، سخن از پوشش تنها نیست، بلکه سخن از یک مکتب و یک چارچوب فکری و دینی است که در این ظاهر، نماد می یابد. • راز توصیه و تاکید دین به حجاب، نوع نگاه آن به انسان است که نگاهی شروع دار اما بی پایان است؛ نگاهی که ابزارهای لذات همسو با تعالی و ترقی افراد دیده می شود و جمال و کمال با هم ارائه میگردد. «حجاب» ایجاد حصار بین زنان و مردان یا جداسازی دختران و پسران و یا خانه نشینی بانوان نیست بلکه راز وجودی حجاب، «اجتماعی بودن» و پذیرش نقش فعال در جامعه همراه با «تنظیم روابط» و «تعديل عواطف» است. آنچه بیش تر از حجاب و پوشش اهمیت دارد، «روح حجاب»، است که ثمره آن زیبایی بی پایان یعنی آراستگی و وقار و متانت. در رفتار است، بدون آنکه باید و نبایدی از پدران و مادران باشد یا امر و نهی از مربیان و اطرافیان. » بهترین شیوه اثرگذار در برخورد با فرزندان و مخاطبان، «تغییر اندیشه» آنان است تا خود «تغییر انگیزه» یابند. هر گاه این مبنا مورد

نظر ما باشد، قبل از توجه به «موی سر» به «توی سر» می پردازیم که این روش راه روشن پیشوایان و پاک اندیشان است. از این رو به جای «باید و نباید»های خسته کننده و بی ثمر گذشته بهتر است به «هست و نیست»های نشاط آفرین و پرثمر حال و آینده رو کنیم و از داشته های مخاطبانمان برای فردایی امیدبخش مددگیریم تا با اقبال و استقبال آنان روبه رو شویم. با تغییر «بینش و نگرش»، «نوع گرایش» نوجوانان و جوانان ما تحول می یابد و حجاب را مانع نشاط و شادکامی یا دافع زیبایی و زنده دلی نمی دانند بلکه باعث سرور و شادی درونی و حافظ گوهر وجودی می بینند که رهاورد آن، خودکنترلی یا خودیابی است و تفاوت انسان و حیوان در بهره گیری بهنگام و سنجیده از غرائز جنسی و جسمی است. با این رویداد مبارک یعنی «تغییر نگاه و نگرش» به حجاب و پوشش، بی حجابی همراه با سختی و تلخی خواهد بود، زیرا در «برهنگی جسمی»، نخست «برهنگی فکری» به چشم می خورد و با «عریان شدن روح» از صفات عالی انسانی، خسارتی به شخصیت وارد می شود که حقارت درونی اولین ثمره آن است. از این رو به جای نمایان کردن «عظمت فکر و شکوه روح»، «تن آرای و تن نمایی» مطرح می شود و «جنسیت» یعنی مؤنث بودن جایگزین «انسانیت» می شود! آنچه از آغاز تا پایان این نوشتار مورد نظر نویسنده است، نشان دادن بلندای، «حجاب، حرمت و حریت» و جلوگیری از سقوط از «قله قداست و انسانیت» است که این رسالت اصلی ما به طور جدی و جامع در حفظ فرزندان و مخاطبانمان است. از این رو برانیم بدور از هیجان و احساس همراه با منطق و استدلال سه رکن نخست مطرح شده در آغاز نوشتار را پیش رو قرار دهیم و یکایک گام های معرفتی را به لطف الهی طی کنیم تا به چهارمین رکن یعنی «انتخاب آگاهانه و آزادانه حجاب» همراه با روح و محتوای نورانی آن یعنی «عفاف» از سوی عزیزانمان دست یابیم. سه رکن مورد نظر که از آغاز تا پایان کتاب درباره آن با هم سخن میگوئیم و پرسش های مطرح درباره هر یک را پیش رو قرار می دهیم عبارتند از: الف) «حجاب» چیستی و چرایی آن در این فراز سوالات متعددی از سوی نوجوانان و جوانان عزیز ارائه می شود که به پاسخ هر یک می پردازیم همانند: چرا خداوند حجاب را قرار داده است؟ آیا این تکلیف الهی باعث پنهان شدن و پنهان ماندن نمی شوند؟ ملاک های اصلی پوشش چیست؟ فلسفه تفاوت پوشش دختران و پسران چیست؟ حجاب «حق فردی»، «حق اجتماعی» یا «حق الهی» است؟ ریشه حجاب که با آن علاقه قلبی و عقلی در گرایش خودآگاه و ارادی ایجاد می شود، چیست؟ «حیاء» که تأثیری خودجوش در پارسایی و پاکدامنی انسان دارد، چیست؟ راهکارهای دستیابی به آن کدام است؟ آیا پیش از اسلام هم سخنی از پوشش یا وظیفه ای نسبت به حجاب بوده است؟ آیا حجاب و پوشش تنها با «چادر» است؟ آیا چادر پوششی اسلامی - مذهبی است یا ایرانی - ملی؟ بهترین رنگ پوشش چیست؟ به راستی رنگ سیاه مکروه و ناپسند است؟ علت مبارزه غرب با پارچه ای کوچک به نام روسری چیست؟ و ردپای استعمار در بی علاقه‌گی یا تنفر نسبت به حجاب کجاست؟ آیا دانشگاه های کشورهای غیراسلامی یا اندیشمندان غیرمسلمان نیز درباره پوشش و حجاب رفتاری یا گفتاری دارند تا فطری بودن پوشش در بین همه انسان ها تأیید شود؟ «شهید حجاب» در غرب یا دیار دموکراسی و انتخاب آزاد کیست؟ ب) «مخاطب شناسی» یا آشنایی با صفات و روحیات نوجوانان و جوانان در این فصل با ویژگی های پیدا و پنهان فرزندانمان در خانه یا نوجوانان و جوانان در جامعه آشنا می شویم تا با راحتی و آرامش و بدور از تلخی و تندید با آنان گفتگو کنیم و ضمن درک حالات و نیازهای درونی، به خواسته هایشان پاسخ دهیم. به یقین با این شناخت روشن، نسل نو را بهره مند از فطرت پاک، عقل و خرد خداداد و احساس و عاطفه ای سرشار می یابیم که با نسل های گذشته تفاوتی در دینگرایی و باورهای الهی نخواهند داشت. بلکه شرایط متفاوت امروز است که آنان را متفاوت نشان می دهد و گاه باعث انتظارات یک سویه، خستگی و دلزدگی می شود! ج) «شیوه شناسی» یا ارائه روش های کارآمد و ثمرآفرین برای گفتگویی شیرین و دلنشین رهاورد این رکن موثر در گفتگو با مخاطبان، پرهیز از «دفاع بد از سوی دوستان» و بستن «راه های تهاجم همه جانبه دشمنان» نسبت به پوشش و پارسایی است. «ارائه نمونه ای ناب و نورانی» در آراستگی به حجاب در عرصه های مختلف زندگانی، مکمل نکته های کلیدی و کاربردی در بهره گیری از شیوه های شایسته برای استمرار راه صالحان و معصومان (ع) است. امید آنکه هر یک از ما

با بهره‌گیری از توشه و توان امروزمان به فردای نسل جوان بیندیشیم و ضمن آشنایی خود با گنجینه‌های معرفت و معنویت، باعث هوشیاری و بصیرت آنان در برقراری بیرق بیداری، آرمانگرایی و ارزش‌مداری در کشور عزیزمان باشیم. ان شاء الله یوم الله ۱۲ فروردین ۱۳۸۹ - قم مقدّس احمد لقمانی

علت وجوب «حجاب» چیست؟ و ملاک‌های اصلی پوشش کدامند؟

اشاره

دانستیم که مجموعه بایدها و نبایدهای دینی براساس «بیتش الهی-انساس» است، بیش‌ی که انسان را آفریده‌ای شروع دار اقامی پایان می‌داند که برای کامجویی و لذت یابی آفریده نشده است، هر چند لذت می‌برد و در مسیر صحیح زندگی بیشترین سرور و شادمانی را نصیب خود میکنند، اما تعالی و ترقی مقصد والای اوست. در این نگرش انسان را «حیوان ناطق» نمی‌یابیم بلکه «موجودی متأله» یعنی مخلوقی دارای آغاز و انجام مشخص و شفاف همراه با مسئولیت تام و تمام نسبت به الله می‌بینیم. کسی که باید بهداشت روحی و آرامش روانی داشته باشد تا با هدایت انرژی‌های نهفته درونی، در مسیری سالم و انسانی حرکت کند، به کمال شخصیتی دست یابد. از ناهنجاری‌های فکری و رفتاری مصون ماند تا به سعادت و سربلندی ابدی دست یابد زیرا ما از اویم و به سوی او باز می‌گردیم و می‌توانیم جاودانه در آسودگی و آرامش بسر بریم. «پوشش»، فراتر از آیین و ملت به «فطرت» و بیرون از «جنسیت» به «انسانیت» انسان بر می‌گردد، شأنی از شؤن انسان دانسته شده که عمری به قدمت خود انسان دارد و پاسخگوی سه نیاز متفاوت افراد است: ۱. نیاز طبیعی (حفاظت در مقابل گرما و سرما و عوامل طبیعی دیگر) ۲. نیاز اجتماعی (مراقبت از عفت و پاکدامنی) ۳. نیاز روانی (مواظبت از آراستگی و زیبایی) علاوه بر این، نوع پوشش هر جامعه‌ای افزون بر خصوصیات جغرافیایی و طبیعی، موقعیت سنی و شغلی و یا عوامل اقتصادی و اجتماعی، تابعی از فرهنگ و جهان بینی حاکم بر آن جامعه است که فراتر از سلیقه و رزیه‌ها و تنوع طلبی‌ها، ارزش‌های موجود در خانواده را نمایان می‌سازد. در یک نگاه دقیق و عمیق: حجاب یک فریضه عبادی-اجتماعی و فراتر از آن حماسی-سیاسی است، مثل نماز نیست که در روز چند نوبت اقامه شود و تمام گردد یا مانند روزه که در سال یک ماه واجب گردد و یا مانند خمس که چون تسویه شود دیگر وظیفه‌ای به بار نیآورد، حجاب یک فریضه منشورگونه با ابعاد و اضلاع متفاوت و متنوعی است که آثار فقهی و اخلاقی عرفانی و الهی دنبال دارد. از یک سو حالت عرفانی برای بانوی باحجاب دارد زیرا با عشق در آمیخته و همین امر، سختی‌های ظاهری را سهل و آسان می‌سازد، از سوی دیگر جلوه حماسی دارد و چونان بیرق برافراشته حق‌سالاری و عدالت خواهی، پاکی و پاکدامنی است که همیشه همراه و در سال اهتزاز است. حجاب «حق زنان» و «حق مردان» است، زنان، با حجاب به حق خود که شخصیت متعالی است می‌رسند و مردان حد خود را که عبور نکردن از مرز خویش است می‌یابند، این بیش‌ی که همسو با فطرت پاک هر انسانی است بیانگر این حقیقت رحمانی است که اعضای زن امانتی است که از سوی خداوند به او واگذار شده است و او باید بنا به دستور خالق خود از آن بهره‌برداری کند و در همین راستا پس از ازدواج تنها در اختیار شوهر قرار دهد. این پوشش هدفمند که براساس عفت استوار است، هر مردی با هر روحیه‌ای را مجذوب خود می‌سازد زیرا مردان بنا بر غیرت مردانه خویش از «خصوصی» بودن همسر خود احساس شادی و شمع می‌کنند و به همسر خصوصی خویش از صمیم قلب اظهار عشق و علاقه می‌کنند اما از آن سوزنی که همیشه در ویتترین نگاه مردان باشد و چونان کالایی همیشه در دسترس گردد، دیر یا زود خود را از چشم و دل شوهر انداخته و با خروج از قلعه مقدّس «نجابت» به دوری از پاکی سقوط میکند زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمود: «هر زنی که خود را برای غیر شوهر، خویش را خوشبو کند و آرایش نماید، خدا، ند نماز او را قبول نمی‌کند تا اینکه برای پاک ساختن از آن غسل نماید، چنانکه خود را از جنابت غسل می‌

دهد. «۱ پس از سقوط از نجابت، بلای دیگری دامنگیر او می شود و آن «خروج از معنویت و نورانیت» است و در پی آن تبدیل شدن به «موجودی مصرفی تنها برای خوردن و نوشیدن و پوشیدن»!! «واژگونی شخصیت، بلای بزرگتری است که رهاورد بی‌حجابی است و آن نگاه وارونه به ازدواج است زیرا این پیوند مقدس که سنت رسولان و پیامبران است سدّی برای تنوع لذات و شهوات دانسته می شود! آنان که با عبور از هیجانانگیزی جوانی پای به عرصه میانسالی یا کهنسالی گذارده اند، عفت و متانت یا حجاب و حیای ایام گذشته را باعث شادمانی امروز زندگی خود می دانند، زیرا در میانسالی و فرتوتی که چین و چروک گذر عمر تمامی صورت را فرا میگیرد و دیدن چهره در آینه- به ویژه برای بانوان- باعث افسردگی می شود، طراوات پاکدامنی و نشاط دین باوری باعث زنده دلی می شود و آدمی با احساس سربلندی در بندگی به استقبال فردای خویش می رود. ۱. ر. ک: ثواب الاعمال، ص- ۵۱۰-۵۱۲.

ملاک های اصلی برای پوشش چیست؟

اصول یا ارکان حجاب اسلامی که همانند کلیدی کارگشا باعث فهم درست مصداق های مختلف می شود، عبارتست از: ۱. لباس پوشاننده حد واجب شرعی باشد یعنی همه بدن بجز صورت و دست ها تا مچ را پوشاند که در اصطلاح فقهی وجه و کفین گویند. ۲. لباس فتنه انگیز و تحریک کننده شهوت نباشد، به گونه ای که در ظاهر پوشاننده است ولی نوع پوشش به گونه ای است که باعث هیجانانگیزی و تحریکات شهوی می شود. امروزه تحقیقات میدانی و آمارهای تجربی در ایران گویای این واقعیت تلخ است که «اکثر تجاوزهای جنسی ۱» به خاطر پوشش تحریک آمیز دختران و زنان است، چنانکه در کشور ژاپن نیز همین قاعده حکمفرماست و بر این اساس در برخی از فروشگاه های انگلستان فروش لباس های محرک حملات جنسی، ممنوع گردیده است ۲۰ از آن سو، کمترین میزان تعرض های جنسی در کشور عربستان است زیرا زنان «حجاب فوق کامل» دارند. ۳. لباس هویت انسانی و اسلامی فرد مسلمان را خدشه دار نسازد و او را در پوشش و آرایش همانند کافران نسازد که این رخداد تلخ با عزت و عظمت مسلمانی سازگار نیست. (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ ۱. www.nation. ۲. news.bbc.co.uk ۳. www.isna.ir ۴. mastrr.com و لِلْمُؤْمِنِينَ... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً ۲... وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فإِنَّهُمْ مِنْهُمْ ۳! ۴. لباس شهرت یعنی باعث انگشت نما شدن، نباشد. زیرا ارزش مسلمان بهتر از «نوع پوشش» به «شیوه اندیشه» اوست و هر آنچه باعث اظهار عقده های حقارت و کم بینی شد ۳ او را در جامعه بر سر زبان ها یا انگشتان یا یکدیگر نشان دهند، ممنوع است. از این رو «خاص بودن» «متفاوت بودن» گاه هزینه ای چون مرزشکافی و ساختارشکنی دارد و باعث خرد شدن شخصیت در جامعه می شود. ۱. منافقین/ ۸۱-۲. نساء/ ۱۴۱. ۳. مائده/ ۵۱.

علت وجوب حجاب چیست؟

اشاره

سخن از «چرایی حجاب»، پرسشی رایج در همه عصرها و بین تمامی نسل ها بوده که برخی علت قرآنی و روایی، بعضی فلسفه فردی و اجتماعی، گروهی چرایی روانی و اخلاقی آن را جستجو می کنند. مجموعه عللی که برای وجود یا وجوب حجاب بیان شده عبارتست از:

۱. پاکي روح-با آرامش وجود

«آرامش و امنیت» وجود، نعمت بی همتایی است که باعث لذت بردن از تمامی داشته‌ها می‌شود و در کنار آن «آسایش مادی» معنا و مفهوم می‌یابد. قرآن، «تزکیه» یا «پاکسازی» افراد را فلسفه بعثت انبیاء الهی بیان می‌کند (يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ء آيَةً وَيَذِڪُّهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ) ۱ و آغاز پاکسازی را که همان آرامش وجود است، نخست برای صاحبان تزکیه می‌داند (وَ مَنْ تَزَكَّى فَآنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ) برترین پاکی و تابناکی، «حجاب» یا «پوشش هدفمند و آرمانی» است که لقب «یاکیزه‌ترین» نصیب خود کرده است (ذَلِكْ أَزْكَى لَهُمْ) و با وجود آن «تحریک‌ها» بر طرف و «منع» تعدی و تعرض ایجاد می‌شود. گرچه پوشش اسلامی در ظاهر با سختی و تکلیف همراه است ولی در باطن نوعی امنیت خاطر یا مانع با خود دارد که بدور از نیازبه نیر وهای امنیتی و قضایی، خود بیانگر حدود و حریم شخصیتی است. بدون تردید، «تن آرای و چهره‌نمایی»، باعث تحریکات درونی و در نتیجه هیجانات بیرونی می‌شود و نخست فضای نا امنی برای شخص بی حجاب فراهم می‌سازد، گرچه در آغاز لذت آنی با خود دارد اما در پس این لبخند شیرین و آتشین، نیش زهر آگین در روح و روان ما فرو می‌برد و هلاکمان می‌کند. آلمان (Alma) و لیلی (Lili) هر دو دختر وکیل «لوی» ی که یک ۱. جمعه ۲/ فاطر ۱۸/ ۳۰ نور ۳۰/ یهودی است، اسلام آورده‌اند و به دلیل حفظ حجاب خود، از مدرسه اخراج شده‌اند. این دو خواهر که بر حفظ حجاب خود اصرار دارند می‌گویند به هیچ قیمتی حاضر نیستند دست از حجابشان بردارند. پدر این دو می‌گوید: «من به دین دخترانم احترام می‌گذارم، از آنها حمایت می‌کنم و در دادگاه از آنان دفاع خواهم کرد.» لوی می‌گوید: «حجاب یکی از دستورات قرآن است که ارزش اخلاقی زن در جامعه را تعیین می‌نماید. حجاب نشانگر پاکیزه بودن، رستگاری و آلوده نبودن زن است.» خانم «ایوان ردلی» نویسنده و خبرنگار معروف انگلیسی که اسلام آورده و با حجاب شده است، می‌گوید: «حجاب در زندگی من و حفظ امنیت من نقش بسیار بزرگی را ایفا نمود، من با پناه آوردن به حجاب، خود را در امنیت احساس می‌کنم.» ۱۱. www.abna.

۲. افزایش ارزش زن و جبران ضعف جسمانی او

حجاب و ریشه‌های آن یعنی عفاف و حیا در نقش عاطفی و تأثیرگذاری زن بر مرد موثر است و سبب تقویت تخیل و عشق در مرد می‌شود و حریم نگه داشتن یکی از وسایل مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است. حجاب موجب می‌شود که زنان تنها از نگاه جنسیتی و زیبایی جسمی نگرسته نشوند و این مسأله موجب احیاء حیثیت و حرمت زن و توجه بیشتر به شایستگی اخلاقی و روحی و استعدادهای دیگر در وجود زنان می‌شود. راز وجود حجاب، «محدودیت» برای زنان نیست. بلکه «محدودیت» برای متعرضان است. اسلام زن را «انسان» و گوهری گرانبها می‌داند که نباید استفاده شهوانی و تجاری و یا ابزاری از او شود و افراد هرزه در صدد کامجویی‌های آزاد و بی حد و حصر از آنان بر نیایند و این ارزش والا یعنی مصونیت و معصومیت. حجاب زنان حتی به مردان کمک می‌کند به طور ناخواسته و خارج از چارچوب‌ها، عواطف و احساسات خود را هزینه نکنند و پیش از آن به زنان یاری می‌نماید به طور ناخواسته و بیرون از معیارهای عفاف و پاکدامنی وسیله لذت‌انگاری قرار نگیرند و چونان عروسک زیبا و دلربا در معرض لذت بردن هوسبازان قرار نگیرند. با نگاهی به حوادث روزمره به خوبی در می‌یابیم یکی از عوامل ربودن‌ها و آزار جنسی زنان و دختران، نبود وقار یا سقوط شخصیت ظاهری بانوان و یا در دسترس بودن آنان است. یکی از زنان نویسنده آمریکایی در کتاب خود به نام Regress (ارتجاع) می‌گوید: «من به عنوان یک فمینیست اعلام می‌کنم که جامعه آمریکا در پی این گونه چیزهاست از ارزش پایین برخوردار است طلا برای زن ارزش آفرین نیست بی‌اعتنایی به طلا ارزش آفرین نیست مد برای زن ارزش آفرین نیست بی‌اعتنایی نسبت به مدهای دام گونه ساخته و پرداخته دشمنان برای زن ارزش است.» ۱۱ ر. ک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۲۶۱.

۳. تحکیم روابط خانوادگی و حفظ بنیان زندگی

«حجاب» نموداری است نمایان برای اختصاص دادن لذت‌های جنسی در محیط خانواده و چارچوب مشروع آن و بی‌حجابی، تن‌نمایی و جلوه‌گری مساوی است با محدودیت در ازدواج و پایان آزادی از آنجا که آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک رقیب، مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. در جامعه‌ای که برهنگی حاکم است به جای قناعت به داشته‌ها، پیشروی در مقایسه‌ها حاکم است، مقایسه در چشم و ابرو، طرزگفتگو و... و این دیو ویرانگر، ریشه خانواده را خشک سپس با آتش شهوت می‌سوزاند و نابود می‌کند و در جامعه‌ای اینچنین بنیان زندگی همیشه لرزان و ریزان است. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، بیداست که اندک‌اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی درخشان می‌گذارد. در چنین حالی که سخت‌محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد؛ و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است، و همه خواهران جوان می‌دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و می‌دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی‌طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند. ۱ خانم «رجتر اختر» سمیناری را به نام «اندیشه پیرامون حجاب اسلامی» در لندن برگزار نمود. وی می‌گوید: «من این سمینار را تشکیل دادم تا از خانم‌های محجبه و موضوع حجاب دفاع کنم تا حجاب در کشورم آزاد باشد.» وی می‌افزاید: «حجاب به نفع ما و کشور ماست. باید چنین سمینارهایی را در شهرهای مختلف کشور تشکیل داد تا حجاب را به همه معرفی نموده و آن را تبیین کرد تا همه بدانند حجاب نه تنها ضرری ندارد بلکه به نفع مردم، جامعه، کشور است.» ۱۱ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۹ و ۷۰. نویسنده کتاب Regress یا ارتجاع درباره تأثیر حجاب در خانواده می‌نویسد: «با وارد شدن حجاب به عرصه زندگی، معیارهایی مثل مادر بودن، احترام و حتی مفهوم خانواده و عفاف را درک کردیم ۱.»

۴. رشد شخصیت، ظهور خلاقیت

«سادگی و صلابت»، «پاکی و نجابت»، انرژی‌های نهفته درونی را در مسیری سالم هدایت می‌کند و فرصت رشد شخصیت را فراهم می‌سازد. آنان که هر شب و روز در پی پیکر تراشی و پیکر آرایی اند، فرصتی برای عبور از صورت و ورود به سیرت نمی‌یابند تا تمرکز فکر و ثبات شخصیت پیدا کنند. لباس‌های متعدد، رنگ‌های متنوع و مدهای متفاوت برای آراستن شخصیتی ساختگی و بادکنکی که تاریخ مصرف آن ساعاتی بیش نیست، هرگز مجال دریافت نیازهای حقیقی برای امروز و فردا و فرادهای زندگی را نمی‌دهد، گرچه در پشت چنین پوشش و آرایشی نوعی عقده حقارت و بیماری روحی است که هر چه زمان می‌گذرد بد و بدتر می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «کفی بالمرء خزیاً ان یلبس ثوباً یشهره ۲»؛ برای حقارت و خواری آدمی همین بس که لباسی به تن کند که او را مشهور نماید. (و بر چشم‌ها و زبان‌ها نمایان سازد). ۲۰۱ www.abna.ir. مکارم الاخلاق، ص ۱۱۶ به راستی کسی که در حوزه «زن بودن» افتاده و از «جنسیت» خویش خارج نمی‌شود، امکان رشد و شکوفایی و تفکر در نیازهای عالی و متعالی می‌یابد یا کسی که حس هویت یابی یافته و از خود کم‌بینی یا عقده حقارت‌ها رهاست؟ پوشش اسلامی این فرصت زرین را به انسان می‌دهد که از خواسته‌های نامحدود جسمانی بکاهد به پرورش روح و روان خود بیفزاید، به خود فکر کند، برای آینده برنامه‌ریزی نماید، به شکوفایی استعدادها و خویش پردازد و به موهبتی معنوی یعنی «رشد شخصیتی» و «شادی و سرور درونی و همیشگی» دست یابد. یکی از دانشجویان باحجاب درباره رواج فرهنگ مدگرایی و خودآرایی در خاطرات قبل از انقلاب

خود گفته است: «یادم می‌آید آن وقت‌ها که حجاب نداشتم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه، کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی‌شدم فردا بپوشم! احساس می‌کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بپوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها، واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم‌ها سلب کرده بود.»^۱ خانم دکتر سیما فردوسی عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی دانشکده شهید بهشتی ارتباط بی‌حجابی با نبود اعتماد به نفس یا ۰۱ آیین بهزیستی در اسلام، احمد اردوباری، ح ۳، ص ۲۲۲. احساس حقارت را اینچنین توضیح می‌دهد: «جدیدترین تحقیقات نشان داده زنانی که مایل به نشان دادن خود به مردان غریبه هستند، به توانایی‌های درونی خودشان اعتماد کافی ندارند و از همین رو به سمت استفاده از حاذبه‌های ظاهری روی می‌آورند.» وی به تفکرات تربیتی متفاوت به عنوان آفتی برای پرورش دینی کودکان و نوجوانان اشاره کرد و ادامه می‌دهد: «جامعه ما دارای تفکرات متفاوت و سبک‌های مختلف تربیتی است. بنابراین لازم است در مرحله اول پدران، مادران و معلمان مدارس نسبت به جایگاه، اهمیت حجاب توجه شوند تا در مرحله دوم با آموزش مفاهیم عفاف و حجاب از سنین خردسالی، بتوانیم شاهدهی شکل‌گیری یک جامعه دینی یکپارچه باشیم، نفاق‌ها، دوگانگی‌ها شخصیتی موجود که بر اثر تربیت‌های چندگانه است، بر طرف شود. رعایت مسأله عفاف، حجاب در بهداشت روان افراد بسیار تاثیرگذار است به طوری که اضطراب، نگرانی را کم کرده، و موجب بالا رفتن اعتماد به نفس اشخاص می‌گردد.»^۱ همان ص ۲۲۳.

۵. نشاط جسمی و نشاط جنسی

انقلاب صنعتی در غرب و تماس‌های دو جنس در سطوح مختلف کاری، باعث رواج فرهنگ برهنگی و روابط جنسی غیر معمول گردید و این روابط چنان گسترش یافت که نقاشی‌های برهنه جنسی و تشویق برای برهنگی در همه عرصه‌ها به چشم می‌خورد که نگاه به فیلم تایتانیک! و شکسپیر عاشق، دلیلی بر این مدعاست. ولی این برهنگی به جای بازگشت به خویشتن انسانی باعث دور شدن از خود گردیده و برهنگی طعمه‌ای برای شکار عرصه‌های اقتصادی-بدن‌فروشی و مانکن‌های تبلیغاتی-گردید که به جای کرامت انسانی، رذالت انسانی رخ داد. سرانجام برهنگی در غرب، بی‌رغبتی جنسی را به ارمغان آورد، چراکه برهنگی سبب تحریک اولیه انسان به طرف عمل جنسی در سنین اولیه بلوغ می‌شود ولی در نهایت به سرد مزاجی جنسی تبدیل می‌گردد، زیرا اسراف جنسی در دوران بلوغ، بی‌رغبتی جنسی در سنین بالاتر را به همراه دارد مگر آنکه کالاهای رغبت‌افزای جنسی همانند الکل، قرص‌های نشاط‌آور جنسی عرضه شود که باز در درازمدت کم‌تأثیر و بی‌تأثیر خواهد شد و در پی آن رکود غریزه جنسی و افسردگی بر جسم و جان حکمفرما می‌شود. امروزه پس از توفان‌های شهوت و تندبادهای برهنگی در غرب، در آرامش پس از توفان دریافته‌اند که حجاب «باعث نشاط جسمی و نشاط جنسی» افراد می‌شود. تعادل در دفع غریزه و دوری از افراط در مسائل شهوانی، رهاورد آن است و این نعمت بدان خاطر است که حجاب تخیل جنسی را تحریک می‌کند و باعث می‌شود مسأله جنسی معنادار شود و همانند برهنگی دچار بی‌معنایی نگردد. در یک نگاه دقیق بر خلاف تبلیغات و تصورات نادرست در انزوا و افسردگی یا دوری از نشاط و شادکامی حجاب در زندگی یک فرهنگ جنسی است که سبب گرمی غریزه جنسی در سطح یک جامعه و هدایت ارضای آن در قالب خانواده می‌شود. نتایج جدیدترین مطالعات در غرب نشان می‌دهد پوشش سر و حجاب زنان نه تنها باعث ریزش مو نمی‌شود بلکه به حفظ مو نیز کمک می‌کند. در این تحقیق به زنان در غرب توصیه شده است در طول روز برای حفظ سلامت مویشان آن را بپوشانند. براساس این تحقیق علمی، پوشانیدن سر سبب می‌شود مو از ذرات گرد و غبار و دیگر آلاینده‌های موجود در هوا محفوظ بماند. همچنین پوشانیدن سر به حفظ مو در برابر تغییرات آب و هوایی به ویژه در برابر رطوبت که در ضعیف شدن مو موثر است کمک می‌کند. بر این اساس گذشته از ابعاد دینی حفظ حجاب در بین زنان، حجاب سلامت موها

را نیز تضمین میکند. ۱۱. www.ralanews.ir

آیا حجاب پنهان شدن و پنهان ماندن است؟

«ارائه نکردن تعریف درست حجاب» و «مطرح نشدن الگوی به روز و منطبق با نیازهای امروز زندگی» از یک سو و «نبود تنوع پوشش در زمان های مختلف» باعث گردیده بینش و برداشت شایسته ای نسبت به پوشش اسلامی وجود نداشته باشد و حجاب را همچون غل و زنجیر و زندان نفس گیر معرفی کنند که پنهان شدن و پنهان ماندن یا گوشه نشینی و منزوی شدن ثمره آن است! در حالی که در خانه ماندن و در اجتماع ظاهر نشدن نیازی به حجاب و پوشیده ماندن ندارد. امروزه نگاه نافذ و خردمندانه افراد بازگوکننده این حقیقت دلنشین است که «حجاب» عالی ترین «دلیل و برهان» زن مسلمان برای فراموش نشدن از صحنه های اجتماعی و مشارکت با مردان در عرصه های فرهنگی است و یکی از مترقی ترین قوانین اسلام و رشد آ ورتترین احکام درباره دختران و زنان است. علاوه بر این مهم، حجاب نه به عنوان «تکلیف» تنها، بلکه «حق» بانوان است که باید از این حق استفاده کرده، حجاب را حفظ، توسعه و تحکیم بخشند، چنانکه در صدر اسلام بانوان آزاد که خود کنیزان و غلامات بسیاری داشتند با حجاب، شرافت خانوادگی و اصالت اجتماعی یافته از زیردستان و قشر فرمانبر شناخته می شدند و گویی حجاب، تاج افتخار عزت و عظمت زنان بوده است نه مایه سرافکنندگی و خجالت آنان. این بینش اجتماعی در صدر اسلام موجب شده بود کنیزان از حجاب منع شوند تا هرگز خود را در ردیف زنان آزاد با رتبه والای آنان قرار ندهند و جایگاه «حجاب» و عظمت آن برای همیشه حفظ شود. در مقابل این نگاه، «جاهلیت مدرن» امروزی است که حجاب را «کیسه سیاه»، «فلج کننده نیروی زنان» و «باعث عقب افتادگی آنان» می داند و راه رهایی از اینهمه ستم را «بی حجابی»، «آرایش و تن آرای»، «بی قیدی و دوست یابی» می شمرد! استاد شهید آیت الله مطهری درباره این بینش شیطانی میگوید: «آیا اگر زن، ساده و سنگین به دنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آنکه برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آئینه و میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت تمام سعی اش این باشد که افکار مردان را متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظهر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوسباز و چشم چران و بی اراده تبدیل کند؟ عجبا! به بهانه اینکه حجاب، نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است، با بی حجابی، بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند. کار زن پرداختن به خود آرای، صرف وقت در پای میز توالت برای بیرون رفتن، و کار مرد چشم چرانی و شکارچی گری شده است. آنکه اسلام نمی خواهد این است که زن به صورت موجود مهملی درآید که کارش فقط استهلاک ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع و خراب کردن بنیان خانواده باشد. اسلام با فعالیت واقعی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هرگز مخالف نیست. متون اسلام و تاریخ اسلام گواه این مطلب است. در اوضاع و احوال تجدد مآبی بی منطق حاضر جز در دهات و در میان افراد سخت متدین که اصول اسلامی را رعایت میکنند زنی پیدا نمیکند که نیروی او واقعا صرف فعالیت های مفید اجتماعی یا فرهنگی یا اقتصادی بشود. آری یک نوع فعالیت اقتصادی رایج شده است که باید آن را ثمره بی حجابی دانست و آن این است که بنکدار و) فروشنده (به جای اینکه بکوشد جنس بهتر و مرغوبتر برای مشتریان خود تهیه کند، یک مانکن را به عنوان فروشنده می آورد، نیروی زنانگی و سرمایه عصمت و عفاف او را استخدام میکند و وسیله پول درآوردن و خالی کردن جیب ها قرار می دهد. یک! فروشنده باید کالا را همان طوری که هست به مشتری ارائه دهد ولی یک دختر خوشگل فروشنده با ادا و اطوار و ژست های زنانه و در معرض قرار دادن جاذبه جنسی خود مشتری را جلب میکند. بسیاری از افراد که اصلا مشتری نیستند برای اینکه چند دقیقه با او حرف بزنند یک چیزی هم می خرند. آیا این فعالیت اجتماعی است؟ آیا این تجارت است یا کلاهبرداری و رذالت؟ میگویند زن را توی کیسه سیاه نیچید. ما نمیگوییم زن خود را در کیسه سیاه بیچید ولی آیا باید طوری لباس بپوشد و در اجتماع عمومی ظاهر شود که برجستگی پستان هایش را هم به مردان شهوتران و چشم چران نشان بدهد و از آن طور که هست بهتر

و جاذبتر برای آنها جلوه دهد؟ از وسائل مصنوعی در زیر لباس استفاده کند تا چاقی و زیبایی مصنوعی را هم برای فریفتن و دل ربودن مردان بیگانه به مدد بگیرد؟ این مدها و لباس های تحریک آمیز برای چه به وجود آمده است؟ آیا برای این است که بانوان آن لباس ها را برای همسرانشان بپوشند؟! این کفشهای پاشنه بلند برای چیست؟ جز برای این است که حرکات ماهیچه های کفل را به دیگران نشان دهد؟ آیا لباس هایی که نازک کاری ها و برجستگی های بدن را نشان می دهد جز برای تهییج مردان و برای صیادی است؟ عمل غالب خانم هایی که از این نوع کفش ها و لباس ها و آرایش ها استفاده میکنند تنها مردی را که در نظر نمیگیرند شوهران خوشان است. زن می تواند در میان زنان و در میان محارم خود از هر نوع لباس و آرایشی استفاده کند اما متأسفانه تقلید از زنان غربی برای هدف و منظور دیگری است. غریزه خود آرایشی و شکارچیگری در زن غریزه عجیبی است. وای اگر مردان هم به آن دامن بزنند و مدسازان و طراحان نواقص کار آنان را برطرف کنند و مصلحین اجتماع! هم تشویق کنند. اگر دختران در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند، با چادر یا با پالتو و روسری کامل به مدرسه و دانشگاه بروند، آیا در چنین شرایطی بهتر درس می خوانند یا با وضعی که مشاهده میکنیم؟ اصولاً اگر التذاذهای جنسی و منظوره های شهوانی در کار نیست چه اصراری است که بیرون رفتن زن به این شکل باشد؟ چرا اصرار می ورزند که دبیرستان های مختلط به وجود آورند؟ من شنیده ام در پاکستان معمول بوده است- نمی دانم الان هم معمول هست یا نه- که در کلاس های دانشگاه بخش پسران و دختران به وسیله پرده ای از یکدیگر جدا باشد فقط استادی که پشت تریبون قرار میگیرد مشرف بر هر دو باشد. آیا بدین طریق درس خواندن چه اشکالی دارد؟ ۱» ۱. مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۱۹ (موصو حجاب)

چرا دختران و زنان باید حجاب داشته باشند و پسران نباید موهای سر خود را بیوشانند؟

توجه به سه نکته پیش از پاسخ ضروری است: ۱. انسان براساس فرهنگ اسلام موجودی است که برای کمال و معنویت آفریده شده است و راه تکامل، تنظیم و تعدیل غرایز بویژه غریزه جنسی و شکوفایی استعدادهای اوست. ۲. پوشش عامل مهمی برای پاکی و پاکدامنی است که علاوه بر خود کنترلی یا نیروی عفاف، برای انسان لازم و ضروری است. ۳. توجه به ساختار فیزیولوژی انسان، پاسخی قانع کننده درباره حجاب بانوان است، زیرا تفاوت های جسمی و روحی زن و مرد باعث تفاوت نوع پوشش آنان می شود. در تحقیقات علمی در مورد فیزیولوژی و نیز روان شناسی زن و مرد ثابت شده است که مردان نسبت به محرک های چشمی شهوت انگیز حساس ترند و چون تأثیر حس بینایی زیادتر است و چشم از فاصله دور و میدان وسیع قادر به دیدن است، از سوی دیگر ترشح هورمون ها در مرد صورتی یکنواخت و پیوسته دارد، مردان به صوتی گسترده تحت تأثیر محرک های شهوانی قرار میگیرند اما زنان نسبت به حس لمس و درد حساس ترند و به محرک های حسی پاسخ می دهند. حس لامسه بروز زیادی ندارد و فعالیتش محدود به تماس نزدیک است. از این گذشته چون هورمون های جنسی زن به صورت دوره ای ترشح می شوند و به طور متفاوت عمل می کنند، تأثیر محرک های شهوانی بر زن صورتی بسیار محدود دارد و نسبت به مردان بسیار کمتر است. استاد مطهری در زمینه وجوب پوشش زنان می فرماید: «اما علت این که در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خودنمای و و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب ها و دل ها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی، میل زن به خودآرایی از حس شکارچی گری او ناشی می شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس های بدن نما و آرایش های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می خواهد دلبری کند و مرد را دل باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین انحراف و تبرج و برهنگی، از انحراف های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است». ۱ به عبارت دیگر: جاذبه و کشش جنسی و زیبایی خاص زنانه و تحریک پذیری جنس مردانه، یکی از علت های این حکم است، بنابراین جذابیت مو و دیگر اندام ها در مورد زن و

مرد یکسان نیست و همین طور تحریک پذیری زنان و مردان به یک صورت نیست و این مسئله از نظر علمی نیز کاملاً پذیرفته شده است. البته این بدان معنا نیست که مردان با هر وضعیتی و با هر نوع پوششی می توانند در جامعه ظاهر شوند، بلکه برای آنان نیز محدودیت در نظر گرفته شده، اما همان گونه که بیان شد در حد پوشش زنان نیست. ۱۲. مجموعه آثار آیت الله مطهری، ج ۱۹، ص ۴۳۷. www.pasokhgoo.ir

آیا حجاب و پوشش یک «حق شخصی» است که زن یا شوهر و پدر بتوانند از این حق صرف نظر کنند؟ یا «حق اجتماعی» است که با انصراف جامعه هر زنی بتواند بی حجاب دیده شود؟ و یا آنکه «حق الهی» است؟

پرسش یا شبهه ای که از سوی برخی به عنوان راه برون رفت از تکلیف حجاب مطرح می شود، بحث حق شخصی بودن یا حق اجتماعی بودن پوشش اسلامی است. هرگاه حجاب «حق فردی زن» مثل نماز بود، باید از این حق دفاع کرد و از وارد شدن هرگونه خدشه ای جلوگیری نمود. زن با این حق، حریم خود را حفظ می کند و دیگران نیز موظف به رعایت این حریم و دوری از هرگونه تجاوزی خواهند بود. اما از سوی دیگر زن می تواند از حق خود صرف نظر کند و بی حجاب و حتی عریان در جامعه ظاهر شود. اگر حجاب «حق اجتماعی» بود، زن، همسر و خانواده او موظف به رعایت حقوق اجتماع اند و از بین بردن این حق جرم و گناه محسوب می شود، زیرا سلامت جامعه بسته به حفظ حدود و حریم آن است و زن و خانواده او باید حافظ سلامت جامعه باشند، همانگونه که جامعه حق رشد و کمال بر افراد دارد. حال اگر جامعه ای چنان سقوط کرده که همه یا اکثریت آن، رهایی و راحتی زنان در کامجویی آنان را بر حقوق خود برتر دانستند، می توانند از حق اجتماعی خویش صرف نظر کنند و زنان را در برهنه بودن آزاد بگذارند. با نگاهی به معارف الهی درمی یابیم که حجاب نه تنها تکلیف یا حق شخصی نیست، بلکه یک مسأله عاطفی- روانی و خانوادگی- اجتماعی است که ریشه در فطرت انسان ها دارد و خداوند از روز نخست به طور غریزی در وجود انسان ها قرار داد و بالاتر و برتر از حق شخصی و اجتماعی، حجاب «حق الله» است که زن و خانواده، افراد و جامعه باید امانتدار این حق باشند و این امانت چیزی جز «بندگی خداوند حکیم» نیست که باعث «بالندگی و تابندگی» انسان می شود: (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ) بدین سان در می یابیم هیچ فرد یا جامعه ای حق تعطیل کردن «حق الله» یا دخالت در این امر الهی را ندارند و در صورت رضایت زن یا شوهر یا رأی اکثریت به بی حجابی باز هم باید این حق حفظ شود و زنان به خاطر «مخلوق بودن» و «ولایت الهی» و «حق الله»، باید ۱. احزاب/۷۲ پیراسته از پلیدی های برهنگی با حجاب و پوشش در جامعه ظاهر شوند. فلسفه بعثت انبیاء که (يُرَكِّبُهُمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) است و پوشاندن چشمان و حفظ شهوت در مردان که (أَزْكِي لَهُمْ) است و پاکی و طهارت قلب در هنگام رویارویی مردان با زنانی که با حجاب اند، (ذَلِكُمْ أَطَهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبَهُنَّ) ۳ همه و همه نشانگر این مهم است که ما حق هیچ دخالتی در حق الله نداریم و خداوند حکیم «پاکی و پاکیزگی روح و روان»، «تقوا و تقرب بندگان» را در حجاب دانسته است که باید اطاعت نماییم. پایان بخش سخن در این فراز، سخن مفسر فرزانه حضرت آیت الله جوادی آملی است که فرمود: «حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد، نه مال شوهر، نه و یژه برادر، فرزندانش می باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد شد، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از اینکه قرآن می گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود عصمت زن حق الله است ۲. « ۱. آل عمران/۲. نور/۳۰ ۱۶۴ ۳. احزاب/۵۳ ۴. ر. ک: زن در آینه جمال و جلال، حضرت آیت الله جوادی آملی.

ریشه حجاب که «عفاف» نام داود و با وجود آن علاقه قلبی و عقلی به پوشش پدید می آید، چیست؟، راه های دستیابی به «گوهر عفاف» چیست؟

بسیاری از پدران و مادران مذهبی یا مسولان دلسوز امور فرهنگی که آثار حجاب را دیده و برکات آن را لمس کرده‌اند، به دنبال پایه‌گذاری ریشه پوشش در عمق وجود نوجوانان و جوانان هستند تا در توفان‌های شبهات یا پدید آمدن امواج احساسات، حجاب عزیزانشان کم‌رنگ یا بی‌رنگ نشود و این وظیفه و فریضه الهی همیشه مقدس شمرده شود. با نگاهی نورانی به معارف و حیاتی در می‌یابیم، ریشه حجاب که با عث «پارسایی» و «پاکدامنی» است یا «نرم‌افزار حجاب» و «اندیشه پوشش در همه حالات» است، «عفاف» نام دارد، یعنی پوشش آگاهانه و آزادانه بدور از فشار یا اجبار خانواده که مانع تسلط شهوات و احساسات در همه حالات می‌شود. لغت‌شناسان عفاف را از «عَفَّ» یعنی بسنده کردن به چیز اندک و ته‌مانده شیر در سینه مادر دانسته‌اند و گل‌پوشیده در برگ‌های خود را «مُعَفَّفٌ» نامیده‌اند، کنایه از اینکه در اثر عفاف، زیاده‌خواهی‌های شهوات یا آفات و آسیب‌های منفی اخلاقی از انسان دور شده، نوعی تعادل و آرامش پدید می‌آید. به دیگر سخن، عفاف یعنی شناخت روشن خویشتن و توجه همه‌جانبه به «حیف بودن» در اسیر شدن در امور حقیر مادی یا رکود و سکون در جاه و حیفه دنیا و زر و زیور زندگی. صاحبان عفاف با مدیریت احساس خود به عقلانیت و نورانیت والایی دست می‌یابند و خود را آراسته به سه ضلع شخصیتی انسان کامل یعنی حکمت (اعتدال در فکر و اندیشه)، شهامت (اعتدال در دفع ضرر) و عفت (اعتدال در شهوت و جذب منفعت) می‌نمایند تا «عدالت» را در جسم و جان خود حاکم کنند و به قله مقدس بندگی پروردگار مهربان دست یابند. بهترین هدیه‌ای که پدر و مادر یا معلم و مربی خدا باور به عزیزان خود می‌دهند، آینه‌ای از شناخت و معرفت نسبت به ارزش خویشتن است. بدون کمترین تردیدی، هرگاه نوجوان و جوان ما «خودبایی و خداخواهی» را در مخملی از کلام شیرین و رفتار دلنشین بدست آورد، خود مسیری سراسر سعادت می‌یابد و با تمام توان به پیمودن آن و پشت سر گذاشتن مشکلات همت می‌گمارد، زیرا اندیشه پاک، انگیزه پاک می‌آفریند و طراوت و طهارت به انسان می‌بخشد. آری: می‌توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر بوی پیراهن اگر قافله سالار شود پرسشی که پس از آشنایی با عفاف و چگونگی آن بوجود می‌آید، «شیوه‌های دستیابی به ریشه حجاب» است تا نخست والدین و مسولان خود را بدان آراسته کنند، سپس شاهد شناخت عفاف را در کام وجود مخاطبان سرازیر سازند و آنان را بدون باید و نباید یا امر و نهی مشتاق پوشش نمایند. گام‌های دستیابی به عفاف و پارسایی درونی به عنوان بنیان حجاب یا پوشش بیرونی عبارتست از:

۱. مطالعه یا تحقیق درباره ارزش و عظمت انسان. ۲. نشست و برخاست با صاحبان عفاف و پاکدامنان و بهره‌مندی از منش آنان.
۳. حضور در محافل گفتگو درباره حیا، عفاف و حجاب یا خواندن و شنیدن آثاری در ارتباط با این موضوعات. ۴. تقویت روحیه عفاف با استقبال از عبادات یا تقویت روح طاعات. ۵. هماهنگ‌سازی بین امور کوششی (مثل مطالعه و گفتگو) با امور جوششی (همانند دعا و درخواست از خداوند متعال). ۶. افزایش خردمندی و عقلگرایی در زندگی، زیرا بنیان هر دو بازدارندگی است همراه با اختیار و آزادگی. ۷. آشنایی نسبت به حیا یا زیبایی بی‌پایان یا اساس پاکدامنی و عفاف. ۸. آشنایی با سیره و سخن عقیفان و با خبر شدن از زندگی آنان. گفتنی است که گستره عفاف، فراتر از امور جسمی یا جنسی شامل امور مالی و اقتصادی می‌شود، «الحرفه مح العفة خیر من الغنی مع الفجور ۱» شغل همراه با عفاف برتر از ثروتمندی، غنا با فجور، معاصی است. در امور اجتماعی تأثیرگذار است: «عفاف، آرایش بلاها، سختی هاست، میوه آن حیاست، محافظت، قناعت و رضایت است ۲» در امور اخلاقی خود را نمایان می‌سازد: «زکاتِ زیبایی، عفاف و پارسایی است و این صفت، سرآمد خیرها و خوبی‌های اخلاقی است. با عفاف اعمال پاک می‌شود (از این رو) هرگز انسان عقیف، تن به زنا نمی‌دهد ۳» و بنیان تربیت خانوادگی محسوب می‌شود: «طوبی لمن کانت امه عقیفه ۴»؛ خوشا به حال کسی که مادرش عقیف، پاکدامن است. ۱. (امام علی علیه السلام): تحف العقول، ص ۲۷۹. همان. ۳. (امام علی علیه السلام): غررالحکم، ص ۲۵۶. ۴. (امام صادق علیه السلام): الحدیث، ج ۲، ص ۱۱۷. اما ارزش عفاف در کنترل شکم و شهوت به گونه‌ای است که برترین پرسش خداوند در بین عبادات لقب یافته است (ما عبد الله بشيء افضل من عبادة البطن و الفرج) ۱ که

این بینش عصمت آمیز نشانه ارزش بسیار و در عین حال عمل دشوار در این عرصه است، گرچه برکات بسیار آن نیز دانستنی است زیرا عفت شکم انسان را از ربا و رشوه یا رزق ناپاک حفظ میکند و عفت شهوت او را از نگاه و دوستی، ارتباط و اختلاط با نامحرمان دور می سازد، و چه افتخاری برتر از پاکی و پاکدامنی در تمامی عمر بویژه دوران جوانی است که بهار بندگی است. ۱. (امام باقر علیه السلام): الکافی، ج ۲، ص ۷۹

رهاورد عفاف در زندگی انسان چیست؟

رهاورد عفاف یعنی طهارت فکرو طهارت فعل، فرازی فروزان برای ایجاد انگیزه در راه دستیابی به پارسایی درونی است که این برکات در امور مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و ظاهری و باطنی ما و نسل مان تأثیر گذارست: الف) کفایت و بسنده کردن به امور حلال. ب) خویشن داری هنگام رو به رو شدن با گناه. ج) مراقبت و مواظبت از کارها در تمامی حالات. د) صبر و شکیبایی بر فشار شهوات و مرتکب نشدن گناهان. ه) یاری دین و دین باوران در راه خدا. و) رسیدن به مرحله یقین و رضایت به روزی خدا. ز) راحت شدن از گرفتاری ها و مصون ماندن از آبروریزی در مسیر گناه. ح) تسلیم شدن نسبت به اوامر خدا، رسول او و امامان علیه السلام. ۱. پایان سخن درباره عفاف، نکته های کلیدی و کاربردی است که اعلل الشرایع: ترجمه مسترحمی، ص - ۲۴۵. بسان جرقه ای دل و دیده را روشن می سازد تا در مسیر پرورش خود و مخاطبان نیرویی نورانی بگیریم و لحظه ای از پا ننشینیم! عفاف محصول حیاست اما مثل حیاء ذاتی یا صفت ثابت و استواری نیست، بلکه اکتسابی است و با توجه به عوامل هشتگانه قابل افزایش است و ملکه نیست بلکه حال است که با توجه به حجاب یا حیای درونی افزایش و کاهش می یابد. در اینجا نقش پدران و مادران و مربیان و مبلغان نمایان می شود که با تدبیر و تلاش سعی در ایجاد، ترمیم و تکمیل عفاف نمایند و راه های کمرنگ سازی پاکدامنی را مسدود سازند. عفاف بدون پوشش ظاهری یا حجاب مفهوم و معنا ندارد، زیرا یکی بازدارنده باطنی و دیگری مکمل آن یعنی بازدارنده ظاهری است، هر چه عفاف درونی بیشتر باشد، پوشش ظاهری افزایش می یابد، از آن سو، هر چه عفاف فراوان تر شود، «متانت» چشمگیرتر می شود، چنانکه دختر شعیب بامتانت و حیاء گام برمی داشت. ۱ عفاف بر همه بخش های جامعه اثر گذارست و تنها زنان را در بر نمیگیرد، بلکه مردان را موظف به رعایت مرزهای اخلاقی می سازد که یکی از نشانه های آن «وقار و آراستگی مطلوب» یا «سنجیدگی در گفتار و رفتار» است. امام علی علیه السلام فرمود: «اصل عقل عفت» است و ثمره اش خودداری از گناه، ریشه عفت «قناعت» است و محصولش کم شدن ۱. قصص / ۲۵. اندوه در زندگی. ۱. «سیاهی عصیان و سرکشی، افزون بر آثار قانونی و شرعی، آثاری وضعی به دنبال دارد که گاه پس لرزه های آن گریبان نسل و ناموس آدمی را میگیرد، از این رو فرموده اند: زنا و عمل منافی با عفت با خیر و سعادت، در هیچ خانه ای جمع نمی شود. درباره زنان مردم عفت نشان دهید تا مردم درباره زنان شما عفت را رعایت کنند. خداوند به موسی وحی فرمود: ای موسی! کسی که زنا کند با زن او زنا شود، گرچه در فرزندان بعدی او باشد. ای موسی! با عفت باش تا اهل تو نیز عقیف باشند. ای موسی! اگر می خواهی خیر و سعادت در اهل تو فراوان شود، از زنا بپرهیز. ای موسی! همان طور که با مردم رفتار میکنی، با تو رفتار خواهند کرد ۲۰ «حفظ عفت و پاکدامنی» موضوعی زنده برای هر روز ماست که صادق آل محمد صلی الله علیه و اله شیوه آن را چنین فرمود: «دارایی، عفت، پاکدامنی خود را با تلاوت سوره نور نگه ۱. بحار الانوار، ج ۱۷ «مترجم» ص ۲۸. کتاب الخصال، ج ۱، ص ۹۱: طرائف الحکم، ج ۱، ص ۹۸. دارید و زنان خود را با ان حفظ نمایید. به درستی که هر کس بر تلاوت سوره نور در هر روز، هر شب مداومت کند، هرگز کسی از خانواده اثر بی عفتی ننماید تا زمانی که مرگش فرا رسد، در این حال هفتاد هزار فرشته او را تا قبرش تشییع کنند و همگی بر او دعا نمایند، از خدا برایش امرزش خواهند تا آنگاه که در قبرش قرار گیرد. ۱» - نمونه های نورانی «عفاف و پاکدامنی» و آگاهی از حسنات اسوه هایی اینچنین، باعث خیزش عزم و اراده ما و فرزندانمان در دستیابی به عفاف و پارسایی می شود: خداوند درباره حضرت مریم

علیهاالسلام فرمود: مریم دختر عمران عفت خود را حفظ کرد، خداوند هم بهشت را به او عطا فرمود و عیسی را که مثل ماه شب چهارده بود به دنیا آورد. ۲. بعد از مریم حضرت فاطمه علیهاالسلام عفت خویش را حفظ کرد و سبط پیامبر را که هدایتگر امت هستند، به دنیا آورد. -! حضرت صادق علیهاالسلام به شبعیان و همه پیروان خویش بشارت یاداش زندگی عقیفانه را اینگونه بیان فرمود: «... بر شما باد به عفت، پارسایی که عقیفان، پاکدامنان با ما در رفیق اعلاى الهی همنشین خواهند بود ۳.» ۱. ثواب الاعمال، ص - ۲۴۹. ۲. زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام ص ۳۰۰. ۳. بحار الانوار، ج ۶ ص ص - ۳۷۵.

«آفات عفاف» یا راه های تضعیف پارسایی و نجابت چیست؟

اشاره

«آفات عفاف» یا «روزنه های ورود شیطان به پارسایی و پاکدامنی انسان» موضوعی جدی و گاه هشدار بخش برای ماست که خود و دیگران را به مراقبت دعوت کنیم و از گام های رو به جلوی شیطان جلوگیری نماییم. این روزنه های ورود عبارتست از:

۱. نگاه حرام

چشم دیده بان عقل و خبر رسان دل است و نگاه حرام نامه رسان دعوت به سوی گناه. ۱ نگاه های پی در پی و آلوده، پیامک های شیطان برای از بین بردن ایمان آدمی و ریشه تضعیف عفاف و پاکدامنی است.

۲. موسیقی های حرام با شنیدن غنا

موسیقی های شهوت انگیز «افسون زنا» ۲ و پهن کننده بستر گناه است، شخصیت انسان را در هم می شکند و حیای او را از بین می برد. ۱. الحکم الظاهره، ص ۶۰۳. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۴

۳. فکر گناه

فکر گناه، فعل گناه به همراه دارد و انسان را به ورطه عصیان و نافرمانی میکشاند. ۱ فکر گناه همانند گرد و غبار سیاه در اتاقی زیبا و چشم نوازست که پس از چندی تیرگی آن تمامی زیبایی ها را می پوشاند و حتی ظاهر آدمی را سیاه و تباه می سازد.

۴. بیکاری

اوقات فراغت بسیار، بدور از برنامه های مفید و کارساز، زمینه ساز فساد و دوری از عفاف است و خداوند شخص سالم و بیکاری را که نه در پی کار دنیا و نه در پی کار آخرت است، دشمن می دارد، ۲ زیرا بیکاری ریشه زشتی ها و حرکت به سوی پلیدی های فردی و اجتماعی است.

۵. دوستان ناباب

دوستی علاوه بر انس و همزیستی، باعث نفوذ و تأثیر در امور مادی و معنوی شده، بر عقاید و اخلاق، گفتار و رفتار تأثیر گذار خواهد بود. از این رو فرموده اند: «دین و روش هر کس طبق مذهب و آیین دو ست و همنشین اوست. ۳» ۱ غرر الحکم، ص ۶۶۴. ۲. نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص - ۱۴۶. ۳. وسایل الشیعه، ج ۴ ص ۲۰۷.

۶. نداشتن حدود و حریم با نامحرم

زن و مرد نامحرم در هر مرحله‌ای از عفاف باشند، در خلوت در معرض وسوسه‌های شیطان قرار دارند، به گونه‌ای که وسوسه‌های شیطان محکم‌ترین اراده‌های انسان را سست می‌کنند و ایمان هر فرد قوی را متزلزل می‌سازد. علاوه بر خلوت، سخن گفتن بدون ضرورت و شوخی کردن با نامحرم پرتگاه گناه است به گونه‌ای که هر کلمه شوخی با نامحرم مجازاتی برابر با دو سال حبس در آتش آخرت خواهد داشت. آگاه فراتر از شوخی، اختلاط با نامحرم یا تماس جسمی، گرچه به ظاهر اندک مانند دست دادن، هر چند با فامیل و آشنا، عاقبت انسان را سیاه و تباہ می‌سازد، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست دادن با نامحرم را باعث به زنجیر بسته شدن دستها و رفتن به سوی آتش عذاب در آخرت بیان فرمود. ۱۲. بحا را لانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۳-۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۳.

حیاء چیست؟ آیا تأثیری در حفظ حجاب به طوو خودجوش و ارادی در فرزندان مان دارد؟

«حیا»، واکنش درونی نسبت به زشتی‌ها یا حالت روانی خاصی است که باعث متانت و وقار در گفتار و رفتار می‌شود. هرچه حیا یا وقار بیش تر باشد، شخصیت آدمی وزین تر و رفتار او سنجیده تر شده از آنچه با آزادی وی بیگانه است، پرهیز بیش تری می‌کند. افزون بر حیا، عفاف و تقوا نیز دارای پرهیز و از جنس نورند و به انسان بینش روشنی می‌بخشند تا به دور از اجبار و به طور ارادی و خودکار از خطا و گناه پرهیزند، با این تفاوت که حیا، ملکه یا صفت ثابت و راسخی است که مانع ارتکاب گناه شرعی، عقلی و عرفی می‌شود به گونه‌ای که صاحبان حیا، شرم از خوردن و نوشیدن در کوچه و خیابان کرده و یا از پوشیدن لباس‌های مغایر با متانت و وقار در جامعه به شدت پرهیز می‌کنند، گرچه در ظاهر این قبیل کارها حرام شرعی نیست اما حرام عرفی یا عقلی محسوب می‌شود، اما عفاف حالتی است که حلول می‌کند و ثابت و ماندگار نیست تا باشد و بماند بلکه نیاز به حفاظت و حراست دارد، اکتسابی است و ضعف و شدت می‌یابد. در کنار این دو تقوا پرهیز از خطا و عصیان، تنها مانعگناهان شرعی است نه عقلی و عرفی. پس حیا در سخن عرب زبانان یا شرم و آزر در کلام فارسی زبانان، وسعت بسیاری دارد و سه گناه عقلی، شرعی و عرفی رادفع می‌کند و علاوه بر آن بی توجه به نکوهش اطرافیان، به خاطر رشتی گناه که رها و رد نورانیت حیاست، از خطاها و اشتباهات پرهیز می‌شود و نوعی آزادی و آزادگی از قید و بندهای گناه با آن احساس شده و آسودگی خاطر و آرامش باطن به همراه می‌آورد. از سوی دیگر خجالت و حیا هر دو باعث گرفتگی روح یا تغییر در چهره می‌شود اما شخص با حیا، پیش از انجام خطا و گناه در هم فرو می‌رود ولی فرد خجالت زده پس از ارتکاب زشتی، تغییر حالت می‌یابد. در یک نگاه حقیقت حجاب و عفاف یا پوشش ظاهر و زینت باطن، «حیا» است، زیرا بسان نرم افزاری نورانی، روشنی بخش دل و دیده شده، انگیزه بخش جوارح و جوانح می‌شود تا هر یک از ما علاوه بر تکلیف (که به ظاهر با نوعی «مشقت و زحمت همراه است»)، حجاب را نوعی «تشریف» یعنی شرافت و بزرگی بباییم و با عمق وجود، خود را به آن بیاراییم. از این رو حیا در اولین سطح هرم عفاف قرار دارد، موجب نظام بخشی خصال خوب خدایی می‌شود و شکاف‌های ایمان افراد را پر می‌کند. گویی مانند ریسمانی است که مرواریدهای، ایمان عفاف، تقوا و حجاب را نظم می‌دهد و صاحب خود را از نافرمانی‌های ظاهری و باطنی دور می‌سازد و با نبود آن نظام ایمان را دچار بحران می‌کند. ۱۰ بی دلیل نیست که در آموزه‌های دینی چنین می‌خوانیم: «ان الله يحب الحي المتعفف» ۲، خداوند افراد با حیای عقیف را دوست دارد. «اصل المروه الحیاء و ثمره العفه» ۳، بنیان مروت، مردانگی حیاست و ثمر آن عفاف. «علی قدر الحیاء تكون العفه» ۴، به میزان حیا، پارسایی و پاکدامنی وجود دارد. «من قل حیاء قل ورعه»، آن کس که شرم، حیاء کم باشد، اجتنابش از گناه کم خواهد بود. «اذا لم تستح فاعل ما شئت» ۶؛ هرگاه شرم و حیا را از دست دادی، هر چه می‌خواهی انجام بده. آری، بهترین نوع

حیا آن است که انسان از خود شرم کند و کوچک ترین خلافی مرتکب نشود ۷ و آخرین حد حیا نیز آن است که هر فرد با تمام وجود بداند که خداوند از حال او اطلاع کامل دارد و ۱. مجازات النبویه؛ سید رضی، تحقیق طه محمد الزینی، ص ۱۰۵. ۲. (رسول خدا صلی الله علیه واله)؛ الامالی شیخ طوسی، ص ۳۹. ۳. (امام علی صلی الله علیه واله)؛ غرر الحکم، ج ۱۶۸۱. ۴. عیون الحکم، ص ۳۴. ۵. الحدیث، ح ۱، س ۷۲. ۶. همان، ص ۷۳. ۷. (امام علی علیه السلام)؛ الحدیث، ج ۱، ص ۷۶ همواره تحت نظارت و مراقبت کسی است که لحظه ای از پیدا و پنهان او غافل نمی ماند، که اگر چنین اعتقادی باشد و آدمی گناه کند، حیا ندارد و اگر نباشد، فردی کافر است! ۱ چه زیباست سخن صادق آل محمد صلی الله علیه واله به صحابی خود مفضل فرمود: «دقت کن! در صفتی که خداوند آن را تنها به انسان ها اختصاص داد، حیوانات از آن بی بهره اند، و آن خلق، خوی ارزشمند و بزرگ، ارزنده، عظیم «حیا» است.» ۲ آن امام والا مقام حیا را شاخسار ایمان و ایمان را از بهشت بیان نموده، سپس حیا و ایمان را در یک رشته و همدوش همدیگر و حیا را معادل دین دانسته فرمود: «کسی که حیا ندارد، دین ندارد.» ۳ با این بینش و برداشت نسبت به حیا و دست آوردهای آن به خوبی در می یابیم صاحبان حیا یا کسانی که خدای خویش را در هر حال نافی و شاهد افکار و اعمال خود می دانند، صاحبان حقیقی عفاف و حجابند، زیر؟ اقدر و قیمت خویش را دریافته اند و ارتباطی مستحکم بین خود و خدای خود ایجاد کرده اند، از این رو با تمام وجود گوش به فرمان و یابند به اوامر و نواهی اویند و بیش ترین تلاش را در کسب رضایت پروردگار انجام می دهند. ۱۰۱ ارشاد القلوب، ترجمه سنگی، ج ۱، ص ۲۸۸. الحدیث، ج ۱، ص ۷۲. الکافی، ج ۳، ص ۱۶۵

راهکارهای دستیابی به حیا چیست؟

نکته هایی کلیدی و کاربردی برای حفاظت از حیا و مراقبت از این عنصری همتا به چشم می خورد که با هم مرور میکنیم: ۱. پرهیز از گناه و نافرمانی های بزرگ و کوچک پروردگار حیا از جنس نورست و نگاهی رو به آسمان به انسان می بخشد، مجموعه راهکارهای دستیابی به حیا نیز این چنینند. که نخستین آنها دوری از گناه و عصیان یعنی تیرگی و تاریکی است، زیرا معصیت پروردگار مهربان هر چند کوچک آن به انسان «جرات نافرمانی» می دهد و حتی آدمی را نسبت به نافرمانی گستاخ و بی ادب می سازد. این بینش عرشی موجب شده که «مراقبت های جدی» از سوی پرهیزگاران صورت گیرد و یا نشناختن گناهی به نام «گناه صغیره» از سوی فرزندان مطرح شود. ۲. انجام صحیح و در حد امکان با حضور قلب واجبات. ۳. عمل به مستحبات و در حد توان دوری از مکروهات. ۴. دوستی با افراد با حیا. ۵. قطع ارتباط با گناهکاران و آلودگان به نافرمانی خداوند. ۶. پرهیز از پرتویی برای مصون ماندن از لغزش های گفتاری و رفتاری. ۷. احتیاط در سخن گفتن. ۸. اجتناب از اظهار نظر قطعی در امور تردیدآمیز. صاحبان حیا همیشه در امور غیر قطعی با واژه هایی چون: «شاید»، «ممکن است»، «می دالم»، «اینطور گفته اند» ... سخن میگویند تا سنگینی گناه دروغ و تهمت را به دوش خود نکشند یا در زمان های پرغبار اجتماعی و سیاسی گردن خود را پل پروزی دیگران قرار ندهند. ۹. کنترل چشم و گوش و زبان افراد باحیا و رودی های دل و اندیشه خود را به شدت پاسداری می کنند، از شنیدن هر صدایی، دیدن هر چهره و صحنه ای، خوردن هر غذایی و رفتن به هر سرایی پرهیز می کنند تا دک و دیده، پرسه زن این سو و آن سو نشود و دل مشغولی های زیانبخش گریبان آنان را نگیرد. چه خوب است از آغاز نوجوانی و جوانی سرچشمه افکار و احساس خود را پاک نگهداریم و با مراقبت های جدی ما به تیرگی های گناهان نیالاییم، که شاید راه بازگشتی نیابیم و تا پایان عمر خود را زندانی هواها و هوس های آنی نماییم! ۱۰. تقویت ایمان شناخت و معرفت نسبت به خداوند و معاد و در پی آن عشق و اشتیاق به ارزش های دین مدار، باعث تقویت ایمان می شود. ۱۱. این تقویت به تدریج و با تمرین و پشتکار پدید می آید تا گوهر گرانسنگ حیا در کانون وجود انسان رشد یابد و حیای از خود، خلق و خدا در لحظه های زندگی خود را نمایان سازد. به یقین ایمان ما را حفظ می کند، به شرط آنکه ما هم ایمان را حفظ کنیم، زیرا: «انسان عمل سازست و عمل انسان ساز.» نمی توان با حضور در جلسه

یا جلساتی در ماه محرم یا شرکت در مراسم نورانی شب قدر، انتظار حفاظت یکساله از خود داشت، چنانکه برای حفاظت جسمانی علاوه بر تغذیه در صبح و ظهر و شام، میان وعده های غذایی نصیب خود میکنیم تا سلامت جسم را تأمین نماییم، درباره حفظ حیا، عفاف و حجاب نیز نیاز به تغذیه روحانی، حکمت های آسمانی و موعظه عای و حیانی داریم تا لحظه ای از مسیر خود عقب نمانیم و خود و دیگران را به سر منزل مقصود که سعادت جاودانی است، برسانیم. پایان سخن یادآوری این نکته است که گاه آشنایی با افراد وقیح یا بی حیا اثری افراطی در احتیاط نسبت به حیا در ما میگذارد که این رخداد «حیا حُمق» یا حیای نادانی نامیده می شود. www.hawzah.net.۱ نمونه های این نوع حیا عبارتست از: حیا در انجام واجبات، کسب علم و دانش بویژه در امور واجبات، تدبیر و تلاش در کسب درآمد حلال؛ خدمت به میهمان و احترام به دیگران!! اگر چنین می خوانیم که «لا حیاء فی الدین»؛ حیا در دانستن و به کار بستن امور دینی نیست توجه بخشیدن به اعتدال است تا هرگز رو به افراط و تفریط نرویم و فرزندانمان را به طور شفاف با رسالت و وظایفشان آگاه سازیم. ۱. پژوهشکده باقرالعلوم علی السلام، حیا، علی اکبریان.

آیا پیش از اسلام هم سخنی از پوشش یا وظیفه ای نسبت به حجاب بوده است؟

اشاره

یکی از عرصه های تهاجم به «فرهنگ حجاب» از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان ارائه این اندیشه است که: «حجاب تکلیفی مخصوص زنان ما، زمان ماست و در هیچیک از ادیان گذشته، یا اقوام پیشین وجود نداشته است.» اینان برای تأیید سخن خود، بانوان یونان و روم و ایران باستان و حتی ایمان آورندگان به حضرت ابراهیم ع و پیروان آیین یهود و مسیحیت را فارغ از این وظیفه دانسته، حجاب را مخصوص اسلام معرفی میکنند. جهالت یا غفلت این افراد به گونه ای است که فطری بودن پوشش را که فراتر از هر عصری و نسلی برای همگان ضروری است، انکار کرده به اقوام و ادیان پیشین نهضت ناشایستی زد ۵ اند. با نگاه به تو رات- سفر پیدایش، باب ۳، آیات ۸-۶ و ۲۱-۲۵ درباره آدم و حوا چنین می خوانیم: «و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و خوش نما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس، از میوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. آنگاه چشم هر دوی ایشان باز شد و فهمیدند که عریان اند، پس برگ های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند و آدم، زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است و خداوند رخت ها برای آدم و زن او بساخت و ایشان را پوشانید.» قرآن نیز داستان آدم و حوا علیهما السلام را اینگونه باز گو می نماید: (فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجْرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءُ تُهْمَا وَطَفِقَا يَحْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ)؛ آنگاه که آدم و حوا از درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست داده و به سرعت، با برگ درختان بهشتی خود را پوشانیدند. بنابراین متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؟ هر چند در طول تاریخ، فاز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند، یاد میکنند. ۱. اعراف/۲۲. امروزه پس از پژوهش های بسیار، دانشمندان تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند. کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می نویسد: «با توجه به علل ذکر شده، بررسی آثار نقوش! به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می شود. ۱» با این دستمایه فکری، نگاهی به دوران های مختلف تاریخی و گرایش های فطری و فکری زنان نسبت به حجاب می نمایم و از چگونگی پوشش هر عصری با خبر می شویم:

۱. پوشش زن در یونان و روم باستان

دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان میگوید: زنان یونانی در دوره های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابلا ی کلمات قدیمی ترین مولفین یونانی نیز به چشم می خورد، حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایتاک) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب خاصی بوده اند، بدین صورت که ۱. زن در آینه تاریخ، علی اکبر علویقی. حتی صورتشان را نیز با پارچه می پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار میگرفت تا بتوانند ببینند. در «اسمارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می پوشاندند. نقش هایی که بر جای مانده، حکایت میکند که زنان سر را می پوشانده، ولی صورت هایشان باز بوده است، و وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت هایشان را بپوشانند، خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شرماد (فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می پوشاندند و چیزی از برآمدگی های بدن مشخص نمی شد. یکی از تاریخ نویسان غربی نیز شواهد زیادی بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، میگوید: «آرتمیس» الهه عفت است و عالی ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شما می آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته است.» ۲ همچنین درباره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی میکردند آمده است: ۱. دایره المعارف القرن العشرين، ۱۹۲۳. ۲. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ص - ۵۲۰. «بالتر از ارمینان و در کنار دریای سیاه، «سکاها» بیابانگردی می کردند. آنها مردم و حشی و درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارا به سر می بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند.» ۱ این مورخ در جای دیگر میگوید: «زنان فقط در صورتی می توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن های مذهبی و تماشاخانه ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند.» ۲ همچنین از قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل میکند: نام یک زن پاکدامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت. ۳. همان، ص ۳۳۶. همان ص ۳۴۰. ۳. همان.

۲. پوشش زن در ایران باستان

در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، میگوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی شود، نامی از ایشان به نظر نمی رسد.» ۱ از دایره المعارف لاروس نیز به دست می آید که حجاب در بین مادها و پارس ها وجود داشته است. ۲ همچنین در تفسیر اثنی عشری ۳ آمده است: «تاریخ نشان می دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته است.» در کیش «مازدیسنی» نامه شت مهاباد، آیه ۹۰ گوید: «زن خواهید، جفت گیرید، هم خوابه دیگری را نبینید، بر او منگرید، با او میامیزید.» نصوصی که بیانگر حجاب زنان ایراد باستان است، نشان می دهد که زنان در دوره های مختلفی چون دوره مادها، پارسی ها (هخامنشیان)، اشکانیان و ساسانیان دارای حجاب و پوشش بوده اند. این داستان تاریخی نمونه ای از حفظ حجاب در دوره ساسانیان است: هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی، را با ثروت فراوانی از اموال، برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی را در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، در برابر عمر نگاه داشتند، خلیفه دستور داد، با آوازی

بلند بر آنان فریاد کشند که: «پوشش از چهره برگیرید تا مسلمانان آن‌ها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آنها بریزند». ۱. همان، ص - ۴۳۴. ۲. دایره المعارف القرن العشرين، ۱۹۲۳. ۳. تفسیراثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۹۰. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و مشت بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیازارد، در حالی که شاهزادگان ایرانی میگریستند. حضرت علی علیه السلام به عمر فرمود: «در رفتار مدارا کن؛ از پیغمبر خداصلی الله علیه واله شنیدم که می فرمود: «بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید.» عمر پس از شنیدن فرمایش حضرت علی علیه السلام آتش خشمش فرو نشست. سپس حضرت اضافه کرد: «با دختران ملوک نباید معامله دختران بازاری (کنیزان) کرد.» ۱. ۱. السیره الحلبیه، ج ۲، ی - ۲۳۴.

۳. پوشش زن در ادیان بزرگ الهی

حجاب در شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام

در آئین مقدس حضرت ابراهیم علیه السلام مساله پوشش زنان، حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات چنین می خوانیم: «رفقه چشمان خود را بلند کرده، اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.» ۲ از این بیان روشن می شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در ۲. سفر پیدایش باب ۲۴، آیه ۶۴ و ۶۵. شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام وجود داشته است، زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد.

حجاب در آیین یهود

در اصول اخلاقی «تلمود» که یکی از کتاب های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنانچه مثلاً- بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت، یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سخی از مردان درد دل میکرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» ۱ در قرآن کریم در داستان فرار موسی علیه السلام از کاخ فرعون به سوی شهر مدین آمده است که دختر شعیب از طرف پدرش، موسی علیه السلام را فراخواند چون به نزد پدرش شعیب رسیدند پیشنهاد کرد که از موسی برای چرانیدن گوسفندان کمک بخواهد و گفت: او نیرومند و امانتدار است. در خبری از امام رضا علیه السلام آمده است که شعیب از او پرسید: امانتداری او را چگونه دانستی؟ گفت: چون او را از سوی شما فرا خواندم و به راه افتادیم از من خواست پشت سر او حرکت کنم و راه را ۱. تاریخ تمدن، ج ۴ ص ۴۶۱. به او نشان دهم، تا چیزی از من نبیند که این حجب و حیا و احتشام موسی علیه السلام را می رساند این می رساند که ندیدن جایی از زن ملاک امین بودن شمرده شده اگر حجاب و پوشش یک ارزش نبود، ندیدن چیزی از زن ملاک امین بودن شمرده نمی شد، بلکه حجب و حیای دختر شعیب را نیز می رساند زیرا ندیدن چیزی از زن را ملاک امین بودن شمرده است پس نزد خودش نیز پوشش یک ارزش شمرده می شود. اما در تاریخ تمدن ویل دورانت به نقل از اصول اخلاقی تلمود یهود آمده است که: اگر زنی به نقض قانون یهودی می پرداخت، به طور مثال بی آنکه چیزی بر سر داشت میان مردم می رفت... که به روشنی حاکی است که بی روسری به میان مردم رفتن زنان، خلاف قانون شرع یهود است.

حجاب در آیین مسیحیت

در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می کند: «اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می نماید. اما هر زنی که سر برهنه دعا کند، سر خود را رسوا می سازد، زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید ببوشد، زیرا که مرد را نباید سر خود را ببوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است، زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان... در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند.»

۱ پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام رو به رو شدن با نامحرم پوشش سر لازمتر خواهد بود. و نیز در انجیل، در رساله پولس، به تیموتاوس میگوید: «و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیا، پرهیز، نه به زلف ها، طلا، مروارید و رخت گرانبها، بلکه چنان که زنانی را می شاید که دعوی دینداری میکنند به اعمال صالحه.» ۱۲ باب ۱۱، آیه ۳ تا ۱۴. باب ۲، آیه ۹ تا ۱۱

آیا حجاب و پوشش تنها با چادر است؟

در ایران و در زبان فارسی، پوشش تأمین کننده حجاب حداکثری، به شکل تن پوش رویی، بی آستین، گشاد و مسلط بر بدن به اسم «چادر» (chador) شناخته می شود که چهار دور بدن را فرا میگیرد. چادر یا چادر (chador) که به عربی سادر (sador) گفته می شود به عنوان یکی از کامل ترین انواع تن پوش های مورد قبول براساس معیارهای اسلامی از سوی بانوان ایرانی برگزیده شد که به هنگام بیرون رفتن از خانه، سر و بدن را می پوشاند. اند. از نظر قرآن شکل خاصی از پوشش که تأمین کننده حجاب حداکثری است، «جلباب» نام دارد که در سوره احزاب اینگونه بدان امر شده است: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ ذِكْرِكُمْ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَاحِ يُوذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) ۱ ای پیامبر! به همسران و دخترانت، زنان مؤمنان بگو: ۱۰ احزاب / ۵۹. جلباب های خود را بر خویش فرو فکنند، این برای آنکه شناخته شوند، مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط) نزدیک تر است، خدا آمرزنده مهربان است. برای فهمیدن کارکرد جلباب و چگونگی پوشش آن، اگر واژه «یدنین» را در آیه معنا کنیم می یابیم که «دنو» یعنی نزدیک سازی کنایه از پوشیدن چادر با علاقه است تا با نوعی محافظت و دقت همراه باشد نه مانند کسی که به صورت اجبار، لباس را بر تن میکند. پس آنان که چادر بر سرکردنشان جنبه تشریفاتی و آنی دارد و یا با چادر بدن خود را نمی پوشانند، آن را رها کرده و وضع پوشیدنشان نشان می دهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از اینکه مورد بهره برداری چشم ها قرار بگیرند، امتناعی ندارند، اهل عفاف و حجاب حداکثری نیستند. کیفیت پوشش با چادر چیزی است که امروزه بسیاری از دختران و زنان مومن و مسلمان چادرپوش که حساسیت بیشتری نسبت به حجاب دارند، انجام می دهند و در حقیقت با چادر چهار دور بدن خود را می پوشانند به گونه ای که از بالای سر پوشیده می شود و اطراف آن جمع شده، تا پوشش بیشتر و بهتری نسبت به بدن داشته باشد و چهره و دست ها و اندام آنها پوشیده شود. اما اینکه آیا حجاب و پوشش تنها با چادر است؟، پاسخ آن است که هرگاه «معیار» دانسته شود، «مصادق» هم تفاوت کند، خسارتی وارد نمی شود. آنچه درباره حجاب مطرح و مطلوب است عبارتست از: الف) پوشش ظاهر بدن (بویژه برای کسانی که ظاهری جذاب دارند) ب) پوشش حجم و برآمدگی های بدن ح) پوشش رفتارهای جذب کننده (و پرهیز از عشوه گری و جلوه گری) در صدر اسلام «جلباب» پوشاننده ظاهر و حجم بدن و رفتارهای جذب کننده بوده، در ایران چادر همین کارکرد را دارد، در کشورهای عربی عبا یا عبایه چنین است و امروزه پوشش های جدید با نام های دیگری. و به شکل های متنوعی به چشم می خورد که باعث راحتی بانوان- بویژه دختران دانش آموز و دانشجو- بوده، آنان را در حمل وسایل و رسیدگی کامل به امور علمی و اجتماعی خود مدد می رساند. آنچه در این عرصه مهم است حفظ

عظمت یا وقار و متانت بانوان است. از این رو رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) «انتخاب چادر» از سوی زنان ایرانی را نشان «ادب بانوان» دانستند، زیرا از «حداقل حجاب» به «حجاب حداکثری» رو کرده اند و علاوه بر «جنبه فقهی» به «آثار اخلاقی» پوشش که احتیاط در حضور اجتماعی یا حوادث احتمالی توجه کرده اند و مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای ۱ نیز فرمود: «چادر نشان ملی ماست.» ۲۰۱۲. www.porsojo.com. ر. ک: استفتاءات حضرت آیت الله خامنه ای، سؤال ۵۸۰.

آیا چادر از زمان قاجاریه در ایران بوجود آمده است و به اصطلاح «ایرانی» است نه اسلامی؟!

شیوه نرم و مخملی دشمن در براندازی اندیشه دین باوران و مقدّسات مردم در سه گام خلاصه می شود: گام نخست ایجاد «تردید» در یکایک باورهای دینی، دومین گام «تضعیف» ارزش ها و دین باوران و در پایان «تحقیر» معتقدان و خداجویان برای تهی ساختن درونی و ایجاد تیر خلاص در نشاط و دین باوری! بدیهی است «سوال» با «شبهه» تفاوتی بنیادین دارد، زیرا پرسش رهاورد اندیشه ای شفاف برای درک و دانایی است ولی شبهه، شبیه سازی باطل به حق است یا ابزار پنهان سازی حق و مطرح ساختن باطل. برخی برای رویارویی با حجاب و شکل برتر آن، چادر در جامعه دینی ایران، دینی و مذهبی بودن آن را با تاریخ گره زده تا از ابهت آن بکاهند و عملی بی ریشه و سطحی بنامند، در حالی که پوشش اسلامی از صدر اسلام تاکنون دارای «عیار» و «معیار» خاص خود بوده گرچه «شکل یا مصداق» آن متفاوت گردیده است. در ادعای اینان دو نکته به چشم می خورد: نخست آنکه چادر حجاب دینی و مذهبی نیست، در حالی که با قرائت آیه ۵۹ از سوره احزاب صحت این ادعا مورد تردید جدی قرار میگیرد. خداوند در این آیه خطاب به پیامبرش فرموده است: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَوْرَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ أَفْئِدَةً يَدْنَ وَيُذْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)؛ ای پیغمبر، به زنان و دختران خود، زنان مؤمنان بگو که خویشان را با چادر خود فرو پوشند، که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض، جسارت هوسرانان آزار نکشند؟ برای آنان بسیار بهتر است، خدا در حق خلق (آمرزنده و مهربان است. «جلیب» جمع «جلباب» است و جلباب در کتاب های معتبر لغت شناسی، به «ملحفه» یا پوشش گسترده و فراگیر معنا شده است. قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب، باید دانست چادر رایج در بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مولفه های اصلی تشکیل دهنده آن چیست؟ با اندک تأملی می توان گفت چادر دارای دو مولفه در اندازه و کارکرد است: ۱) اندازه چادر: پوشش وسیع، که از بالای سر تا پایین پای زن را می پوشاند. ۲) کارکرد چادر: پوششی جلوباز که از بالای سر، روی لباس های دیگر پوشیده می شود و به نحو خاصی کنترل و جمع و جور میگردد. حال آیا جلباب قرآنی دو عنصر ذکر شده را برای چادرهای رایج فعلی دارد؟ اگر دو عنصر یاد شده را بتوان برای جلباب اثبات نمود، می توان ادعا کرد که جلباب قرآنی همانند چادرهای رایج فعلی است. این دو نکته را با هم مرور می کنیم: الف) اندازه جلباب کتاب های لغت در این که جلباب پوششی وسیع است اتفاق نظر دارند، ولی دیدگاه های کتاب های لغت و تفسیر درباره اندازه دقیق جلباب متفاوت است. ما معتقدیم شواهد مختلفی وجود دارد که جلباب پوششی فراگیر از بالای سر تا پایین پا است. شاهد نخست پوشش حضرت زهرا علیهما السلام هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک است که اینگونه نقل شده است: «لا ت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها»؛ ۱ خمار و مقنعه خویش را بر سر، جلباب (پوششی که شامل و در برگیرنده تمام آن، جود مبارک بود) بر تن کردند. از نحوه پوشش حضرت دو نکته استفاده می شود: ۱) الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۸. ۱. پوشش حضرت در بیرون منزل، همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است. ۲) از عبارت «و اشتملت بجلبابها»، به روشنی استفاده می شود که جلباب، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود مبارک، از سر تا قدم را فرا میگرفته است. شاهد دوم: از کتاب های لغوی، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده می شود که «جلباب پوششی گسترده تر از خمار است» و تباین یا مستقل بودن «خمار» و «جلباب» به خوبی استفاده می شود. در یک نگاه اندازه جلباب قرآنی به مقداری بوده است

که همانند چادرهای زمان حاضر از بالای سر تا پایین پا را می پوشانده است. ب) کارکرد جلباب صاحب نظران بر این باورند که معنای «ادناء» یا نزدیک کردن در آیه «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ» قرار دادن جلباب درب لای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه های جمع شده آن در بالای بینی است، که بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام می دهند. از عبارت ابن عباس، قتاده و ابن سیرین معلوم می شود که جلباب همانند چادرهای فعلی، پوششی جلو باز بوده است که واژه «یدنین» در آیه شریفه نیز موید این مدعاست؛ بنابراین، از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز جلباب قرآنی، شبیه چادرهای امروزی بوده است. از آنجا که بحث بر سر الفاظ و نامگذاری نیست و مهم این است که حقیقت و مصداقی از پوشش، شبیه چادرهای فعلی، در صدر اسلام موجود بوده است، ولی با این همه خوشبختانه در کتاب های واژه های قرآنی و کتاب هایی که درباره جلباب بحث نموده اند، جلباب به چادر معنا شده است و این موید بسیار خوبی است بر این که آنها نیز به دلیل اشتراک مولفه ها و عناصر جلباب و چادر، همانند ما، از جلباب قرآنی معنای چادر را فهمیده اند. ۱. ثانیاً، گذشته از آنچه که برای اثبات مشابهت معنای چادر و جلباب گفته شد، چگونه ممکن است که مراجع تقلید، به عنوان بزرگترین رهبران دینی اسلام در زمان غیبت، چادر را پوشش مطلوب و بهتر معرفی کنند؟ ۲. ولی در عین حال، برخی بدون ارائه هیچ دلیل و مدرکی، ادعا نمایند که چادر هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد؟! پس با توجه به مشابهت بسیار نزدیک جلباب قرآنی با چادر، از نظر اندازه و کارکرد، می توان ادعا کرد که چادر ارتباط با دین اسلام و قرآن دارد، و بدین ترتیب ادعای اول که چادر ارتباطی با دین و مذهب ندارد باطل می شود. ۱. ر. ک: لسان التنزیل، تألیف قرن ۴ و ۵، ص ۱۰۳، به اهتمام مهدی محقق؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۸، ص ۱۹۱، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب؛ میرزا ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، واژه جلباب؛ عبدالرحیم صفی پور؛ منتهی الارب فی لغة العرب، ج ۱، ص ۱۸۶، واژه جلب؛ ر. پ. آ: دزی، فرهنگ البسه مسلمانان، ص ۱۱۷ و فیاض زنجانی، «رساله حجابیه»، مجله کیهان اندیشه، شماره ۶۰، خرداد و تیرماه، سال ۱۳۷۴، ص ۱۱۲. و نسخه کهن تفسیر مفردان قرآن، ص - ۱۹۰، قسمت مفردات، سوره احزاب. ۲. ر. ک: احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، (مطابق با نظرات آیات و مراجع تقلید) ص ۶۵، و استقائات آخر کتاب. اما ادعای دوم که حجاب در شکل و قالب چادر مربوط به زمان قاجاریه است. نخست آنکه این ادعا، نیازمند ارائه مدرک معتبر تاریخی است، اما گویندگان این سخن سند و مدرکی برای کلام خود ارائه نکرده اند؟ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است. ثانیاً، فرض میکنیم اینان با ارائه مدارک تاریخی اثبات میکردند که چادر در زمان قاجار در ایران رسم شده است، پس از اثبات ارتباط مستحکم چادر با قرآن و این که به هر حال، چادر یکی از مصداقی پوششی است که تأمین کننده حجاب بیش تر و بهتر زنان و مطلوب اسلام نیز هست، زنان ایرانی به خاطر استفاده از چادر به عنوان الگوی پوشش مناسب در مواجهه با نامحرم به خود می بالند، نه این که از آن گلایه مند باشند. ثالثاً، براساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس، اسناد و مدارک تاریخی زیر بیانگر آن است که پیشینه تاریخی حجاب در شکل چادر، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر میگردد: الف. در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر می خوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می پوشاندند. ۱. ب. زنان عهد هخامنشی و اشکانی، چادر بر سر داشته و پیراهن های ۱. انسان پوشش و ریشه های تاریخی، مهدی قانع، پیام زن، شماره ۱۹، ص ۶۹. بلندی که تا مچ پای آنان را می پوشانده به تن میکرده اند. ۱. ج. زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پرچین به سر میکردند که تا وسط ساق پا می رسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب های نقره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند. ۲. پ! حجاب در شکل چادر، علاوه بر ریشه عمیق دینی، دارای ریشه دقیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می شده است. ۳. ۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۲۵. ۲. حجاب، مهدی مهریزی. ص ۴۶. ۳. www.porsojoo.com

اشاره

«رنگ» عاملی نیرومند است که می‌تواند احساسات ما را تحریک کند یا تسکین بخشد، به هیجان آورد و یا آرامش دهد. چیزی که احساسی از گرمی و سردی، شادی و غم، سرعت و سکون ایجاد میکند. رنگ‌ها با ما سخن می‌گویند، لبخند می‌زنند، ما را در خود فرو می‌برند و تاثیرات گوناگون می‌گذارند، همانگونه که صوت‌ها و آواها چنین‌اند. رنگ‌ها در ذات وجودی مخلوقات قرار گرفته‌اند و جدایی ناپذیرند. همانگونه که نمی‌توان جنسیت را از اشیا گرفت، رنگ را نمی‌توان از آنها جدا کرد. امروزه ثابت شده است رنگ‌ها به راحتی بر سیستم عصبی، قدرت بینایی، سیستم گوارشی، حالات روحی-روانی افراد و اخلاق آنها تاثیر می‌گذارند، بنابراین برای استفاده مفید از رنگ، لازم است اثر روان‌شناختی آن را که می‌تواند در انتخاب دکوراسیون، لباس، محیط و... وارد عمل شود، درک کنیم. گاه به کارگیری ناشیانه رنگ به وسیله افراد، تاثیرات منفی برخی مذاهب و فرهنگ‌ها، خلق و خوی فردی افراد و وضع برخی قوانین، عدم تنوع و یکنواختی در به کارگیری بعضی رنگ‌ها، کاربرد رنگ را بخصوص در پوشش‌های فردی با اشکالات بزرگ و قابل توجهی روبه‌رو کرده است که در درازمدت تاثیرات مخرب آن آشکارا به چشم می‌خورد. انتخاب رنگ در لباس در ارتباطات اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که لباس افراد اگر چه شان و شخصیت افراد را شکل نمی‌دهد، اما بیشتر اوقات پایه‌ای برای قضاوت اولیه در مورد آنهاست و تاثیر شگرفی بر قضاوت‌های دیگران نسبت به افراد می‌گذارد. تحقیقات نشان داده اگر شما لباس مرتبط با پایگاه اجتماعی بالایی را در برداشته باشید و هیچ‌کس شما را نشناسد، در عبور از عرض یک خیابان شلوغ بیشتر از کسی که لباس مربوط به پایگاه اجتماعی پایینی را در بر دارد، مورد توجه خواهید بود و آسان‌تر به شما راه خواهند داد. در یک نگاه لباس، علاوه بر محافظت انسان‌ها از سرما و گرما، وسیله‌ای برای ارتباطات غیرکلامی است و به تنهایی قادر است دستکم ۱۰ پیام اساسی را به دیگران منتقل کند: ۱. سطح اقتصادی ۲. سطح تحصیلی ۳. اعتبار اجتماعی ۴. وضعیت اجتماعی ۵. سطح پیچیدگی ۶. زمینه اقتصادی ۷. زمینه اجتماعی ۸. زمینه تحصیلی ۹. سطح موفقیت. ۱. ویژگی‌های اخلاقی امروزه در ارتباطات میان فردی، مردم بیش از آن که به حرف‌های شما توجه داشته باشند، به لباسی که پوشیده‌اید و به وضعیت ظاهری شما توجه دارند، بنابراین رنگ‌ها می‌توانند همچون مهمانی ناخوانده بر روابط شما با دیگران تاثیر بگذارند. بی‌شک بیش از این که تنوع رنگ‌ها برای شما موثر باشد، در جذب مخاطبان شما موثر خواهد بود. اگر محدودیت استفاده رنگ‌ها از فرهنگ اجتماعی کمی دور می‌شد، رنگ چه معجزه‌ها که نمیکرد، چون اگر رنگ‌ها و تنوع آنها مهم نبودند، زیباترین نمادهای آفرینش یعنی آسمان و زمین، گل‌ها و درختان، دریاها، اقیانوس‌ها و... با این همه تنوع رنگ آفریده نمی‌شدند.

رنگ‌ها و اثر روانی آن بر شخصیت انسان

از دیرزمان اثر روانی رنگ‌ها، در اشخاص مختلف مورد توجه دانشمندان بوده است و به مرور، این تحقیقات گسترش یافته است. ثابت شده اتاق‌هایی از بیمارستان‌ها که رنگ آبی یا شیشه‌های آبی رنگ دارند، اثر خوبی روی بیماران دارد یا اشخاصی که نزدیک بین هستند و چشم آنها در مطالعه زیاد خسته می‌شود باید کاعده‌های سبز و آبی به کار برند که بسیار مناسب است. همچنین نتایج تحقیقات نشان داده قرار گرفتن زیر نورها با رنگ خاص تاثیر روانی زیادی بر فرد دارد؟ به عنوان مثال وقتی شما دودل هستید یا اطمینان کافی راجع به مساله‌ای ندارید، پوشیدن لباس‌های زرد یا محاصره شدن در محیطی پر از رنگ‌های زرد زنده به شما کمک خواهد کرد تا توجه‌تان را روی مشکل پیش‌آمده متمرکز کنید تا بتوانید به دودلی خود پایان دهید. استفاده از رنگ زرد در برقراری ارتباط نیز کمک می‌کند. اگر احساس تنهایی می‌کنید یا قادر نیستید با دیگران تماس‌های خوبی برقرار کنید، استفاده از این رنگ روشن، جریانی کلمات شما را آسان و شیوایی کلام شما را تقویت خواهد کرد. از نظر فیزیکی، در محاصره

قرمز بودن باعث اعزایش خون می شود و آدرنالین را به بدن تزریق میکند. وقتی شخصی بشدت خسته یا افسرده است یا نیروی اراده اش تحلیل رفته است، قرمز می تواند به عنوان عاملی انرژی زا استفاده شود. همچنین پوشیدن لباس های قرمز یا قرار گرفتن در محیط قرمز، وقتی فرد بشدت ناراحت، هیجانی، مضطرب یا تحت فشار است می تواند به بروز خشم یا ایجاد خشونت منجر شود. در زمان بقراط حکیم معتقد بودند رنگ ها در پیشرفت یا بهبود بیماری ها تاثیر بسزایی دارد و از آن تاریخ درمان با رنگ (chromotherapy) آغاز شده است که امروزه اهمیت خاصی دارد و مورد مطالعه و توجه پزشکان قرار گرفته است. درمان با رنگ اثر توری ندارد و باید به صبر و حوصله منتظر نتیجه آن بود. در یک نگاه صاحب نظران بر این باورند که «هر رنگی که ما دوست داریم، تابلوی نشان دهنده شخصیت ماست.»؛ آنان که رنگ قرمز را دوست دارند، در نگاه روانشناسان افرادی خوش قلب و خودپرست هستند، هرگز بی تفاوت نبوده. تند و فعال و در عین حال کمی عجول هستند. کسانی که علاقمند به رنگ صورتی- یعنی همان قرمز کم رنگ- هستند، تمام آن صفات البته کمی ملایم تر را دارند، با گذشت و ملاحظت، پرنشاط و شاداب و تحمل کننده شکست ها و دشواری ها. دوستداران رنگ آبی، صاحبان نظم و پشتکار و تنهایی اند که ظاهری آرام دارند و به دیگران احترام میگذارند. رنگ اسرار آمیز و باشکوه ارغوانی، رنگ عرفانی است که علاقمندان به آن به امور معنوی می پردازند و مجذوب زیبایی ها می شوند. دوستداران رنگ قهوه ای باثبات و قابل اعتمادند، شاعری و کمی فیلسوف مآب و خاکستری دوستان، از خوشی های دنیا چشم پوشیده اند و خود را همشان کهنسالان می دانند. علاقمندان به رنگ پرتقالی دارای صداقتند و از هوسبازی بیزارند و آنان که رنگ سبز دلخواهشان است، صاحب رشد و رویش بوده، کنجکاو و آرامند و فیروزه ای دوستان، اسرار آمیز و پندناپذیر، دارای پشتکار و باثباتند و دوستداران سیاه، دارای ظرافت طبع اند و هرگز خود را به دیگران تحمیل نمیکنند

۱. ۱. Family.com

رنگ در اعتقادات مذهبی

در انجیل، عهد عتیق و جدید، به رنگ های زیادی اشاره شده است. رنگ های نمادین مسیحی و یهودی هنوز هم در مناسک این مذاهب وجود دارد. رنگ سبز زمردین با عیسی مسیح پیوند یافته است. مسیحیان اغلب رنگ آبی را به حضرت مریم باکره اختصاص می دهند. در متون اسلامی از رنگ هایی که در جامعه مکروه است، سخن رفته است. بهترین رنگ ها در جامعه سفید است و پس از آن به ترتیب سبز، زرد، سرخ کم رنگ، کبود و عدسی. سرخ تیره رنگ (بخصوص در نماز) کراهت شدید دارد. ما دلایل زیادی داریم که رنگ سبز مایل به آبی رنگ ولایت مطلق الهی است. بهشت موعود ما بهشتی است با رنگ سبز مایل به آبی. احادیث زیادی داریم بر کراهت رنگ سیاه. رنگ سیاه ایجاد غرور و در عین حال کدورت روحی میکند. رنگ سیاه رنگ غم است. رنگ اندوه است. ما برای رنگ سیاه شب حدیث داریم که پیش از غروب آفتاب، چراغ روشن کنید به خاطر اینکه هیچ وقت نور از زندگی ما بیرون نرود و تیرگی شب بر ما سلطه پیدا نکند.

رنگ سیاه، تأثیر روانی آن در اطرافیان

در روان شناسی رنگ ها می خوانیم که رنگ سیاه نمایانگر مرز مطلق است. بدین خاطر کسی که رنگ سیاه می پوشد، می خواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. اما این که این مرز برای چیست، در موقعیت های مختلف ممکن است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا می پوشند، برای آن که نشان دهند بین آن ها و عزیزشان فاصله افتاده و مرز زندگی آن ها هم جدا شده است و یا برای آن که نشان دهند که در حریم خانه و خانواده آن ها حادثه ای رخ داده است که انجام برخی از کارهای معمولی که سایر خانواده ها انجام می دهند، برای آنان میسر نیست. اما گاهی هم سیاه می پوشند، نه برای عزا و ماتم بلکه برای مشخص کردن

مرزها و حریم های اجتماعی و حجاب یک خانم مسلمان با چادر سیاه از این دسته است. وقتی که خانمی چادر مشکی به سر میکند و با وقار و متانت تمام، قدم به عرصه اجتماع میگذارد، با این پوشش نشان می دهد که هرکسی حق ندارد به این حریم پاک، مقدس و خصوصی وارد شود. این حریم، حریم حرمت، حیا و احترام است، نه جای هرزگی، آلودگی و هوسبازی. در واقع او با حجاب مشکی و چادر سیاه، بین خود و مردان نامحرم، مرزی عاقلانه ایجاد میکند، او با این سیاهی ظاهری اما ریشه دار در درون خود می خواهد نگاه تیز و برنده هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد در حریم عفاف، پاکی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمت او را از بین ببرد. از این رو چادر مشکی به منزله حرمت و احترام است؟ مرز ادب، کرامت، حیا و عفت و نشان می دهد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت و به صاحب حرم با دیده احترام و ادب نگریست. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه سیاهی را می بیند، دیگر چندان رغبتی به نگاه کردن پیدا نمی کند و خود به خود نظر را بر میگرداند. نگاه به رنگ های روشن چشم را باز و رغبت مشاهده و تمرکز را برای دیدن دوچندان میکند، به عبارت دیگر نگاه به رنگ های تیره، به ویژه رنگ سیاه که بی رنگی مطلق است، تقریباً تمام رغبت ها را از بین می برد. روان شناسان میگویند: سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه مقابل «بله» یعنی سفید است. با این نگاه باید گفت: آن کس که در مقابل نامحرم سیاه می پوشد، در واقع می خواهد به او «نه» بگوید و آن کسی که رنگ جذاب می پوشد، خواسته یا ناخواسته خود را در «معرض» نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهد و وسیله آلودگی و انحراف خود و جامعه را فراهم میکند. در روان شناسی رنگ ها می خوانیم که «سفید» به صفحه خالی می ماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی «سیاه» نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد. بنابراین زنی که در برابر نامحرم و بیرون از خانه لباس سفید و رنگارنگ می پوشد، از ایمنی کمتری برخوردار است، ولی زنی که چادر سیاه می پوشد، حداکثر ایمنی را برای خود ایجاد کرده است و نشان می دهد که این جا نقطه پایان نگاه های نامحرمان است و در فراسوی این حجاب، جایی برای نفوذ نگاه ها و نیت های ناپاک نیست. علاوه بر آن درباره رنگ سیاه می خوانیم که: سیاه، نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی بوده و از تاثیر قوی بر هر رنگی که در کنار آن قرار گرفته باشد، برخوردار است و ویژگی آن رنگ را مورد تاکید قرار می دهد. و حتی هر رنگی را می پوشاند و به نوعی رنگ جلال و جبروت است. چنانکه رنگ ماشین شخصیت ها مشکی است تا نوعی عظمت ایجاد کند و به خودی خود خطرها را دفع نماید. و حتی انسان به اجسام سفید نگاه میکند احساس میکند که آن شی به وی نزدیک تر از فاصله اصلی است در حائ که شیء سیاه رنگ را احساس میکند که از او دورتر می شود. پس پوشش مشکی برای زنان موجب میگردد که از دید مردان دورتر جلوه نمایند. علاوه بر آن رنگ مشکی صامت بوده و موجب تحریک و تهییج غرائز نمی شود. در یک نگاه هدف از پوشش مشکی، ایجاد فضای آزادی برای دختران و پسران در فعالیت های اجتماعی است و مانعی برای تحریک های غیراخلاقی مردان. به دیگر سخن پوشش باید به گونه ای باشد که حیا و عفت را در انسان متجلی سازد تا زنان بتوانند با بهره گیری از گوهر حیا. در کنار مردان به عالی ترین درجه از کمال برسند که مقصد نهایی همان است. از این رو کسی که چادر مشکی می پوشد، می خواهد با رنگ سیاه چادر، جلوه و نمای جنسیت و جاذبه خویش را نفی کند و خود را از نگاه های دیگران دورنگه دارد. و رنگ مشکی چادر او نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی است، یعنی چادر مشکی به نگاه های نامحرم میگوید هیچ جایگاهی برای نگاه شما در من وجود ندارد. بنابراین باید به روان شناسی و جامع نگری زنان ایرانی آفرین گفت که برای حفظ حرمت، عفت و پاکی خود و همچنین پاسداری از مرزهای خویش و جامعه خویش و برای سالم سازی محیط اجتماعی خود، بهترین حجاب، یعنی چادر و مناسب ترین رنگ یعنی مشکی را انتخاب کرده اند. اما در پاسخ به این پرسش که: آیا پوشیدن رنگ سیاه مکروه و ناپسند است؟ و یا: همیشه و همه جا باید چادر به رنگ مشکی باشد؟ باید بدانیم برخی از فقها پوشیدن لباس سیاه را به طور کلی مکروه نمی دانند ۲ و از نظر بعضی دیگر سیاهپوش بودن بدون دلیلی خاص یا مصلحتی برتر مکروه و ناپسند است. ۳ مثل آنکه برخی در طول سال برای خوش تیب بودن لباس سیاه می پوشند اما اگر علت و مصلحتی برتر یافت، همانند سیاهپوش شدن در

ایام محرم برای سید و سالار شهیدان کربلا و یا حفظ شعائر دینی و بزرگداشت مقام معصومان و صالحان، بدون تردید، «کراهت»، برطرف و «استحباب» جایگزین می‌شود. علاوه بر این هیچ «تکلیف» یا «باید»ی از سوی پیشوایان ما نسبت به رنگ سیاه وجود ندارد تا بانوان ما اختیار و انتخابی نسبت به دیگر ۲۱. www.newmind.mihanblog.com. آیت الله مکارم: استفتاءات، ج ۱، س ۱۱۹، وج ۲، س ۱۵۲؛ آیت الله سیستانی، sistani.org (لباس)، س ۲ و دفتر ۳. امام آیت الله فاضل و صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۸۶۵؛ آیت الله نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۸۶۶؛ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۸۷۲؛ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۱۷؛ دفتر آیت الله بهجت. رنگ‌ها نداشته باشند، آنچه از نظر آموزه‌های دینی توصیه شده است گزینش رنگی برای پوشش است که با عفاف و پارسایی همسو و از جلب توجه هوسبازان بدور باشد. چنانکه ام سلمه میگوید: «با نزل آیه جلباب، زنان انصار از خانه‌های خود خارج شدند در حالی که پوشش‌های مشکی بر تن داشتند» ۱ و اینگونه به تقوا و پرهیز از نامحرمان شناخته می‌شدند. ناگفته نماند که دو مورد از کراهت رنگ سیاه استثنا شده است: نخست: چادر زنان و دیگری: عبای مردان. علاوه بر آن گاه در زمان و مکان خاصی، رنگی دیگر که نماد عبادت و بندگی است، برتر از سیاه می‌شود و آن حج و عمره است که همه بانوان با چادر سفید شناخته می‌شوند، زیرا سفید در این ایام نشان بی‌رنگی و ترک دلبستگی‌ها مادی و دل سپردن به امور معنوی است. ۱. ر. ک: حریم عفاف، حجاب و نگاه، روح الله حسینیان، ص ۵۰-۵۵.

علت مبارزه گسترده کشورهای غربی با پارچه‌ای کوچک به نام روسری چیست؟ اگر اینان کشور خود را مهد آزادی و دموکراسی لقب

داده‌اند و برهنگی را مطابق حقوق بشر می‌دانند، چرا ظرفیت و تحمل روسری چند دانشجوی مسلمان را ندارند؟! حج، جهاد و حجاب، احکام اجتماعی اسلام است که فراتر از عبادات فردی بین خود و خدا، تأثیری اجتماعی و همگانی دارد، از این رو همیشه با مخالفت‌های مختلفی رو به رو بوده است. اگر در قلب اروپای به اصطلاح متمدن و در کشور فرانسه با جامعه مدنی (!) چند دختر نوجوان با پارچه‌ای چند سانتی که بر سر دارند و به دانشگاه یا مدرسه می‌روند، دولت این کشور را وادار به تشکیل جلسه فوق العاده کرده و سرانجام تصمیم به ممنوعیت حجاب می‌گیرند، از آن روست که حجاب فراتر از پارچه و پوشش، بیرقی برافراشته در «اعلام علنی عقاید»، «رشد اسلام خواهی در اروپا» و «استقلال شخصیتی در گزینش نجابت و پاکی» است. و این رخداد خجسته، زنگ خطری است برای سران استکبار و بیانگر بیداری و پایداری توده‌ها بویژه قشر جوان و تحصیلکرده نسبت به ارزش‌های انسانی است، گرچه تحمل آن برای استعمارگران شیطان صفت که وظیفه‌ای برای خود غیر از مشغول ساختن مردم به خور و خواب و شهوت نمی‌بینند، بسیار سخت و ناگوار است. بدون شک آنان به برخوردهای سخت افزارانه اینچینی بسنده نکرده بلکه شیوه نرم افزاری یعنی تغییر اندیشه توده‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند و آن «تردید، تضعیف و تحقیر» ارزش‌های دینی و دلبستگی‌های مذهبی است. از این رو پوشش مذهبی را مانع ورود به دروازه تمدن و پیشرفت معرفی میکنند و افراد جاهل یا غافل را وادار به بیان انجام فراندوم برای حجاب در کشور می‌نمایند! رنگ سیاه چادر را همچون حفره تاریکی دانسته که تمام رنگ‌های جهان را می‌بلعد و اکثر عقب افتادگی‌ها و اغلب پشت کنکور ماندن دختران را به همین دلیل مربوط می‌دانند! نیمه برهنه بودن و آرایش‌های افراطی را سبب شخصیت و شادی و یا سربلندی در عرصه‌های مختلف اجتماعی ترسیم میکنند اما زنان پوشیده در فیلم‌ها را افرادی مستمند و محتاج، درگیر با همه معضلات، افسرده و بی‌پناه می‌دانند و به تصویر میکشاند. در برخی فیلم‌ها، چادر را برای رفتن به زندان و ملاقات با عزیزان در محیطی غمزده و اندوهبار به کار می‌گیرند و یا برای رفتن به قبرستان و زیارت قبور مردگان آن هم چادری به ظاهر پوشیده و با کمی دقت بدون هرگونه پوشیدگی. آنچه این عده در پی نهادینه کردن آن هستند خواسته یا ناخواسته در راستای تمایلات استکبار جهانی برای فتح اندلسی کشورهای اسلامی و تحقق تخیلی است که به عنوان «حکومت بر

عالم» در سر می پروراند. غریبان که از نقش موثر زن در نظام اجتماعی مشرق زمین باخبرند، به خوبی می دانند که در خیزش‌ها و نهضت‌های دو بیست سال گذشته، زنان مهمترین عامل تحریک! توده‌ای مردان بوده‌اند. بازننگری و بازکاوی برگ‌های تاریخ، گواه آن خواهد بود که انقلاب اسلامی نیز بدون حضور زنان و دختران مسلمان تا این اندازه موفقیت را نصیب خود نمی ساخت. آنها خوب می دانند که برای هموار ساختن مسیر و سرعت بخشیدن به حضور دنیای غرب در سرزمین کهن شرق بویژه کشورهای اسلامی، راهی نیست جز آنکه بنیان اصلی نظام خانواده یعنی زن تغییر یابد؛ آن هم براساس مدلی که از آن سوی آب‌ها عرضه می شود! وقتی «کاندولیزا رایس» مشاور امنیتی جرج بوش در سفر به خاورمیان اظهار داشت در صورتی حکومت‌های دموکراتیک در جهان عرب و خاورمیان شکل خواهد گرفت که زنان و دختران به آزادی‌های مورد نظر خود برسند، معلوم ساخت که از چه رو چشمان دنیای غرب، به سوی دوشیزگان مشرق زمین خیره شده است. آری ا پس از سال‌ها بی توجهی به زنان شرق، به وقوع پیوستن چنین حوادثی به طور جدی سوال برانگیز است: ۰۱ اهداء جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی، حقوقدان زن ایرانی که در نروژ و در دانشگاه امیرکبیر تهران با مردان نامحرم دست می دهد و چندان به نظارت فقه و شریعت بر نظام خانواده و به ویژه زنان اعتقاد ندارد که در توصیه‌ای به زنان و دختران مسلمان از آنان می خواهد که با میل و سلیقه خود، حجاب و پوشش خود را برگزینند و در صورت تمایل چون او در مقابله پسران و مردان نامحرم سربرنه حاضر شوند و حجاب از رخ بگیرند! ۰۲ اهداء جایزه به کارگردان زن ایرانی و حمایت‌های مادی و معنوی دنیای غرب از او به پاس مرز شکنی ارزش‌های دینی. ۰۳ اهداء جایزه به کارگردان زن ایرانی و مطرح شدن این زن به عنوان الگو به خاطر ذهن کجی به قداست‌های مذهبی. جالب تر اینکه در بیانیه هیأت داوران، هدف از اهدای جایزه بیان نیرومند حقوق زنان در ایران امروز در قالب یک درام پویا و ملموس عنوان شد. این در حالی بود که پیام فیلم «واکنش پنجم» جز فمینیسم و عصیانگری توده زنان علیه مردان ایران و ساختن چهره‌ای سیاه و ظالمانه از ایران و اسلام در برخورد با جنس زن چیزی را در بر ندارد. ۰۴ Mis World انتخاب دختران ایرانی الاصل به عنوان ملکه‌های زیبایی دنیا در جشنواره‌ها و... ۰۵. مطرح کردن دختران شرقی به عنوان کاندیدای ملکه زیبایی و خبرسازی و تبلیغات بسیار از آنها به مدت چند ماه. ۰۶. پخش فیلم‌های هالیوودی و سریال‌ها آن هم به صورت رایگان در عراق، افغانستان و دیگر کشورهای خاورمیانه و مشرق زمین، با هدف الگوسازی برای زنان این دیار. به راستی این همه تجلیل به خاطر احترام به زن است؟! در حالی که بررسی‌ها نشان می دهد در سطح دنیا از هر ۵ زن به یک نفر تجاوز شده یا در معرض تجاوز قرار می گیرد و هر سال حدود ۴ میلیون زن و دختر برای فاحشگی اجباری، بردگی یا ازدواج اجباری خرید و فروش می شوند و در حقیقت، زنان امروز در دهکده جهانی، بیش از زنان روستاهای دور از شهر دیروز در معرض خطرند! اما از آنجاکه عامل اصلی گرایش انسان‌ها بویژه زنان به حجاب و پوشش تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام «شرم و حیاء» است، که تاریخ و جغرافیا نمی شناسد و با توجه به تلاش‌های بسیار و هزینه‌های هنگفت توسط سردمداران سکولار و سرمایه‌سالار و عوامل آنها امروزه علاوه بر ایران و کشورهای اسلامی، در جوامع غربی نیز شاهد رشد روزافزون گرایش به دین و شعائر دینی، بویژه برافراشته تر شدن بیرق حجاب هستیم. به گونه‌ای که در آن سوی مرزهای ملل اسلامی، در یک کشور غربی، زنی مسلمان با پافشاری بسیار، موفق به کسب مجوز استفاده از حجاب اسلامی در محل کار خود می شود. «فرشته لودین» طی جلسه‌ای که در شهر کالسروه آلمان در دیوان این کشور برگزار شد، در دفاع از حجاب اسلامی عنوان میکند: «حجاب بخشی از هویت من است و قصد دارم به ایمانم و فادار بمانم!» استفاده از حجاب و پوشش اسلامی در میان زنان و دختران مصری نیز به میزان قابل توجهی افزایش یافته و این خواسته در میان اقشار مختلف این کشور در حال گسترش است. به نقل از هفته‌نامه آلمانی زبان اسپیکل، دختران جوان مصری بیش از مادرانشان و زنان مسن‌تر، از حجاب استفاده میکنند و با اینکه به نظر می رسد چندین دهه تلاش کشورهای استعماری برای اثرگذاری بر روی فرهنگ کشورهای اسلامی بویژه مصر و رواج برهنگی و دوری از شعائر فرهنگ اسلامی، مردم این کشور را بیش از پیش به سوی فرهنگ غرب سوق دهد و به

عادی شدن برهنگی در جوامع شهری و روستایی بیانجامد اما اکنون به دلایل گوناگونی شاهد گرایش هر چه بیشتر تمام اقشار زنان و در رده های مختلف سنی بخصوص جوانان به حفظ حجاب و آداب و فرهنگ اسلامی هستیم. در همین حال، مرکز مطالعات اسلامی اروپا در آمار جدید خود از مسلمان شدن ۲۵۶ زن در دو سال گذشته خبر داده است. این مرکز تأکید کرده است که اولین علت گرایش زنان به اسلام، مواجه شدن با افراد مسلمان و جذابیت های رفتاری، آداب و پوشش آنها و همچنین فعالیت های پایگاه های اینترنتی اسلامی می باشد. آرامش، امنیت و مصونیت های ناشی از باور دینی و حفظ حجاب تا جایی است که «ماشا الیلکینا» ستاره سینما، رقص و موسیقی را که شهرت و محبوبیتش در روسیه به اوج خود رسیده بود بر آن می دارد به اسلام روی آورده و پوشش اسلامی و لباس عفت را برگزیند. گرچه این امر از میزان محبوبیتش در میان دوستداران جذابیت های ظاهری اش کاست اما او را در مسیر تازه ای که انتخاب کرده بود ذره ای متزلزل نکرد و تنها به تدریس در مدارس اکتفا نمود. «ماشا» که زنی تحصیل کرده و مسلط به بیش از پنج زبان زنده دنیا است به «غفلت مدرن در عصر اطلاعات» اشاره کرده و میگوید: «اسلام نسبت به ادیان دیگر، محکم ترین اساس را دارد و تمام قواعد آن در زندگی کاربرد دارند، راه اسلام سعادت بخش است.» ۸۵ درصد از هزاران شهروند شرکت کننده در نظرسنجی موسسه «خبر ایکس» ترکیه نیز با اعلام مخالفت از تصمیم دادگاه قانون اساسی این کشور مبنی بر لغو قانون آزادی حجاب بانوان در دانشگاه ها، آن را مغایر با آموزه های اسلام و شأن زن مسلمان دانسته و برای حضور با حجاب اسلامی در دانشگاه به روش های گوناگون همچون استفاده از کلاه گیس های زنانه بر روی روسری خود و... روی آورده اند. از همه جالب تر اینکه شهرهای اسرائیل، به طور عجیبی شاهد زنان محجبه اسرائیلی است به گونه ای که به دلیل شباهتی که این زنان در اثر رعایت حجاب با زنان مسلمان پیدا کرده اند، از سوی جوانان یهودی مورد اذیت و آزار قرار میگیرند. بنا به گفته یکی از خاخام های اسرائیلی، این زنان محجبه با اعتقاد به اینکه این امر مورد رضایت خداوند است، تمام بدن خود را می پوشانند و تعدادشان روز به روز در حال افزایش است. گفتنی است این زنان در حالی بر حفظ حجاب خویش پافشاری میکنند که همواره از سوی بسیاری از یهودیان صهیونیست مورد توهین و آزار و اذیت قرار میگیرند. ۱۱. www.ghalampress.com

امروزه بهترین ابزار برای شناخت ردپای استعمار در بی علافگی یا بدبینی نسبت به حجاب چیست؟

از آغاز آفرینش انسان، همیشه بین آگاهی و اعتقاد بیش تر و عمیقتر نسبت به موضوعات به ویژه حجاب، رابطه مستقیمی وجود داشته است، نمونه ناب این ارتباط دوسویه، پوشش اسوه های معصوم و صالح، همانند فاطمه زهرا علیهما السلام و دیگر زنان اهل بیت علیهم السلام است که در شرایط سخت و اعتراض های افشاگرانه، نسبت به حفظ حجاب و اصرار بر آن، همه را به حیرت واداشتند. در زمان ما نیز آگاهی مردم الجزایر در برابر با دولت استعمارگر فرانسه یا مقاومت دانشجویان دختر در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه مثال زنی است، چنانکه در کشور ما و زمان رضا خان، آگاهی زنان ایران علیه بی حجابی باعث قیام در مقابل کشف حجاب رضاخانی گردید. به گونه ای که یکی از نویسندگان خارجی با ستایش شیرزنان ایران در رویارویی با استعمارگران اینگونه نوشت: «درو د، عزت بی حد به زنان رو بسته ایران باد!» وی به عزم ثابت سیصد زن شجاع اشاره میکند که با چادرسیاه و نقاب سفید، در حالی که بسیاری از آنان در زیر لباس طپانچه داشتند، به مجلس رفتند تا نمایندگان از تسلیم کشور به بیگانگان احتراز نمایند. به اعتراف این نویسنده آمریکایی، آن بانوان شجاع اعلام داشتند که اگر وکلای مجلس بخواهند در حفظ شرف و عزت ایران تسامح به خرج دهند و یا تردید نمایند، هم آنان و هم شوهران و فرزندان خویش را خواهند کشت، تا لا اقل اجسادشان گواهی بر شرف ایرانی باشد. ۱ پیش تر به فطری بودن پوشش اشاره کردیم اما فطری بودن یک موضوع، مانع تأثیرگذاری حرکت های تبلیغی، به نفع یا ضرر آن نیست؟ به طور مثال دین یک مقوله فطری است، ولی در طول تاریخ، حرکت های تبلیغی انبیاء علیهم السلام به نفع دین، باعث تحکیم و گسترش آن بوده و برعکس، حرکت های تبلیغی مخالفان مثل شیاطین جن

و انس شبهه افکن باعث تضعیف و آسیب پذیری آن گردیده است. همین مطلب، در مورد حجاب و پوشش به عنوان یک مقوله فطری نیز صادق است. همان گونه که تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبهه پراکنی ها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسیب پذیری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترفندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بی بند ۱. «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، غلامرضا گلی زواره، پیام زن، ش ۷۳، ص ۱۵، به نقل از: مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه اسماعیل رایین، ص ۲۴۱. و باری از طریق گسترش بدحجابی و بی حجابی است، و این واقعیتی است که مستر همفر، جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است که: «در مسئله بی حجابی زنان، باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم، تا زنان مسلمان به بی حجابی، رها کردن چادر، مشتاق شوند... پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات و سیع از میان رفت، وظیفه مأموران ما این است که جوانان را به عشق بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند؟ و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان، به طور کامل بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند». ۱ فرانتس فانون، درباره نقش حجاب زدایی دولت استعمارگر فرانسه در کشور اسلامی الجزایر میگوید: «اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود، در این کار موفق شد؛ و هر چه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال استعمارگر، بیشتر به حلقوم الجزایری فرو رفت؟ اما مجدداً زن الجزایری شخصیت خود را بازیافت، مبارزه علیه مطامع استعمار نیز آغاز گردید». ۲ ۱. «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، غلامرضا گلی زواره. مجله پیام زن، ش ۷۰، ص ۱۵، به نقل از: خاطرات همفر، ترجمه محسن مویدی، ص ۱۸۴. ۲. حریم عفاف، حجاب و نگاه، روح الله حسینیان، ص ۴۸، به نقل از: جنگ الجزایر، (فصل همین نویسنده، در کلام دیگری، درباره نقش بی حجابی در تشدید حمله استعمارگر فرانسه به الجزایر گفته است: «هر چادری که دو رانداخته می شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می دهد. پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله و رشدن اشغالگر ده برابر میگردد.» ۱ علاوه بر نقش استعمار در حجاب زدایی از کشور اسلامی الجزایر، حجاب زدایی در کشورهای اسلامی افغانستان توسط امان الله، ترکیه توسط آتاتورک و ایران توسط پهلوی اول و دوم، داستان مفصل و غم انگیزی دارد. بدون شک با خبری از حوادث سیاه گذشته و آگاهی نسبت به دسیسه های آینده، ارزش حجاب را به عنوان نماد عفاف و حیا در جامعه و بیریق بیداری زنان در رویارویی با ارزش های وارداتی بیگانه آشکارتر می سازد. ۲ رهبر کبیر انقلاب، با بینش روح الهی خود می فرماید: «قلم های مسموم خطاکار، گفتار گویندگان بی فرهنگ، در این الجزایر بی حجاب». ۱. «حجاب زیبایی شعار، کارآیی شعور»، مینا هاشمی، سالنامه زن، بهمن ماه ۱۳۷۱، ص ۳۴، به نقل از فرانتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزایر یا بررسی جامعه شناسی یک: انقلاب، ترجمه دکتر تابنده، ص ۴۴؛ دو: برای آشنایی با گوشه هایی از این داستان غم انگیز. ر. ک: «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، غلامرضا گلی زواره، پیام زن، شماره های ۷۰ و ۷۱. ۲. www.porsojoo.com. نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله کالایی خواستند، د آو رند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یاری آن نیست. هر کس بخواهد شمه ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه ها و مجله ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضاخان، از روزگار تباہ کشف حجاب الزامی به بعد، مراجعه کند و از مجالس، محافل، مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه، و شکسته باد قلم های روشن فکرانه آنان. و گمان نشود که آن جنایات، با اسم آزاد زنان و با اسم آزاد مردان، بدون نقشه جهان خواران و جنایتکاران بین المللی بود. ۱ آری و با همین بینش و روش، مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای فرمود: «عده ای از چادر فرار میکنند به خاطر این که هجوم تبلیغاتی غرب دامن گیرشان نشود؟ اما به آن حجاب و واقعی بدون چادر هم رو نمی آورند، چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می دهد. تصور نکنید اگر ما

فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر می دارند؟ آنها به این چیزها قانع نیستند، بلکه می خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در این جا، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل شود. «۱۲. در جستجوی راه از کلام امام خمینی، دفتر سوم، ص - ۳۹. ۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص - ۲۶۱-۲۶۲. آری، تهی سازی انسان ها از فرهنگ ناب خود و ایجاد خلأ فرهنگی، مأموریت همیشه استعمارگران بوده، چنانکه «اسپنسر»، فیلسوف معروف انگلیسی به جاسوسان انگلیسی تو صیه ای این چنین کر د: «اخلاق، آداب، زبان و تمدن خودتان را به اقوام، مردم نظر خود بیاموزید، آنها را به حال خودشان واگذارید که «همیشه» از آن شما خواهند بود.» ۱ پایان این فراز، پرده برداری از اهداف استکبار در رویارویی با ملت ایران است که از زبان رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیت الله خامنه ای می شنویم: «بزرگترین بلا- برای یک ملت این است که بخش هایی از فرهنگ، تمدن خودش به مرور از حافظه اش پاک شود و اصلاً آن را به یاد نداشته باشد. این خیلی بلای بزرگی است، متأسفانه غربی ها با ما این کار را انجام دادند... هدف استکبار جهانی که در رأس آن آمریکاست در مواجهه با ایران اسلامی، فقط اسلام است و هیچ مسأله دیگری در میان نیست ... و الله که آمریکا از هیچ چیز ملت ایران به قدر مسلمان بودن، پایبندی به اسلام ناب محمدی ناراحت نیست.» ۱۳ اسلام بر سر دو راهی، ص - ۲۲۳. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص - ۱۳۲ و ۱۳۴

ماجرای کشف حجاب در ایران چه بود؟

کشف حجاب در ایران پدیده ای ناشی از آشنایی با غرب و تجدد خواهی افرادی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند و میکوشیدند زنان ایرانی را نیز مانند زنان اروپایی بعد از رنسانس بدون حجاب و نیمه عریان سازند و البته لباس مردان را نیز تغییر دهند. در حالی که نخستین نشانه های کشف حجاب را می توان در دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس در محافل روشنفکری مشاهده نمود، رسمیت یافتن آن به دوره دیکتاتوری رضاشاه پهلوی باز میگردد. رضاخان که پیش از رسیدن به مقام پادشاهی خود را فردی دیندار و پایبند به اصول مذهب نشان داده بود، پس از به قدرت رسیدن به تدریج ماهیت اصلی خود را نمایان ساخت. او که به نام تجدد گرایی، تضعیف ارزش های دینی را سر لوحه برنامه های نوسازی فرهنگی خود قرار داده بود، طی اقداماتی مخالفت عملی خود را با اسلام و فرهنگ و سنن اسلامی جامعه آغاز کرد. (مدنی، ج ۱، ۱۳۶۱، ص ۱۱۷-۱۱۹). از جمله این اقدامات می توان به حضور روزافزون میسیون های مذهبی، تاسیس مدارس جدید، بازگشت اشراف زادگان تحصیل کرده از فرنگ، تأسیس کانون ها و انجمن های روشنفکری، تغییر نظام آموزشی، اجبار کردن استفاده از کلاه شاپو، صدور قانون متحدالشکل نمودن لباس ها، کشف حجاب بانوان، ترویج بی قیدی در میان زنان، جلوگیری از حضور زنان با حجاب در پارک ها، سینماها، تئاترها، هتل ها و سایر مراکز عمومی و... اشاره نمود. در مرحله نخست سیاست نوسازی فرهنگی رضاخان در سال ۱۳۵۷ مردان ایرانی موظف شدند لباس های متحدالشکل با کلاه خاص شبیه فرانسویان (کلاه پهلوی) بپوشند. با اجباری کردن این قانون به تدریج تعداد کت و شلوار پوش ها زیاد شد. در سال ۱۳۱۳ رضاخان سفری به ترکیه داشت و در آنجا به شدت تحت تأثیر اقدامات کمال پاشا (آتا تورک) قرار گرفت و رمز ترقی و پیشرفت کشور را در تغییر کلاه پهلوی به کلاه شاپو و رفع حجاب از زنان دید (کشف حجاب در ایران، ۱۳۷۹، ص ۱۷). با آغاز سال ۱۳۱۴ تبلیغات حکومتی در مورد کشف حجاب به اوج خود رسید. علی اصغر حکمت- وزیر معارف- در فروردین ۱۳۱۴/۱۹۳۵ در مدرسه شاپور شیراز جلسه ای تشکیل داد و از اصناف مختلف دعوت کرد. در این مراسم عده ای دختر جوان بدون حجاب به اجرای برنامه پرداختند. (بصیرت منش، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵) همچنین در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴/۱۹۳۶ رضاشاه، همسر و دو دخترش بدون حجاب در مراسم فارغ التحصیلی دانشسرای تهران شرکت کردند. شاه در این مراسم که خطاب به فارغ التحصیلان گفت: «بی نهایت مسرورم که می بینم خانم ها در نتیجه دانائی و معرفت به وضعیت خود آشنا شده و پی به حقوق و مزایای خود برده اند. ما نباید از نظر دور بداریم که در سابق نصف جمعیت کشور ما به حساب نمی آمد و

نصف قوای عامله ممالک عاطل بود... شما خانم‌ها این روز را یک روز بزرگ بدانید و از فرصت‌هایی که دارید برای ترقی کشور استفاده نمائید. « (مکی، ج ۶، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸-۲۵۹) با این اقدام از سوی رضاشاه پروژه کشف رسماً کلید خورد. همزمان با اجرای جشن‌ها و برنامه‌های طراحی شده از سوی دولت برای ترویج کشف حجاب، یک سلسله مقالات به نظم و نثر در جراید منتشر و در آنها از نقاب و حجاب زنان انتقاد به عمل آمد. پلیس نیز مأمور شد با خشونت تمام به مبارزه با حجاب اسلامی - به هر شکل - پردازد. (مدنی، ج ۱، ۱۳۶۱، ص ۱۲۰) با وجود تمام تبلیغات و اقدامات، مردم ایران در مقابک تغییر پوشش مقاومت می‌ورزیدند. برنامه کشف رضاخان همچنین با مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی علما مواجه شد. در شیراز آیت‌الله فال اسیری (بصیرت منش، ۱۳۷۸، ص ۴۱۸-۴۱۹) و در تبریز آیت‌الله انگجی و آیت‌الله آقا میرزا صادق آقا به اعتراض شدید پرداختند. (بصیرت منش، ۱۳۷۸، ص ۴۰۴) فالی دستگیر و زندانی و علمای تبریز توقیف، زندانی و یا تبعید شدند. در دیگر نقاط ایران نیز به همین ترتیب حرکت‌هایی در اعتراض به رضا شاه صورت گرفت. این سلسله مبارزات سرانجام با وقوع قیام گوهر شاد و به خاک و خون کشیده شدن مردمانی که برای دفاع از باورهای اصیل خود در پناه حرم امن امام رضا علیه السلام در مشهد تجمع کرده بودند، به اوج خود رسید.

۱. سابت کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران. برای آشنایی بیشتر مراجعه کنید به: حکایت کشف حجاب (ج ۱ و ۲) موسسه فرهنگی قدر ولایت، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، سیاست و لباس، به کوشش سید محمدحسین منظور الاجداد، سا زمان اسناد ملی ایران.

آیا در دانشگاه‌های جهان ضوابطی برای پوشش دختران و زنان وجود دارد؟ یا این قانون تنها در ایران است؟

پژوهش انجام شده در بیش از ۱۵۵ دانشگاه در کشورهای مختلف جهان، بازگوکننده این واقعیت است که اکثر قریب به اتفاق دانشگاه‌ها دارای ضوابط خاص پوشش مناسب با محیط علم و دانش هستند. نکته جالب توجه آن است که در هر جای دنیا می‌توانیم موارد مشترکی را بیابیم که از میات آنها «کیفیت پوشش حرفه‌ای مناسب با محیط تدریس و تحقیق» است، این حقیقت از آن روست که در بین همه انسان‌ها اصولی ارزشی بر جهان بینی حاکم است که محیط‌های علمی - آموزشی باید دارای فضایی سرشار از امنیت خاطر، آرامش روحی - روانی متناسب با پیشرفت و ترقی و پایبندی به ضوابط پوششی بوده و ظواهر افراد نشانگر حضور در محیط فراگیری علم و دانایی، تلاش و تعالی باشد. مهم‌ترین که در هر جامعه انسانی - فراتر از عقاید و باورهای الهی - رعایت نظم یا قوانین بومی و اصول انسانی در اولویت قرار دارد و همه اینها با حفظ ظواهر و پوشش مناسب آسان تر فراهم می‌شود، از سوی دیگر اهداف خاص مجموعه‌های علمی هرگز با ارتباطات ناشایست، قانون‌گریزی و هنجار شکنی فراهم نخواهد شد، زیرا حفظ حقوق جمعی و ضوابط آموزشی - فرهنگی و پژوهشی در دانشگاه‌ها با آرایش و نیمه‌عریان بودن و تفاخر ظاهری یا نمایش چهره و لباس هرگز همخوانی ندارد و در بسیاری از صحنه‌ها مانع جدی محسوب می‌شود. این بنیان‌های فکری - فرهنگی که برخاسته از فهم مشترک یا فطرت خدادادی است، اساس ارتقای کیفی در محیط‌های علمی و بهبود بخشی اخلاق دانشجویی و شیوه‌های رفتاری و گفتاری به حساب آمده تا رعایت موازنه قانون و اخلاق در دست‌یابی اهداف علمی و معنوی که تربیت نسلی شایسته مسئولیت‌پذیر، نوآور، خلاق، موفق و سرفراز است پدید آید و دانشگاه‌ها به عنوان الگوی هر جامعه بویژه، ایران عزیز محسوب شود. اکنون برخی از ضوابط دانشگاه‌های مطرح در دنیا را مرور میکنیم: کالج رابرت ترکیه Robert college دانشجویان باید پوششی تمیز، مرتب و عقیف داشته باشند. پوششی که باعث حواس‌پرتی اشخاص و مانع تمرکز بر روی دروس نشود. لباس‌ها نباید بیش از حد تنگ یا گشاد باشند. دانشگاه ایالتی فلوریدا آمریکا Florida state university ضوابط پوشش از ساعت ۷:۳۵ صبح تا ۱۵:۳۵ بعد از ظهر در محوطه دانشکده (دانشگاه ایالت فلوریدا) اجرا میگردد. آرایش و پوشش دانشجویی مناسب با ابتدایی‌ترین مسئولیت‌ها و تعهدات دانشجویان و خانواده‌های آنان می‌باشد. و هرگونه تغییر در پوشش، فراتر از خط مشی کلی

دستورالعمل پوشش مجاز نخواهد بود. موارد ذیل قابل قبول نمی باشد: - هر نوع پوششی که در بردارنده عبارات زشت یا توهین آمیز به مقدسات، وسوسه انگیز و ناشایست یا مرتبط با دسته ها، احزاب و گرایشاتی که شخص را ترغیب به استفاده از مواد مخدر، مشروبات الکلی و یا خشونت کند. - هر نوع پیراهن کلاه دار، کت و ژاکت یا بادگیر. - هر گونه لباس و پوششی با پارگی، لکه، سوراخ و وصله. - بلوز یا پیراهن های یقه باز. - هر گونه پوشش بدن نما. - شلوارهای افتاده و آویزان. - شلوارها و دامن های بدون کمربند (کمربند پاره). - بازوبند، میچ بند، کمربند، یا دیگر اقلام با قطعات سنگین آهنی و زنجیر. - هر نوع کفش چرخ دار یا گیره دار، دمپایی و یا کفش های سرپایی ۱۱۷ یا پاشنه بلند. - عینک آفتابی (روی چشم یا بالای سر). دانشگاه ویرجینیایی جنوبی، آمریکا Southern virgina university این دانشگاه آماده ارائه آموزش در محیط پایدار با استانداردهای افتخارآمیز است. دانشجویانی که به این دانشگاه می آیند موظفند با این قوانین زندگی کنند که شامل موارد زیر است: - صداقت در رفتار فردی و دانشگاهی. - زندگی همراه با پرهیزگاری. - پرهیز از الکل، تنباکو، چای و قهوه و داروهای غیر مجاز. - احترام به حقوق دیگران. - رعایت قانون و سیاست های دانشگاه. - حفاظت از وسایل دانشگاه. - رعایت پوشش و استانداردهای دانشگاه. سیاست های خاص مطرح شده در قوانین عبارتند از: ۰۱ استانداردهای صداقت. ۰۲ استانداردهای تعهد. ۰۳ استانداردهای پوشش و لباس. معیارهای پوشش و آراستگی: پوشش و آراستگی مردان و زنان باید همیشه عقیف، آراسته و تمیز باشد. عفاف و نظافت، فاکتورهای ارزشی مهمی است که مقام مرتبه و شأن عقاید و اصول ما را منعکس میکند. دانشکده آلاسکا Alaska Bible college لباسی که ما اغلب می پوشیم، بیانگر شخصیت سلیقه فردی است که می تواند باعث جلب توجه شود اما معتقدین باید جذابیت درونی یک روح مسیحی را مورد توجه قرار دهند. زیرا اصول ها در طول سال ها همواره در حال تغییرند، لباس دانشجویان باید همواره با فروتنی، پاکی و تمیزی انتخاب شود. دانشگاه کوینز لند استرالیا The university of Queensland از دانشجویان دانشگاه «کوینزلند» انتظار می رود مادامی که در این دانشگاه در حال تحصیل هستند، پوششی حرفه ای و مناسب داشته باشند. دانشگاه لانگ وود، آمریکا Longwood university هدف و خط مشی دانشگاه لانگ وود، وضع دستورالعمل برای پوشش مناسب در محیط کار می باشد تا علاوه بر ایجاد یک تصویر مثبت حداکثر انعطاف پذیری برای حفظ اخلاقیات و احترام به مذهب افراد و نیز پوشش های خاص گروه های نژادی، جنسی و قومی فراهم شود و در حد امکان و مقتضی به انجام ایمن و صحیح کارها توجه گردد. دانشگاه جوان بریگ هام واحد آیداهو، آمریکا Idaho_Brigham young university معیارهای پوشش و آرایش خوش سلیقهگی، عقل سلیم، قدرت تمیز، با ملاحظه بودن و برخورداری از معیارهای بالای اخلاقی، شعارهای اصلی معیارهای پوشش و آرایش هستند. رفتار زشت یا پوشش و آرایش عجیب و غریب و نامتناسب در هر زمان و مکانی ممکن است به بازنگری ادراک فرد از رفتار و شخصیت مورد انتظار وی منجر گردد. نوع پوشش باید متعادل بوده و از نظر اندازه، طول، سبک و تناسب برای مناسبت های مختلف کاملاً مناسب باشد. لباس مردان و زنان باید نشانگر جنسیت آنان باشد و در عین حال از مدل های عجیب و غریب، و نامتعارف، اجتناب به عمل آید. برای زنان انتخاب لباس، نشانگر شخصیت زنانه آنهاست که در کسوت زنان «قدسیان روز آخر» در خواهند آمد و برای مردان، پوشش نشانگر خوش سلیقهگی و مردانگی است، برای بدل شدن به فردی که بار مسئولیت کشیشی را بر دوش خواهد گرفت. ۱۱ ر. ک: نیم نگاهی به ضوابط پوشش در دانشگاه های جهان؛ اعظم بینا.

آیا اندیشمندان، سیاستمداران یا هنر مندان غیر مسلمان جهان نیز از پوشش و حجاب یا حیا و عفاف سخن گفته اند؟

«عقل»، «فطرت»، و «احساس» سه ضلع مثلث شخصیت یک انسان است و اصل عقل «عفت و پاکدامنی» است که با «پوشش و حجاب» فراهم می شود. از این رو بسیاری از چهره های مطرح در جهان که آئینه فطرت خویش را با زلال عقل و احساس شفاف نگاه داشته اند «حجاب» و «عفاف» را ستوده و توصیه به آن نموده اند. «منتسکیو» فیلسوف صاحب نظری است که ضمن بیان تفاوت

های زن و مرد، «حجب و حیا» را برای شخصیت زنان ضروری دانسته، میگوید: «تمام ملل جهان در این عقیده مشترک هستند که زن‌ها باید حجب و حیا داشته باشند تا بتوانند خودداری کنند، علتش این است که طبیعت این طوری حکم کرده، لازم دانسته زن‌ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه نمایند. طبیعت، مرد را طوری آفریده که تهور داشته باشد ولی زن را طوری آفریده که خودداری، تحملش زیادتر است. بنابراین هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن‌ها به طور طبیعی است بلکه افسار گسیختگی برخلاف قوانین طبیعت می‌باشد و برعکس، حجب و حیا و خودداری مطابق قوانین اسلامی است زیرا طبیعت ما را طوری آفریده که به نقص خود پی ببریم، به همین جهت دارای حجب و حیا هستیم. حال اگر تأثیر آب و هوای محلی، به قدری زیاد باشد که این قانون طبیعی یعنی حجب و حیا را نقض نماید، قانون‌گذاران بایستی با وضع قوانین مخصوصی، این نقصان را رفع کنند تا قوانین طبیعی به قوت خود باقی بماند»^۱. «ژان ژاک روسو» نویسنده نام‌آشنای جهان، نامحدود بودن تمایلات جنس زن و مرد را مطرح و موهبت خدادادی یعنی «عقل» برای مردان و «حجب و حیا» برای زنان را عامل بازدارنده انسان می‌داند و می‌نویسد: «مرد و زن تمایلات جنسی نامحدودی دارند و خداوند برای فروکش کردن نیروی شهوت مرد، به او عقل داده و به زن حجب و حیا بخشیده است.»^۴

در بین سیاستمداران، رهبر فقید هند «گاندی»، بازیچه قرار گرفتن^۱. منتسکیو، ص ۴۴۲. ۰۲ آکین، ص ۱۶۷. هوسرانی مردان را با هشدارهای خاص به زنان گوشزد میکند و آرایش آنان برای جلب توجه مردان را سقوط جنس زن می‌داند و میگوید: «زن با اینکه به ظاهر درصد آزادی برآمد ولی در خطر جدیدی قرار گرفت و آن خطر بازیچه قرار گرفتن، وسیله هوسرانی‌های مردان شدن است. من ترجیح می‌دهم که نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل زن یا ظرفیت‌ترین مخلوق الهی به یک وسیله عیاشی شهوترانی مرد، از هر حیوانی پست‌تر گردد. اگر من زن بودم علیه ادعای مرد مبنی بر اینکه زن به دنیا آمده تا بازیچه او باشد، سخت عصیان می‌کردم. ای زنان اگر آرایش کردن شما به خاطر جلب شهوت مردهاست از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید...» در کنار این سخنان، نامه منسوب به هنرپیشه مشهور جهان، «چارلی چاپلین» به دختر خود «جرالدین» است که این سخن طلایی را گفته است: «دخترم! هیچ کس، هیچ چیز دیگر را در این جهان نمی‌توان یافت که شایسته آن باشد که دختری، ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند... برهنگی، بیماری عصر ما است. به گمان من، تن تو باید مال کسی باشد که رو حش را برای تو عریان کرده است. هنر قبل از آنکه دو بال پرواز به انسان بدهد، اغلب دو پای او را می‌شکند وقتی به مرحله‌ای رسیدی که خود را برتر از تماشاگران خود دیدی، همان لحظه تئاتر را ترک کن...» «ماشا الیلکینا» نام مشهوری در روسیه و مناطق روسی زبان است. او حدود ۲ سال پیش به عنوان یک هنرپیشه و مدل جذاب مطرح بود و شهرت و محبوبیتش با اوج گرفتن «گروه موسیقی فابریک» در روسیه، به بالاترین حد رسید. «ماشا» همانقدر که به سرعت در آسمان شهرت و محبوبیت طلوع کرد خیلی زود نیز از صحنه ناپدید شد. این امر نه به دلیل افول ستاره بخت وی بود و نه به علت از دست دادن «زیبایی چهره» یا «سحر صدا» بلکه به این دلیل بود که مسلمان شد و لباس عفت و ایمان را بر درخشش‌های کاذب دنیوی ترجیح داد. تفاوت بزرگ او با بسیاری از هنرمندان و خوانندگان دیگری که اسلام و حجاب را برگزیده‌اند در این است که وی در اوج شهرت و در زمانی که تازه پیشنهادهای خیره‌کننده به سوی او رهسپار شده بود حجاب و عفاف را انتخاب کرد و به بی‌عفتی و جلوه‌گری پشت پا زد. وی مسلمان شدنش را «لطف خدا» می‌داند و میگوید پس از اسلام آوردن احساس خوشبختی میکنم. «ماشا» معتقد است میل به عبادت خداوند، در فطرت همه انسان‌ها نهاده شده است، پس اگر کسی می‌خواهد به سوی اسلام گام بردارد فقط باید اندیشه کند و از فطرت خود مدد بگیرد. او تأکید میکند: اگر کسی نمی‌تواند راجع به خدا بیاندیشد حداقل سعی کند از خودش رهایی یابد و پلیدی‌های نفسش را مهار نماید، رداییلی مانند خودپسندی، تکبر، حسد، ظلم، دروغ، خودستایی و خودنمایی. «ماشا» که زنی تحصیلکرده است و به پنج زبان اروپایی تسلط دارد، به «غفلت مدرن مردم در عصر اطلاعات» اشاره میکند و میگوید: «امیدوارم کسانی که هنوز به دین اسلام مشرف نشده‌اند لحظه‌ای به خود بیایند و فارغ از انبوه اطلاعات پوچ و بی‌هوده‌ای که چشم، گوش مردم این دوران را فرا گرفته

است کمی اندیشه کنند. «وی در پاسخ به این سوال که: چرا گرایش به اسلام نسبت به ادیان دیگر بیشتر است و چرا بیشتر کسانی که به اسلام می‌گردند از بین اهالی هنر و موسیقی هستند؟ میگوید: «چون اسلام نسبت به ادیان دیگر، محکم‌ترین اساس را دارد. تمام قواعد اسلام در زندگی کاربرد دارند، راه اسلام سعادت بخش است.» و ادامه می‌دهد: «امروز من این فرصت را دارم که مقایسه کنم قبلاً چه بودم و حالا چه هستم. من اکنون با حیات واقعی آشنا شده‌ام، پس خوشبختیم.» «ماشا الیلکینا» ستاره سابق سینما، رقص و موسیقی، اینک حجابی اسلامی در بر دارد و به تدریس در مدارس مشغول است. وی میگوید: «از جلوه‌های کاذب سابق متنفر است، امید دارد مردم با دیدن عکس‌های نامناسبی که سابقاً از او در اینترنت منتشر شده است عبرت بگیرند، بدانند که می‌توان به سوی خدا بازگشت، توبه کرد و از نو متولد شد.» توجه به تحول و بازگشت این هنرمند جوان، برای جوانان بسیار آموزنده است، بویژه برای دختران مسلمانی که گاه با وسوسه‌های مختلف، و تحت تأثیر زرق و برق‌های ظاهری تمدن غرب، قدرگوهر وجود خود و نیز ارزش واقعی حجاب را نمی‌دانند. ۱۱. www.fardanews.com

«شهید حجاب» کیست؟ و ماجرای قتل او در آلمان چیست؟

«مروه الشربینی» بانوی با حجاب مصری در تیرماه ۱۳۸۸ با هجده ضربه چاقو به طرز فجیعی به قتل رسید. وی که از سوی رسانه‌های مصر «شهید حجاب» خوانده شد مورد توجه جهانیان قرار گرفت به گونه‌ای که تشییع پیکر او در قاهره به تظاهرات سیاسی علیه آلمان و اروپای به اصطلاح متمدن تبدیل شد. در ایران نیز تمبر یادبودی برای بزرگداشت این بانوی متعهد و خداجو عرضه گردید. این زن مصری در دادگاه، مورد حمله یک آلمانی روسی الاصل ۲۸ ساله به نام «آلیکس دلیو» قرار گرفت و کشته شد و در تشییع جنازه او که هزاران نفر از مردم و چند تن از وزیران دولت مصر شرکت داشتند، مردم شعارهای مرگ بر آلمان سر دادند که با دخالت پلیس، تشییع کنندگان پراکنده شدند. یکی از شاهدان ماجرا را این گونه روایت کرده که: من در شهر درسدن در آلمان زندگی میکنم. چهار روز پیش در این شهر اتفاقی افتاد که قلب هر انسانی را به در می‌آورد، ولی متأسفانه، این خبر درست و آن گونه که شایسته بود، بازتاب داده نشد. خانم مسلمان ۳۲ ساله آبستنی که به علت با حجاب بودن مورد توهین جوان بی ادبی قرار گرفته بود و به همراه همسر و پسر خردسالش برای شکایت در دادگاه حاضر شده بود، مورد حمله متهم قرار گرفت و جلوی چشم فرزند خردسالش، همسر، قاضی پرونده و دیگر کارکنان دادگاه به طرز فجیعی با چاقو به قتل رسید. متأسفانه، همسر وی نیز که به دفاع از او برخاسته بود، مورد شلیک پلیس قرار گرفته و اکنون در شرایطی بحرانی در بیمارستان است. همچنین بچه خردسالش که شاهد این ماجرای فجیع بوده، برای معالجه تحت نظر روانشناس است. روزنامه «الاکبار» هم در این باره نوشت: «تنها گناه این هموطن، حجاب او بود، اینکه تنو انسته بود، متلک‌های این جوان نژادپرست جانی را تحمل کند و با او درگیر شده بود.» «مروه»، همسر وابسته فرهنگی مصر در یکی از دانشگاه‌های آلمان بود و در یک دادگاه درجه دو در ایالت درسن آلمان در حال پاسخگویی به قاضی بود که مورد حمله آلیکس قرار گرفته و با هجده ضربه چاقو در دم جان باخت. «الاکبار» می‌افزاید: «این خانواده مسلمان اهل مصر هستند و برای انجام تز دکترای خود به آلمان آمده بودند، تنها گناه وی با روسری بودن این خواهر مسلمان بوده است.» ۱۱. www.bornanews.com

مخاطبان ما در خانواده یا جامعه چه ویژگی‌هایی دارند؟

اشاره

ما ز بالاییم، بالا می‌رویم ما ز دریاییم و دریا می‌رویم ما از اینجا و از آنجا نیستیم ما از هر جاییم آنجا می‌رویم ۱ مخاطبان ما یعنی

فرزندانمان در خانه و خانواده یا نوجوانان و جوانان عزیز در مدارس و دانشگاه و جامعه دارای سه ویژگی برجسته اند که هرگاه با این صفات دیده و شنیده شوند به جای ضعف و سستی یا خستگی و نومیدی در ارتباط، نشاط و شادکامی همراه ما خواهد بود، این ویژگی ها عبارتند از: ۱. فطرت یا سرشت خدایی و تمایلات ذاتی که به طور خودجوش بر روند زندگی و نوع انتخاب انسان اثر میگذارد و «جهت دهی» خاص می آفریند. صاحبان فطرت پاک و الهی بدور از هر گونه آموزش ظاهری به سرچشمه نیکی ها و خوبی ها هدایت می شوند و گرایش به خیر اخلاقی، حقیقت جویی، کمال یابی، زیبایی گرایی، عشق و پرستش در خود می یابند. ۱. مولوی توبه و استغفار، بیداری از غفلت و اقرار به گناه، پشیمانی و بازگشت از خطا و اشتباه از نمودهای وجود فطرت در انسان است. ۲. عاطفه و مهرورزی، دل و دلبستگی که فرد را شیفته دوست داشتن دوست داشته شدن میکند و نوعی گرایش و جاذبه در وجود او می آفریند. اگر این عشق و علاقه به مقدار ریز و اندک باشد به «اشیاء» تعلق میگیرد و هرگاه بالا رود، به «اشخاص» و اگر پرواز کند به «الله» پیوند می خورد و همه اشیاء و اشخاص را در این مسیر می بیند و می پسندد و می طلبد. آنان که حریم دل یا کعبه قلب خود را خوب محافظت کنند، قلب خود را «حرم الهی» کرده و همیشه با عطر و گلاب معنویت، خوشبو می سازند. ۳. عقل و خرد یا فرمانده صاحب قدرت در اداره کشور وجود که «انسانیت انسان» دانسته می شود. در پر توروشنایی آن، بندگی و بالندگی پدید می آید و همراه با فطرت و عاطفه با پاکی و تابناکی خود ایمنی بخش آدمی می شود. خودشناسی و خودیابی و خود اتکایی، آراستگی به زیور علم و دانایی، پرهیز از شهوات و غرائز نفسانی، بهره بردن از اشتباهات گذشته و درس آموزی برای تدوین آینده، حفظ تعادل روحی و تمرکز فکری و سرانجام برنامه ریزی برای دستیابی به ابدیتی نورانی رهاورد به کارگیری عقل در مسیر زندگانی است. نقش پدران و مادران یا مربیان و مبلغان، آموزش و پرورش شیرین و روان در حفظ حریم عقل و خرد و پاک نگاهداشتن عاطفه و فطرت است که با اصلاح گفتار و رفتار، تعالی اندیشه و افکار، رفت و آمدها و نشست و برخاست های ارزش مدار و درک درست از روحيات افراد میسر خواهد بود. بدون شک نگاه روشن ما به حالات و تحولات عزیزانمان در «نوجوانی» و «جوانی» همانند نگاه مربی دانا و هوشمندی خواهد بود که تمامی حرکات را می داند و می بیند و حرکت بعدی را انتظار میکشد، بدون آنکه غافلگیر شده و یا تلخی در چهره و تندی در سخن او دیده شود، زیرا بنابر دانش خویش، این ویژگی ها را نشان سلامت مخاطبان دانسته که خود نیز در روزگاری از آن بهره مند بوده است. آنچه در این عرصه، بسیار مهم می نماید توجه به سه رکن بنیادین در شخصیت افراد یعنی فطرت پاک، عاطفه خداداد و خرد انسان ساز است که تنظیم روحيات افراد براساس این سه امتیاز شکل میگیرد تا به خوبی از تندبادها و توفان های نوجوانی و جوانی عبور کرده و به ساحل سلامت برسند. با هم نگاهی به فراز و فرودهای روحی - شخصیتی نوجوانان و جوانان میکنیم تا بدور از تلاطم ها و درونی و برونی یکایک وظایف خویش درباره مخاطبانمان را بدانیم و بجا و بهنگام انجام دهیم:

ویژگی های برجسته در شخصیت نوجوانان

نوجوانی دوره گذر از کودکی به بزرگسالی است. این دوره لبریز از تعارض و نوسان بین وابستگی و استقلال است. نوجوانی دوره ای است شبیه به یک رویا. رویایی سپید که گاهی با شادی های اتفاقی رنگ میگیرد و با غمی کوچک به سیاهی میگراید. در این دوران هر حادثه و اتفاقی ممکن است رخ دهد. اضطراب ها، دلهره ها، کابوس ها، ترس ها و در هم آمیختن تفکرات یا خیال پردازی ها در دوران نوجوانی امری عادی تلقی می شود. توجه بیش از اندازه به دوستان، تاثیرپذیری از آنها و دوستان را بالاتر از والدین دانستن، دوری از پدر و مادر، علاقه مندی به دور بودن از محیط خانواده از ویژگی های دوران بلوغ و آسیب های اساسی در راه رشد نوجوانان است. در بسیاری از موارد، رابطه نوجوان با خودش، با خانواده اش، با دوستانش و بطور کلی با همه بهم می خورد به طوری که کم حوصلگی، حساسیت، استقلال طلبی، حادثه جویی، بهانه گیری و مواردی از این قبیل نوجوان را نا آرام

جلوه می دهد اما این جلوه های گوناگون نوجوانی هیچکدام بیهوده و بیمارگونه نیستند و هر کدام برای خود فلسفه ای دارند، به عنوان مثال اگر نوجوان ستیزه جوست در ستیزه جویی هایش میل به مهم جلوه کردن دارد، دوست دارد مورد توجه اطرافیان قرار بگیرد، در گروه خود موقعیت خاصی داشته باشد، همه او را به عنوان یک فرد با ارزش بشناسند. می توان گفت اولین و مهم ترین مشکل در این دوران، آسیب رفتاری و ناهنجاری های دوران بلوغ است. زیرا در این دوران نوجوان نه کودک است و نه مرد بلکه همچون هویت خود فرم پذیر و فاقد شکل ثابت است. از نکته های دیگر در دوران نوجوانی مدپرستی و قهرمان دوستی است که حاکی از نیاز یک نوجوان به مدل و راهنما و الگوست. در این زمان اگر نوجوان خرده گیر و عیب جوست به این دلیل است که حس داوری و تشخیص او رو به توسعه است و می خواهد معنا و مفهوم درست زندگی را دریابد. در دوران بلوغ، نوجوان خود را بالاتر و قوی تر و داناتر از هر کسی می داند بنابراین همین کنجکاوی و احساس قدرت باعث می شود دست به کارهای خطرناکی بزند که خرابکاری های اجتماعی و عضویت در باندهای بزهکاری از جمله آنهاست. نوجوان دوست دارد هر نکته و هر فرایندی را خود تجربه کند بنابراین از تمسخر می هراسد و دوست ندارد دیگران او را ضعیف بدانند. به همین خاطر دست به کسب تجربه می زند و دلش می خواهد خود هر موضوعی را آزمایش کند. اما در این ایام بسیاری از والدین از سرکشی و نافرمانی نوجوان داد و فریاد دارند. به اعتقاد پژوهشگران اگر نوجوان لجباز و سرکش است می تواند به این دلیل باشد که شوق به آزادی و خود مختاری دارد، دوست دارد بزرگسالان در کارهایش دخالت نکنند، دوست دارد اتاق مخصوص به خود داشته باشد و با سلیقه خودش آن را تزئین کند. علاوه بر آن، ریسک پذیری از ویژگی های دوران بلوغ است و تمایل به جنس مخالف و گرایش های افراطی در این زمینه تهدید برای دوران نوجوانی به حساب می آید، بنابراین والدین باید برای گذار همراه با آرامش و سلامت از این مرحله از جایگاه پدر و مادر و فرمانده به جایگاه یک دوست خود را انتقال داده تا بتوانند در مشاوره و راهنمایی به فرزندان خود موفقیت کسب کنند. مساله نوجوانی با آنکه از اهمیت ویژه ای برخوردار است و توجه بسیار مسئولان و متصدیان امور را می طلبد، اما متأسفانه در میان دغدغه های کودکی و جوانی گم شده است و برای احیای راهکارهای حل مشکل آن باید به طوراساسی فکر شود. بی دلیل نیست که در نگاه صاحب نظران دوران نوجوانی حساس ترین سن یک انسان دانسته شده که هویت یک فرد در این مقطع شکل میگیرد بنابراین مسائل، این سن از مهم ترین دغدغه ها به حساب می آید. معیارها و هنجارهای خاصی برای دوران کودکی و جوانی هر فرد تعریف شده اما هنوز از برهه نوجوانی و دغدغه های این سن تعریف دقیقی ارائه نشده است. از آنجا که شکلگیری ارزش های اجتماعی جوانان و بزرگسالان در این مقطع شکل میگیرد بنابراین باید در بحث های هویتی نوجوانان دقت و ظرافت لازم داشت. بسیاری اوقات نوجوان در رویا سازی ها و خیال پردازی هایش در جستجوی آینده ای نامعلوم و کشف استعدادها و آرمان های نهایی خویش است و اگر جلوه های نوجوانی به درستی فهمیده و شناخته شوند، زندگی با نوجوانان کار دشواری نخواهد بود و اگر میل های طبیعی نوجوان به اندازه صحیح ارضا شوند نوجوان می تواند به آسانی خود را با جامعه تطبیق دهد. ۱

ویژگی های والا در شخصیت جوانان

عهد جوانی که بهار تن است نسبتش اینک هم از این گلشن است تا بود اسباب جوانی به تن روح چو گل باشد و تن چون سمن ۲ جوانی، دوره ای است که با «بلوغ» آغاز می شود و آدمی به مرز ازدواج می رسد. برخی افزون بر بلوغ جسمی، صاحب رشد و بینش می شوند و در مسیر «زندگی» گام میگذارند و امواج حوادث و توفان سختی ها، تاثیری در نگرش های اجتماعی- فرهنگی آنان نخواهد داشت، این گروه از جوانان را «رشید» و «بالغ واقعی» نامیده اند. ۳ پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله جوانی را- که زمان اوج احساسات و هنگام شکلگیری شخصیت ماست- به زمانی تعبیر کرده که جوانان انتظار دارند مورد احترام واقع شوند و در فراز و

نشیب های زندگی از آنان نیز نظرخواهی کنند ۴. ۳۰۱. www.BornaNews.com نساء/۴. ۳. ۰۲ امیر خسرو دهلوی. ۴.

مکارم الاخلاق، علامه طبرسی، ص ۱۱۵. جوانی، دوره ابهام و سردرگمی هاست؟ تغییرات عمومی جسمانی و روانی، آن چنان سریع و همه جانبه است که ما را دچار تشویش و نگرانی میکند و در تصمیمگیری ها و برخوردهای ما با مردم و خانوادها، تاثیر میگذارد ۱. جوانی - به دلیل آمادگی نسبت به پذیرش حقایق و دانایی - بهترین هنگام حضور در محفل وارستگان و اندیشمندان فرزانه و بهره گیری از تجربیات آنان در زمینه دستیابی به صراط مستقیم زندگی است. جوانی، زمانی است که انسان با شتابی بیشتر از گذرگاه شک و تردید به منزلگاه علم و یقین می رسد، به خوبی توانای تجدید نظر در نشست و برخاست های غبارآلود را دارد، با اراده ای قوی از سستی و تن پروری، رهایی می یابد و با احساس مسوولیت نسبت به خود و جامعه، تحرک و نشاط در برنامه های مفید و ثمربخش و با پرهیزکاری و گناه ستیزی، آینده ای روشن همراه با پیروزی و کامیابی را پدید می آورد. جوانی هنگام نشاط، امید و هیجان، شادابی و شور و خروش، انتقاد بسیار و پرسش فراوان، هم اندیشی فعال و فضایی پاک و پیراسته از ویژگی های درونی، سرشار از لطافت و طراوت است و جوانان - به ویژه جوانان ایران - افرادی حق جو، عدالتخواه، آرمان طلب با سخنان دلربا و شیرین و دلنشین هستند. جوانی فصلی پر فروغ از کتاب زندگانی است که برای ما خاطره ای ۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۳. ماندگار و لبریز از هیجان همیشگی است که همراه با بحران بلوغ، بحران هویت و بحران شخصیت فردی و اجتماعی است، به گونه ای که نوعی سردرگمی در مناسبات و روانی با پدر و مادر و همسالان پدید می آید و به خاطر تحول ارزش ها و دیدگاه ها مشکلات شغلی، تحصیلی، جنسی و فکری - روحی و یا اعتقادی - ارزشی رخ نشان می دهد. ۱ جوانی دوره ای پر شتاب و پر شور است که هر یک از ما از محیط محدود خانه و خانواده، به فضای وسیع جامعه و سپس به گستره پر کران فن آوری های پیچیده و پر آوازه روز پا می نهم، تمامی پنجره های علوم و فنون جهان به روی دیدگان ما باز می شود و جدیدترین اطلاعات در اندک زمانی در اختیار ما قرار میگیرد. ۲ از این رو، ارزش های مورد علاقه، قطعی و پایدار زندگی دستخوش تغییرات و تحولاتی پیدا و ناپیدا قرار میگیرد و نیاز به سکان آرامش و ناخدای خداجو در این امواج پر تلاطم بیش از پیش احساس می شود. ۳ جوانی سال هایی سراسر نواندیشی و تجربه گرایی است. سنت شکنی، حرمت شکنی، گفتن از «چرا»ها و «چگونه»ها، عبور از مرز عادات و اخلاقیات نسل گذشته، ارایه سلیقه ای متفاوت با دیگر اعضای خانواده و فامیل، نمایش هیاهوها، جسارت ها، توسعه ها و پیشرفت ها، شیفتگی بسیار نسبت به پرسش های جدید و پاسخ های ۱. روانشناسی نوجوانان و جوانان، دکتر سید احمد احمدی، ص ۵. ۲. بلوغ، ص ۱۱۲. ۳. مراحل تربیت، موریس دیس ص ۳۵-۱۵. نو، آزادگی، حرکت و تکاپو فراتر از امروز و برتر از فردا، واژه هایی برجسته در دفتر صفات و روحیات جوانان است. آنان به طور عموم رابطه ای با «پند» و «اندرز» و «نصیحت» ندارند واز «باید» و «نباید» دوری میکنند. هرگاه بدانند کسی برای «هدایت» آنان به سوی آنها می رود راه خود را کج میکنند تا هرگز دیداری پدید نیاید اما شیفته مهر و مهربانی، رفاقت و هم آوایی و همدلی و همراهی هستند. چهره ای باز، رویی گشاده، لبخندی صادقانه و دانشی بی آلیش می پسندند و عاشق دوستی یکرنگ، گفتگویی حرکت آفرین و تاثیر ساز و سخنان زیبا، آهنگین، موزون، به روز و شیرین و دلنشین هستند. جوان امروز، دین امروزی را با بیان امروزی می پسندد و همواره از جلوه های ارزنده و بالنده آیین خود لذت می برد. او به پیشوایی که رهبر خود را طفل سیزده ساله می داند، افتخار میکند و شخصیت، بها و عظمت خود و دیگران را از پندار و گفتار دیگران انتظار دارد. جوانی ایامی سرسبز و به یادماندنی است که با عطر «عشق» و رایحه «اندیشه» همیشه شاداب می ماند. این دوران با نوشته های نوپرداز، و پر جاذبه، رنگی دیگر می یابد و با یافتن «هویت» و «شخصیت» تحوّل پر عظمت از خود نشان می دهد... و جوانی زمان زرّین و صبح سپید و طلایی حیات ماست که با طلوع خورشید «دانش و بینش» و نسیم حضور «مسیحا نفسی والا» ارزشی صد چندان می یابد و الگویی ماندگار برای همگان می شود.

اشاره

امروزه با توجه به جاذبه های بسیار در شیوه ها و ابزار فن آوری رسانه ها در سطح جهان و تأثیر سحرآمیز هر یک از آنان، علاوه بر «دانش» گفتگو با نسل جوان، «روش» همزبانی و همدلی اهمیتی فراوان دارد. آنچه درباره حجاب و طرح های تبلیغ آن در جامعه- به ویژه پس از انقلاب اسلامی- مطرح است و ریشه ناکامی در گفتگوهای چهره به چهره با مخاطبان دیده می شود عبارتست از: الف) دفاع بد دوستان که کار دشمن را سهل و آسان کرده است. ب) تهاجم همه جانبه دشمنان که ریشه اعتقادات را با شبهات شیطانی هدف قرار داده است. آنچه انتقال فکر و فرهنگ پوشش اسلامی را به نسل جدید دچار مشکل ساخته، ریشه در انتقال این فرهنگ در نسلهای گذشته دارد. اگر حجاب را یک مفهوم دینی و پوشش اسلامی را یک تکلیف و وظیفه دینی بدانیم، مراحل انتقال آن می بایست، مطابق با مبانی نظری اسلام در تربیت دینی و رعایت استانداردهای آموزشی باشد. آموزش، پرورش و یا برنامه های دقیق انتقال فرهنگ به نسل جدید، تابع مراحل و مراتبی است که باید مطابق با احساس و عاطفه، فطرت پاک و عقل و خرد خداداد باشد؛ از مرحله ای بسیار آسان و قابل قبول آغاز و به مراتب فعلی و فطری و فکری ارتقا یابد تا در عمق جان مخاطبان قرار گیرد و همیشه آنان را همراهی کند. در مراحل تربیت دینی، این مراتب پلکانی وجود دارد: ۱. انس دینی: ایجاد تعلقات معنوی از طریق شرطی شدن اعمال و افعال مذهبی. ۲. عبادت دینی: ایجاد عادت مذهبی به کمک تکرار اعمال و احساس مسئولیت در عبادات. ۳. معرفت دینی: فهم و استنباط معارف دینی به کمک تفکر، تعقل و تحلیل مسائل مذهبی. ۴. شاکله دینی: تجلی و تبلور فرهنگ مذهبی در وجود و شخصیت نوجوان (اخلاقیات). ۵. خودجوشی دینی: در جستجوی عشق، عرفان و معنویت برتر به کمک جاذبه های قدسی. اکنون جای این پرسش است که نسل گذشته در ارتباط با حجاب و پوشش، به عنوان یک مفهوم دینی و یک وظیفه و تکلیف، در کدامیک از این مراحل دارای نقص و کاستی بوده و به عبارت دیگر کدام مرحله را نگذرانده و میان برزده است که نسل نو از صمیم دل حجاب را پذیرا نیست و یا به اندک آن بسنده میکند. با کمی دقت، مرحله «معرفت دینی» را می توان نام برد. زنان و مادران ما در ارتباط با حجاب و با توجه به محیط خود، از مراحل انس و عادت عبور کرده و در اجتماع به صورت شاکله دینی مشاهده کرده اند ولی به دلیل ضعف در مرحله معرفت دینی، نتوانسته اند پاسخگوی سئوالات ساده فرزندان خود باشند تا چه رسد بتوانند به شبهات آنها نیز پاسخ دهند. دختر جوان امروزی بر خلاف مادر یا مادرزرگ خود، در صحنه اجتماع و در محیط تحصیل و اشتغال، بیش از گذشته حضور دارد و بیش از زنان گذشته نیز در مقابل سیل تهاجم فرهنگی قرار دارد. او برای عبور از چگونگی و پاسخی به چرایی ها دچار ضعف اساسی شده و با توجه به اینکه انگیزه ای نیز برای پرداختن بهاء در این زمینه ندارد، عطای پوشش سنتی را به لقایش بخشیده است و خود را با حداقل های مورد پذیرش همسالان خود قانع کرده است. متأسفانه در سطح جامعه و خانواده نیز، بیش از اینکه تکیه بر مرحله معرفت دینی باشد، آن هم با روش های نو، ظریف و متنوع به شکل و شاکله ظاهری پرداخته شد و سال ها پافشاری بر یک نوع پوشش و عدم توجه به روحیه تنوع طلبی، نشاط و نوجویی جوانان، راه برای پذیرش مدهای بیگانه باز شد. از سوی دیگر عدم تعریف و تعیین حدود، عدم هماهنگی میان اجزاء حکومت، غلبه روش های غلط بر روش های صحیح و موارد دیگر نوعی گریز و مقابله جوانان را نیز به دنبال داشت. علاوه بر نقص و خطا در مراحل و مراتب تربیت دینی، یا بینش ها در روش ها نیز دچار نقص و خطا بوده ایم. آموزه های تعلیم و تربیت دینی ما، روش های الگویی تکریم شخصیت، محبت، پند و موعظه، تشویق و تنبیه، استدلال و برهان و... را مورد تأکید قرار داده است تا نخست دل سپس اندیشه پذیرای حجاب باشد و هرگز از آن روی نگرداند. بدیهی است که حجاب و پوشش اسلامی به عنوان یک ارزش اجتماعی و تکلیف دینی می بایست با بهترین روش ها به نسل جدید ارایه میگردد. با کمال تأسف، این روش ها به طور عموم در کلی گویی باقی مانده اند و براساس هر مخاطب، هر محیط اجتماعی و موقعیت ارتباطی تبدیل به موارد کاربردی نشده اند. در مفهوم حجاب و

مقوله پوشش اسلامی نیز این اتفاق افتاده است. هر چند معتقد هستیم، اولیاء امور، دلسوزان و علاقمندان بسیاری از طرح‌ها، ایده‌ها، روش‌های خلاقانه را به کار برده‌اند، ولی در کشور ما آنچه که تبدیل به مجموعه مقاله در همایش‌ها و سمینارها می‌شود، فقط بحث‌های انباشته و تکراری در حوزه نظری است و در حوزه عملی دارای نمود و تأثیر خاصی نیست. نکته مهم در این عرصه آن است که مراحل و مراتب تربیت دینی در هر فردی منحصر به همان فرد است و نمی‌توان افراد هم‌سن و هم‌جنس و حتی هم‌خانواده را یکسان تلقی کرد و یک شیوه مشابه با آنان داشت. علاوه بر این، در تربیت مذهبی هر فرد می‌تواند در هر یک از وظایف و فرائض در مرحله‌ای متفاوت باشد، به طور مثال در نماز، در مرحله معرفت دینی و در روزه در رتبه شاکله دینی باشد، همین شخص گاه در امر به معروف شاید در انس دینی هم نباشد ولی در حجاب و پوشش اسلامی در مرحله شاکله باشد بدون آنکه مرتبه معرفت دینی را گذرانده باشد و از ریشه‌های واجبات با خبر باشد. پس مریبان و پدران و مادران بصیر می‌بایست به این نکته دست یابند که نخست هر فرد در هر موضوع و مفهوم دینی در چه مرحله‌ای است، سپس محتوا و شیوه مناسب را مطابق با ویژگی‌های مخاطب بکار ببرند. اکنون وظایف پدران و مادران، اطرافیان و مریبان را نسبت به فرزندان در هر مرحله نسبت به پوشش و حجاب پیش‌رو قرار می‌دهیم تا شناختی بیشتر آنهم به صورت عملی و ریزتر بیابیم: در مرحله انس دینی: مادران، مانند چادر و یا مقنعه و روسری خود برای دختر خود تهیه نمایند. هیچگاه در برابر او از پوشش خود گله نکرده و حدود آن را رعایت کنند. با نظر او برایش چادر، مقنعه و روسری تهیه نمایند. از دوره‌های مختلف (مانند جشن تولد) حداقل یک عکس با حجاب تهیه کنند. عکس او با پوشش مناسب را در آلبوم گذاشته و یا قاب کرده و نصب نمایند. از علاقه او به پوشش در میان جمع صحبت کنند و رضایتمندی خود را نیز اعلام نمایند. چادر، مقنعه و روسری او را همواره تمیز کرده و معطر کنند. با روحانی محل، اقوام متدین و... ارتباط بیشتری برقرار نمایند. شعر و سرود مربوط به پوشش، عفت و حیا و... به او یاد دهند. بهای اماکن و موقعیت‌های مختلف، پوشش مناسب آنجا را در نظر بگیرند. جشن تکلیف باشکوه گرفته و اثرات آن را با هدایای سالانه، تداوم بخشند. از او بخواهند خاطرات مربوط به عبادت، زیارت، مجالس و مراسم‌هایی را که شرکت داشته است بیان نماید. در نمازهای خود و در زمان‌های مناسب و حضوری او را دعا کنند. به حضور خانوادگی و یا گروه همسالان در مراسم‌های مذهبی اهمیت دهند. در مرحله عادت دینی: با توجه به ایجاد تنوع در پرورش و علاقمندی فرزند خود، سعی کنید از محیط بیرون از خانه رعایت پوشش را آغاز نمایید. برای رفتن به بیرون از خانه، همراه با شادی و نشاط به او کمک کنید که با پوشش مناسب حاضر شود. اقامه نماز را که در ارتباط مستقیم با پوشش است مورد تأکید قرار دهید. عادت به نماز، عادت به پوشش را سهل و آسان می‌کند مراقب نماز او باشید. به صورت منظم و متنوع در اماکن زیارتی حضور یافته و در مراسم و نمازهای جماعت او را شرکت دهید. در مرحله معرفت دینی: در جمع‌های خانوادگی و یا دوستانه موضوع پوشش را مطرح کرده و بحث نمایید. کتاب‌های مناسب سن او را تهیه و یا او را در کتابخانه‌ها عضو کنید. برای طرح پرسش‌های او فضای محبت آمیزی فراهم آورید. او را با مراکز پاسخ به سئوالات، روحانیون، بانوان مبلغ و کتاب‌های پاسخ به پرسش‌ها، آشنا نمایید. حجاب و پوشش را با مفاهیم دیگر دین مطرح کنید. در مورد انواع پوشش و لزوم آن برای زنان و مردان، توضیح دهید. باورهای غلط پیرامون حجاب را برای او توضیح دهید تا رفع شود. از ویژگی‌های انسان با حجاب با او گفتگو نمایید. در مورد تأثیرات حفظ حجاب در دیگر ابعاد زندگی با او گفتگو کنید. او را با ادبیات مقوله حجاب و مفاهیم مرتبط با آن آشنا سازید. او را تشویق نمایید تا در مسابقات مربوط به مفاهیم دینی شرکت کند. هر چند وقت یکبار درباره خصلت‌های خوب او و در رابطه با حجاب گفتگو نمایید. سعی کنید او را با دیگران مقایسه نکرده و به اندازه توانش توقع داشته باشید. او را به عضویت انجمن‌ها و کانون‌های دینی درآورده و رفتن منظم به مسجد را فراموش نکنید. راجع به ارزش و جایگاه زن، مادر و پوشش در اسلام، (قرآن و سنت) توضیح داده و یا در معرض مطالب آن قرار دهید. بیش از هر چیز از نمادها و نشانه‌هایی که یادآور شعائر دینی و دلبستگی‌های مذهبی است استفاده کنید. در مرحله شاکله دینی: شکل و تیپ همراه با پوشش و

حجاب را جزئی از شخصیت او قرار دهید. حجاب، عفت و حیا را علاوه بر ظاهر در شکل های رفتاری او اعم از کلام و غیر کلام گسترش دهید. ضمن گفتگو با او، موانع داشتن پوشش مناسب، در موقعیت های مختلف را بررسی و رفع نمایید. شاکله ظاهری او را با دیگر فرایض دینی، مانند نیاز، و وظایف دیگر، مانند انجام امور خیر، احترام به دیگران و... پیوند دهید. با برنامه ریزی دقیق در مراسم ها و مکان های مذهبی حضور یافته و در امور خیر، او را شرکت دهید. تصویر برداری از فعالیت های او را فراموش نکنید. (در مراسم ها، زیارت ها و...) برای پوشش او در خانه جایگاه خاصی در نظر بگیرید که در مواقع لازم به راحتی از آن استفاده نماید. سعی کنید دوستان خود را از میان افراد باحجاب، عفیف و با ادب انتخاب نمایید. در مرحله خودجوشی دینی: به او کمک کنید تا بتواند از عقاید خود در مقابل دیگران دفاع کند. به او کمک کنید تا بتواند در میان همسالان خود موثر بوده و حتی تبلیغ کننده پوشش باشد. هر چند وقت یکبار در مورد پوشش گفتگو نمایید. موانع حضور او را در امور داوطلبانه رفع کنید. زمینه ای را فراهم آورید که از رفتار خود رضایت داشته و خود را تشویق نماید. هیچگاه به جای او از حجاب و پوشش تعریف نکنید، بگذارید خودش آن را دوست داشته باشد. روی عوامل بازدارنده مثل خودنمایی، حسادت، اکراه و بی میلی کار کنید. روش های تربیت دینی: روش های تربیتی در این عرصه بسیار است و نسبت به تلاش اولیاء و مربیان می تواند همواره تغییر و افزایش یابد و از سوی دیگر با داشتن هر یک از روش ها و ترکیب آن با شیوه ها و قالب ها و محتوای مختلف، اقدامات بسیار متنوعی می توان تدارک دید. اولیاء و مربیان به دانستن روش ها و حتی روش های گذشته و توصیه های ارابه شده در این مجموعه نباید اکتفا کنند و با شناخت مخاطب و موقعیت و نوآوری، راهکارهای فراوانی را پیش رو قرار دهند تا تعداد و تنوع همراه با نشاط و شیرینی، کسالت و خستگی را دور سازد. اینک برخی روش ها و توصیه های کلی ارائه می شود امّا بدیهی است که در مقوله حجاب و پوشش اسلامی تدبیر و تلاش های فراوانی برای توسعه روش ها مورد نیاز است: در روش الگویی: هر چه بیش تر و بهتر حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام زینب کبری علیهما السلام را معرفی نمایید! به صورت حضوری و غیر حضوری (در نشریه ها و...) زنان موفق در عرصه های جهاد، تعلیم و تربیت، اشتغال، ورزش، علم و پژوهش، خدمت رسانی و نیکوکاری و... معرفی نمایید. پوشش های کشورها، اقوام و مذاهب دیگر را معرفی و نشان دهید. همسالان با پوشش اسلامی را که در عرصه عای علمی، فرهنگی هنری موفقیت هایی کسب کرده اند، معرفی نمایید. اسباب بازی های مختلف همانند عروسک با پوشش برای او تهیه کنید. مجسمه ها، تندیس ها و نمادهای مربوط به پوشش را تهیه و در مدارس نصب نمایید. والدین سعی نمایند با خانواده های متدین دوست شده و با آنها رفت و آمد کنند. والدین بر آن باشند فرزندشان با همسالان متدین و با حیا دوست شوند. والدین دقت کنند در خانه، مهمانی ها و جامعه، پوشش مناسب آن محیط را رعایت کنند. والدین در گزینش مدرسه و مربی و مربیان در هماهنگی با والدین دقت نمایند- در روش محبت: مربیان و والدین، اول زبان محبت و سپس زبان استدلال داشته باشند. محبت را در همه حال، همه مراحل و همه آدم ها موثر بدانید. در صورت سؤال، کوتاهی در عمل و هر برخورد دیگر، برخورد با محبت را فراموش نکنید. جلب اعتماد و محبت را مقدمه و صداقت را نهایت کار خود بدانید. با کسی که پوشش مناسب دارد عکس یادگاری بگیرید. در تکریم شخصیت: به کسانی که پوشش صحیح دارند، احترام بیشتری بگذارید. به کسانی که پوشش صحیح ندارند بگویید: «ای کاش که این کار خدایی و انسانی را نیز انجام دهی.» همواره بگویید، که علت احترام شما آن است که فرد با پوشش، خود برای خود احترام ایجاد کرده است. عکس تکی او در خانه، و عکس دستجمعی همسالان با پوشش مناسب را نصب نمایید. به بیانات او، حتی نظرات مخالف او با دیده احترام بنگرید. به شخصیت و توان او احترام گذاشته و در مورد پوشش، او را با فردی دیگر مقایسه نکنید. بگویید که پوشش برای او مفید است و هیچگاه وانمود نکنید که به پوشش او نیاز دارید. در مراسم ها به آن ها احترام بیشتر گذاشته و در کنار آن ها بنشینید از آن ها بخواهید در برنامه ها حضور داشته و آثار خود را ارائه دهند. در روش موعظه و نصیحت: پند و نصیحت های مناسب هر سن را تهیه و در دسترس داشته باشید. درباره خوبی های پوشش و اینکه باعث حفظ شخصیت انسان می

شود، صحبت کنید. درباره عواقب بد حجابی و سوء استفاده از انسان صحبت کنید. از ابزار، رسانه ها، شیوه ها و قالب های مختلف (مستقیم و غیر مستقیم) برای موعظه استفاده نمایید. از افراد معنوی (روحانی، غیر روحانی، مرد یا زن) جهت جلسات استفاده نمایید. در صورت برخی اشکالات و کوتاهی ها سختگیری نکنید. درباره ابعاد مختلف حجاب و پوشش، جلسات بحث و بررسی میان همسالان ترتیب دهید. برای پذیرش او می بایست فرصت داد و از توصیه های پشت سر هم خودداری شود. به افراد با پوشش بگویند که می بایست اخلاق و رفتار آن ها بهتر از بقیه باشد. بیش از استفاده از لفظ از نمادها و نشانه ها استفاده نمایید. درباره مفاهیم مرتبط با پوشش بیشتر صحبت نموده تا نگاه او وسیع تر شود. در روش تشویق: از کودکی و با تقویت های منظم او را در مورد پوشش تشویق نمایید. با خرید روسری های زیبا، مقتعه های خوش رنگ او را تشویق نمایید. در مناسبت های مختلف پوشش های متنوع برای او تهیه شود. هنگام داشتن پوشش مناسب، رعایت آن و حتی حمایت از آن، او را تشویق نمایید. از او عکس و تصویر تهیه و آن ها را برایش حفظ نمایید! در مورد تقویت های مثبت و تشویق ها اندازه و مقدار را رعایت نمایید و ظاهر سازی در شما اثر نگذارد. والدین در نزد مریبان و مریبان در نزد والدین آن ها را تشویق کنند. برای انجام زنجیره ای از فعالیت و یا موفقیت در مسابقه های مربوط به پوشش مدال عفت و حیا و یا نشان پاکدامنی تهیه و اعطا نمایید. هیچگاه از جایزه، هدیه و تشویق به صورت مصنوعی استفاده نکنید تا تلقی رشوه پیدا نکند.

شیوه ها، قالب ها، رسانه ها و ابزار

شناخت شیوه ها، قالبها، رسانه ها و ابزار، باعث می شود که اولیاء و مریبان با پردازش های جدید از محتوا، راهکارهای متنوعی داشته و ارایه دهند. این راهکارها باعث می شود که تنوع بیشتر تمام حواس مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد. روش های مستقیم و غیر مستقیم، استفاده به جا از رسانه ها و ابزار و روش های قدیمی و جدید باعث می شود تا هر روز توان بیشتری برای کار داشته باشیم. برخی شیوه ها، قالب ها، رسانه ها و ابزار در ادامه آمده و بدیهی است که مقدمه ای برای توسعه موضوع خواهد بود. با هم مرور می کنیم: ۱. تهیه نمایشگاه عکس: - پوشش اسلامی. - پوشش در اقوام و ملل و مذاهب. - پوشش های مبتذل. ۲. تهیه نمایشگاه عروسکی: - انواع پوشش های مناسب. - سیرکشف حجاب. - پوشش اسلامی در مشاغل مختلف. ۳. تشکیل نمایشگاه کتاب: - کتاب های نظری در مبحث حجاب. - کتاب های احکام. - کتاب های تصاویر و مدل ها. ۴. برگزاری میزگرد حجاب: - با حضور صاحب نظران حوزه و دانشگاه. - با حضور نوجوانان، بصورت نمایشی و با استفاده از منابع معتبر و پرسش و پاسخ. ۵. برگزاری جشنواره حجاب (پوشش) و... - معرفی مدل ها و طرح های جدید لباس برای همه سنین و کاربرد ها. - خواندن شعر و سرود و مقاله. - اهداء جوایز به برگزیدگان طرح های... ۶. برگزاری برنامه مناظره. ۷. برگزاری جلسات هم اندیشی. ۸. تهیه نمایش های کوتاه با مضمون عفت، حیا، پوشش و... ۹. تابلو اعلانات: - نصب منظم احادیث تشویقی و توجیهی. - نصب منظم جملات زیبا (حتی الامکان از خود بچه ها) - نصب طرح ها و تصاویر زیبا (حتی الامکان از خود بچه ها) - نصب تصاویر بزرگ زنان در حج، نماز جمعه و فعالیت های اجتماعی. ۱۰. استفاده از کارت تبریک و پیام های تبریک. ۱۱. استفاده از پیامک (SMS) جهت ارسال تصاویر و پیام های مرتبط ۱۲. تهیه انواع نمادها، تندیس ها و تولید کارت های تک و یادبود. ۱۳. برگزاری مسابقه در زمینه های زیر: - کتابخوانی - حفظ حدیث. - مقاله نویسی (تحقیق و پژوهش) - شعر. - طراحی - سرود. - نقاشی - نشریه دیواری. - طراحی لباس - خاطره نویسی. - اطلاعات عمومی پوشش - حفظ آیات. - عکس. با برگزاری هر یک از مسابقات می توان برگزاری مراسم جشن و اهدا جوایز اثرات کار را ماندگار کرد.

گستره یادگیری

اشاره

پوشش اسلامی و حجاب، وظیفه‌ای انسانی و اعتقادی است که مریدان می‌بایست در فرایند یاددهی - یادگیری به ابعاد مختلف آن توجه نمایند. پوشش اسلامی و حجاب، مانند بسیاری از مفاهیم دینی از هر سه جهت متاثر است و بسته آموزشی آن می‌بایست به طور کامل متعادل باشد.

الف) گستره شناختی

در موضوع حجاب و پوشش مطالعه نموده و همواره آمادگی علمی و استدلالی جهت طرح آن داشته باشید. از منابع اصیل استفاده کرده و از افراط و تفریط خودداری نمایید. برای هر گروه و یا هر فرد، بیان مناسب را تهیه کنید تا قابل فهم و درک بوده، شیرینی و طراوت آن باقی بماند. از ادبیات موزون، شامل حکایت‌ها، روایت‌ها، اشعار، تمثیل‌ها و جمله‌های زیبا، حداکثر بهره‌برداری را نمایید. دانایی مخاطب را بالا برده و نسبت به دانسته‌هایش او را آگاه کنید! و گناه

ب) گستره عاطفی

خودتان به موضوع باور داشته باشید و آن را بیان کنید. مخاطب خود را دوست داشته و آن را اعلام نمایید. همواره با محبت و دوستی با آنها برخورد کنید. از زیبایی‌ها و دوست داشتن‌ها درباره حجاب بیش از هشدارها و گناه جزا صحبت نمایید. واژه‌های زیبا و عناوین دلنشین به کار ببرید. از هرگونه اقدام ظاهری و شکلی خودداری کنید. عزت نفس و خودباوری را در مخاطب افزایش دهید.

ج) گستره روانی - حرکتی

خودتان سمبل توانمندی در انجام وظایف، به همراه رعایت و شش باشید. داشتن پوشش مناسب و رعایت حجاب و استفاده از چادر و مقنعه، نیاز به مهارت دارد و کسانی که تمرین بیشتری دارند راحت تر هستند از این رو زمینه کسب این مهارت را فراهم کنید. در هر فعالیتی و در هر موقعیتی حد مناسب را ایجاد کنید و هرگز افراط و تفریط نکنید. در انجام فعالیت‌های مربوط به پوشش اسلامی پر نشاط حاضر شوید از هر فرد، مناسب با توان و موقعیت او توقع داشته باشید. ۱۱. خسرو کی منش

آیا بینش و روش حضرت زهرا علیهما السلام نسبت به حجاب برای امر و ز جامعه ما جوابگوست؟

زهرا مرضیه علیهما السلام بانویی سرشار از بینش و بصیرت بود که در زمان جاهلیت تیره و تار، «کوثر زنان و مردان آفرینش» نام یافت و با سیره و سخن خود «فرهنگ برهنگی» و «برهنگی فرهنگی» دیروز و امروز را به خوبی مورد توجه قرار داد، الگویی ماندگار از شخصیت عظیم خویش به یادگار گذارد و جلوه‌های ارزشی و ضد ارزشی زنان را برای همیشه ایام ترسیم کرد. او همانند پدر عزیز خود، «دختران را بهترین فرزندان پدران و مادران و گیاه خوشبو در گلستان زندگی» ۱ می‌دانست و افزون بر آن «میمنت و خوش قدمی زن را صاحب دختر شدن در اولین گام مادری» ۲ معرفی می‌کرد، بانوان را انسان‌های «پر لطافت، گرم، با الفت، پاکیزه و سرشار از ۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱۳، ص ۴۸۱. ۲. همان، ص ۱۱۱. برکت» ۱ می‌دید و آنان را برتر از گوهرهای گرانبها و درّهای قیمتی نیازمند «شناخت روشن نسبت به ارزش خویشتن» و «روش‌های شایسته برای مصون ماندن از تیره‌های بلا- و پرتگاه‌های خطر» می‌دانست تا در پی این دو ویژگی برجسته چون خود در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی،

سیاسی، نظامی و اعتقادی حضوری حرکت آفرین داشته باشند و هرگز فریب زر و زیور زندگی را نخورند. از این رو «نگرش جامع در پوشش کامل» را ضرورت نخست می‌شمرد تا پیش از «حجاب»، «عفاف» بانوان از بلندای عشق و اندیشه آنان لبریز شوند و نمادهای مختلف این نگرش باطنی در پوشش ظاهری آنها جلوه گر گردند. بدین گونه او خود محیط خانه و خانواده را صاحب اهمیت و ارزشی بیکران می‌دید و حضور زنان را در خانه- در غیر زمان های ضروری و تأثیرگذار در عرصه های گوناگون اجتماع- موجب عبادت و تقرب به پیشگاه خداوند بزرگ می‌دانست و می‌فرمود: «ادنی ما تکون من ربه ان تلزم قعر بیتها»؛ ۲؛ آن هنگام که زن در خانه می‌ماند، از همه حالات به پرو ردگارش نزدیک تر است. و روزی که رسول خدا صلی الله علیه و اله بهترین چیز را برای بانوان سوال کرد، دخت دلبند او، زهرای مرضیه پاسخ داد: ۱. الکافی، ج ۶، ص ۲۵. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲. «خیر لهنّان لا- یرین الرجال و لا یرونهنّ»؛ ۱ بهترین چیز برای زنان آن است که نه آنان مردان- بیگانه- را ببینند و نه مردان- بیگانه- آنها را بنگرند. در این جا پیامبر صلی الله علیه و اله او را در آغوش گرفت و این آیه را تلاوت فرمود: (ذریه بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ)؛ ۲ ذریه (برگزیده ابراهیم) که بعضی از آنان از بعضی دیگر برترند. «ضرورت پوشش» برای بانوان به خاطر هندسه جسمی و ساختمان روحی زنان و جاذبه گفتار و رفتار فردی و اجتماعی آنان نکته ای برجسته در باورهای دخت اُفتات نسبت به زنان است، از این رو آن بانوی بزرگ، دقت و حساسیت فراوان از خویش نشان می‌داد و شناختی بسیار روشن به جلوه ها و جاذبه های پیدا و ناپیدای زنان داشت. روزی که رسول خدا صلی الله علیه و اله همچون بسیاری از اوقات برای دیدار دخت دلبند خویش در خانه فاطمه علیهما السلام را کوید و فرمود: «السلام علیکم، ادخل؟»؛ سلام بر شما، آیا داخل شوم؟ چون صدای عزیز وجود خود زهرای علیهما السلام را شنید که: ۱. حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، أبو الفرج اصفهانی، ج ۲، ص ۴۰. آل عمران/ ۳۴ مناقب ابن شهر آشوب، ص ۳۴۱، رک: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱ و ۹۲. «علیک السلام یا رسول الله! ادخل یا رسول الله؟» سلام بر شما ای فرستاده الهی، داخل شوید ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «ادخل و من معی؟»؛ آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟ بی درنگ زهرای عزیز علیهما السلام پاسخ داد: «یا رسول الله! لیس علی قناع»؛ یا رسول الله- اگر نامحرمی همراه شماست، وارد نشوید که- چادر بر سر ندارم. لحظاتی بعد چادر بر سر کرد و با احترام شایانی رو به پدر نمود و عرض کرد: «ادخل و من معک»؛ ۱ داخل شوید با کسی که همراه شماست. روزی دیگر برتر از این دقت به لطافت و ظرافت زنان توجه فرمود و چون همراهی نابینا با پدر دید که قصد ورود به خانه دارد، اجازه زمانی برای پوشاندن خویش خواست. رسول خدا صلی الله علیه و اله پرسشی امتحان گونه از دختر دلبند خود کرد و فرمود: دخترم! این مرد نابیناست چرا خود را از او می‌پوشانی؟ (پاسخ داد: ۱. محجّه البیضاء، مرحوم فیض کاشانی، ج ۶، ص ۱۰۳ و ج ۷، ص ۳۲۴؛ لثالی الاخبار، سیوطی، ج ۱، ص ۸۳؛ نو را لثقلین، حویزی، ج ۳، ص ۵۸۷. «ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشمّ الریح» ۱)؛ پدرجان (اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌نگرم و او بوی زنان را استشمام می‌کند. در این سخن درس آموز نخست پرهیز از نگاه های به دور از لذت و سپس به ویژگی پنهان زنان- که در بسیاری از زمان ها خود نسبت به آن آگاهی ندارند- یعنی بوی خاص آنان توجه شده است تا در امروز و هر روز جوامع، تمامی الگوپذیران با نگاهی همه سو نگر به شخصیت زنان بنگرند، نه او را در خانه ای حبس کنند و نه آنکه به دور از هرگونه کار لازم و شایسته و یا ضرورتی در کوچه و خیابان رها نمایند و بهانه ای از سر بی بهانه گئی مطرح کنند و آنان را متمدن (!) روشنفکر (!) و یا آزاد و رها از هرگونه قید و بند (!) معرفی نمایند. بیگمان «تعديل و تنظیم روابط»، پی آمدهایی چون حضور پر نشاط، سالم، شاداب و تأثیرگذار برای مردان و زنان در عرصه های مختلف خانواده و جامعه خواهد داشت و بن بست از فساد و تباهی در هیچ یک از میدان های فعالیت ایجاد نخواهد کرد. همانگونه که زهرای اطهر علیهما السلام از یک سو خود را از برابر دیدگان نامحرم می‌پوشاند و یا از لطافت و جاذبه وجودی زنان سخن میگفت اما از سوی دیگر با پاک! سیرتان و دین باورانی چون سلمان، عمار، مقداد به گفتگو می‌پرداخت و آنان چنان انس و الفتی با محیط سالم و ملکوتی زندگانی فاطمه علیهما السلام احساس میکردند که در پاره ای زمان ها به ۱. بحار الانوار، ج

۴۳، ص ۹۱ وج ۱۰۱، ص - ۳۸؛ احقاق الحق، شهید قاضی نورالله شوشتری، ج ۱۰، ص ۲۵۸. کمک دخت رسول خدا علیهما السلام در کارهای منزل می شتافتند! ۱ فراتر از این جلوه، ابعاد حضور حرکت آفرین آن بانوی بصیر در صحنه مای جهاد به عنوان مددکار رزمندگان اسلام و یا عرصه های سیاسی برای امداد امام زمان خود است که نشانگر نگاه ناب و نو و بینشی جامع و کامل از آن حضرت است. اندک آشنایی با شیوه های شایسته فاطمه علیهما السلام بیانگر این واقعیت است که آن حضرت مرز و معیار روابط مردان و زنان را با وجود «احتمال» انحراف و فساد مشخص فرموده است و بر این باور بود: آنجا که چنین پدیده ای احساس شود، بیگمان باید نشست ها، گفتگوها و رفت و آمدها مهار و محدود شود و به کمترین مقدار - آن هم سالم و به دور از توفان فساد - قناعت گردد، نه آنکه «یقین» در لغزش مبنای روابط قرار گیرد که در این صورت محیط امن و اطمینان خانواده با آوار لذت ها و خوشی های زودگذر واژگون و میدان کار و تلاش سازنده اجتماع با تندباد هواها و هوس ها سرنگون می شود!! به این ماجرای شیرین و دلنشین از زندگی امیر مومنان و فاطمه زهرا علیهما السلام بنگریم تا برای شیفتگان صلح و سلامت و سعادت خود و خانواده، ارمغانی ماندگار تقدیم نماییم: پس از آنکه رسول اکرم صلی الله علیه و اله کارهای درون خانه را به دخت عزیز خود و کارهای بیرون از منزل را به علی علیه السلام واگذار فرمود، زهرای اطهر علیهما السلام سخنی سرشار از بصیرت و بینایی ابراز کرد و فرمود: ۱. عوالم المعارف، مرحوم بحرانی، ج ۱۱، ص ۱۳۰ و ۲۶۴؛ امالی صدوق، ص ۵۰۶. «فلا - يعلم ما داخلنی من السیرور الا الله باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال»؛ ۱ به جز خدا کسی نمی داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا زحمت خانه مردان را به من واگذار کرد!! با نگاهی دوباره می آموزیم که سلسله دستورها و توصیه های آسمانی اسلام برگرفته از «فطرت، اندیشه و عشق» و دارای جلوه های جاودان در رابطه انسان با «خود»، «خلق»، و «خدا» است. از این رو بسیاری از احکام و بایدها و نبایدها از نگاه آموزه های فقهی کاری مجاز است اما از نظر توصیه های اخلاقی عملی ممنوع شمرده می شود. همانند توصیه های درس آموز و انسان سازی که رسول اکرم صلی الله علیه و اله به مسلمانان فروده است که: زنان از میان مسیر عبور نکنند، بلکه در کنار دیوار، راه رفت، آمد داشته باشند! ۲ کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در جای خلوتی که زنی نامحرم صدای نفس او را می شنود، نماند! ۳ هنگامی که زنی در جایی نشست، بعد از آنکه از آنجا برخاست، کسی در جای او ننشیند تا اینکه گرمی آن از بین برود! ۴ و یا سخن امام صادق علیه السلام به شیعیان خویش که: وقتی که دختر به سن شش سالگی رسید، سزاوار نیست که او ۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۲۳. ۳. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۹۱. ۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۲. ۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۷. را ببوسی! ۱ این گفته های گرانبار گرچه نشان ممنوعیت یا حرمت ندارد اما از نظر اخلاقی، عملی ممنوع حساب می شود زیرا زمینه گناه، دل مشغولی و وسوسه های شیطانی را فراهم میکند و چونان لغزشگاه و پرتگاه به سوی نافرمانی های بعدی خواهد بود. از این رو آنان که عیار ایمان و اعتقادشان برتر است در این موارد خود را موظف به مراعات میکنند و آثار و برکات بسیار آنها را در امروز و فردای زندگی نصیب خویش می سازند. این بینش موجب گردیده که گاه حکم برخی صفات به خاطر تغییر موضوع آنان، دگرگون شود. به طور مثال امیر مومنان علی علیه السلام فرمود: «بهترین خصال زنان، بدترین صفات مردان است، آنها عبارت است از: کبر، ترس و بُخل!!» ۲ سپس آن حضرت علیه السلام فلسفه تغییر هر یک از این ویژگی ها را بیان فرمود: تکبر زنان در برابر بیگانگان مایه رام نشدن آنان در برابر خواست هوس بازان خواهد شد و بُخل زنان موجب حفاظت از مال خود و شوهران می گردد و کم جرأتی بانوان سبب حفظ و حراست آنان و پرهیز از هرگونه احتمالات خطرآفرین است. پرجاذبه تر از این سخن، گفتار رسول اکرم صلی الله علیه و اله در بقیع است که سراسر بصیرت، تدبیر و دور اندیشی رهبران والا و فرزانه اسلام درباره جلوگیری از هرگونه انحراف پیروان خود است. ۱ وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۱. ۲ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵. ۱ امام علی علیه السلام می فرمود: در روزی بارانی و تیره و تاریک به همراه رسول خدا صلی الله علیه و اله در بقیع نشسته بودم که زنی سوار بر الاغ عبور کرد. دست حیوان داخل گودالی افتاد و زن به زمین خورد. با افتادن او، بی درنگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله چهره خودش

را برگرداند. اصحاب گفتند: ای رسول خدا! آن زن شلوار پوشیده است. پیامبر صلی الله علیه واله سه بار فرمود: «اللهم اغفر للمتسولات»؛ خدایا زنانی را که شلوار می پوشند (و از خانه بیرون می روند) مورد مغفرت قرار بده. آنگاه توصیه ای این چنین کرد: «ای مردم! از شلوار استفاده کنید چرا که از پوشاننده ترین لباسها های شماس و با آن زنان را هنگامی که از خانه خارج می شوند مصونیت می بخشید.»^۱ این نگاه دقیق و همه سویه به سلسله نیازهای ظاهری و باطنی و ارزش های پیدا و ناپیدای زنان در گفتار و رفتار فاطمه زهرا علیهما السلام به خوبی آشکار بود، و نشان از عظمت روحی آن پاک! بانو داشت. از این رو بانویی که گردنبنده حلال و مباح و هدایی شوهر عزیز خود را به خاطر حفظ شأنیت و قداست خویش و خانواده در راه خدا انفاق میکند، حساسیت بسیار نسبت به پوشش متین و مناسب دارد، رو به شوهر خود میکند و می فرماید: ۱. تبيه الخواطر، ج ۲، ص - ۷۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۳. «و ما علی رأسی من قناع الأعبا نسجتها بصاع»؛ مقنعه و چادر مناسبی بر سر ندارم مگر چادری که آن را با یک من بافته ام. و همراه با چنین حساسیتی ستوده در حجاب و پوشش، دقت و عفتی والا از خود نشان میدهد. و به اسماء بنت عمیس کرده می فرماید: «ای اسماء! من این شیوه را که نسبت به بانوان انجام می شود، در مراسم بعد از مرگ (پارچه ای روی جنازه زن نمی اندازند، حجم جسد نمایان است تا رو می شرم، نمی پسندم.» اسماء گفت: ای دختر رسول خدا! آیا چیزی را که در سرزمین حبشه دیدم به شما نشان دهم؟ پس از آن چوب های تری فراهم ساخت، آنها را خم کرد، سپس پارچه ای روی آنها انداخت) و تابوتی ساخت (فاطمه علیهما السلام با دیدن آن فرمود: «چقدر این خوب و زیباست چرا که به، اسطه آن، زن از مرد باز شناخته می شود (در نتیجه نسبت به شوون پیکر زن رعایت لازم صورت خواهد گرفت)) ای اسماء (هرگاه من جان سپردم، تو و علی مرا غسل دهید و هیچ کس دیگر بر من وارد نشود.» آن اندوه این احساس مسؤولیت برای پس از مرگ در حالی است که همه می دانیم با پایان حیات هیچ مسؤولیتی فقهی برای انسان در \ ۱. بحا را لانوار، ج ۳۵، ص - ۲۴۰: الأما لی للصدوق، ص ۳۶۰، روضه اللوا عظیم، ج ۱، ص ۱۶۲. انجام مراسم غسل، کفن و یا تشییع وجود ندارد، اما فاطمه، فاطمه است و پاره تن رسول خدا و همسر علی مرتضی! او به بانوان نسل ها و عصرهای بعدی درس حجاب و عفاف را تا آخرین لحظه حضور روحانی و جسمانی در دنیا می دهد و این اندوه تلخ اما مقدس خود را با لبخندی شیرین و دلنشین نمایان میبرد، زیرا با دیدن تابوت، تنها و آخرین تبسمی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه واله از او دیده شد همان بود و بس! آن عزیز الهی در پایان اسماء را دعا کرد و فرمود: «استرینی سترک الله من النار»؛ پیکر مرا پوشان خداوند تو را از عذاب آتش دوزخ خود بپوشاند. ۳ ذخائر العقبی، ص ۵۳. ۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۷؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۵۲ و ج ۴، ص ۳۷۸؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۴. ۳. شایان بیان است که در برخی احادیث این نکته وجود دارد که اسماء می گوید فاطمه علیهما السلام رو به همسر خود کرد و عرض کرد: «اوصیک باین عم ان تتخذ لی نعشاً رأیت الملائکة صوراً و صورته؛ وصیت میکنم به شما ای پسرعمو که برای من تابوتی درست کنید همانگونه آنکه ملائکة شکل آنرا به من نشان دادند.» با شنیدن این سخن خدمت حضرت، از حبشه یاد کردم و تابوت های آن دیار را ترسیم کردم، حضرت خوشحال شد و فرمود: «اصنعی لی مثله استرینی سترک الله من النار؛ ای اسماء! برای من تابوتی مثل آن درست کن، مرا پوشان، خاتور از آتش دوزخ حفظ فرماید. (ر.ک: السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۴؛ ذخائر العقبی، ص ۵۳؛ حلیه الاولیاء ج ۲، ص ۴۳).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد

بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۹۰-IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم.

فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

